۱

فی المجالس از کتاب علوم الآثار عجائب الآثار است که جناب امیرالمؤمنین ع
عبور از کوچه می نمود دید کنیزی نشسته گریه می کند آنجناب از آن بیت باد زیاد و
او دید متفحص شریف خود به نجوا او فرمود از سبب گریه او سؤال نمود و گفت
کو خانم فرموده که گوشت را بجهة او خریدم قبول نکرد او نیز و قصاب بردم که گوشت
دیگر داد چون نزد او بردم گوشت را قبول نکرد تا سه دفعه بقصاب بردم و هر بار
آنکه ده قصاب قسم خورده که لای گوسفند ... ان که اکنون دیگر
او آورد قبول نکرد اسم که چون نزد خانم خود رفتم او نیز قسم خورد که اگر
گوشت به او آوری ترا اذیت میکنم حال نمی توانم نزد و قصاب رفته جون
خود حیران و سرگردان مانده ام آنجناب فرمود من شفیع تو می شوم نزد هر کدام
میخواهی از خانم یا قصاب عرض کرد اگر نزد خانم روم خوف اذیت دا
دامن صدقه ناید که بجهة خود شفیع آورده پس نزد قصاب بروم با آن جناب
آمده نزد قصاب رسیدند آن مرد قصاب از خلص شیعیان بود که ا
در این از حیال ... خود مفارقت نموده که بلقاء آنحضرت ... رفته
و قتیکه رسید آن امام بجا در رفته بود و نزد قصاب بجهة انتظار مراجعت آنجناب
بقصاب شده بود ولکن آنحضرت او را نشناخت چون از دور دید که آن
باز رجوع نموده با جوان ... آنجناب فرمود آیا شنیدی که خداوند

فی البحار از کتاب ... المعاجز ماثور است که جناب امیرالمؤمنین ع
عبور را از کوچه می نمود دید کنیزی نشسته گریه می کند آنجناب از آن بنت باز پرسید المظلمة
گریه نموده بنفس شریف خود به طرف او رفت و از سبب گریه او سؤال نمود عرض
کرد خانم فرموده که گوشت را بجهت او خریدم قبول نکرد و قصاب بردم گوشت
دیگر داد چون بردم آوردم گوشت را قبول نکرد تا سه دفعه بقصاب پس بردم
آنگاه قصاب قسم خورده که از برای گوشتان مهر ... که اگر بار دیگر این گوشت را
آورد قبول نخواهم کرد چون نزد خانم خود رفتم او نیز قسم خورد که اگر بار دیگر
گوشت را آوری ترا اذیت می نمایم حال نمی توانم نزد قصاب رفت و نه خانم
خود حیران و سرگردان مانده ام آنجناب فرمودند من شفیع تو می شوم نزد هر کدام
میخواهی از خانم یا قصاب عرض کرد اگر نزد خانم روم خوف اذیت دارم
در صدد نباید که بجهة خود شفیع آورده پس نزد قصاب بردم با آن جناب بازار
آمده نزد قصاب رسیدند آن مرد قصاب از قدم شیعیان بود که از نهر
در این از عیال و خانه خود مفارقت نموده که بلقاء آنحضرت در کوفه مشرف شود
وقتیکه رسید آن امام همام در فته بود و آن قصاب بجهة انتظار مراجعت آنجناب مشغول
بود ... که آنحضرت را نمی شناخت چون از دور دید که آن کنیز

فی المجالس از کتاب جلاء العیون از عمار نقل است که جناب امیرالمؤمنین ع
عبور از کوچه می نمود دید کنیزی نشسته گریه می کند آنجناب از آن بابت باز پرسیده السائل
کردید به نفس شریف خود به نزد او رفت از سبب گریه او سؤال نمود عرض
کرد خانمی دارم که گوشت را بجهة او خریدم قبول نکرد انرا نزد قصاب بردم گوشت
دیگر داد چون نزد او بردم گوشت را قبول نکرد تا سه دفعه بقصاب رجعت کردم
آنگاه قصاب قسم یاد نمود که گوسفندان همه یکسان اند که اگر بار دیگر واپس آوری
او را دو قبول نخواهم کرد چون نزد خانم خود رفتم او نیز قسم خورد که اگر بار دیگر
گوشت بیاوری ترا اذیت میکنم حال نمیدانم نزد قصاب رفته خوانم
خود حیران و سرگردان مانده ام آنجناب فرمود من شفیع تو می شوم نزد هر کدام
میخواهی از خانم یا قصاب عرض کرد اگر نزد خانم روم خوف اذیت دارم
در مهرسفند نماید که بجهت خود شفیع آورده پس نزد قصاب بروم با آن جناب بازار
آمده نزد قصاب رسیدند آن مرد قصاب از خاص شیعیان بود که از مهر
در این از خیال او غافل خود مفارقت نمود که بلقاء آنحضرت در کوفه مشرف شود
و فتنه رسید آن امام همام در رفته بود و آن قصاب بجهة انتظار مراجعت آنجناب مشغول
بقصابی شده بود و لکن آنحضرت را نمی شناخت چون از دور دید که آن کنیز
باز رجوع نموده با جوان اعرابی آمد آنجناب فرمود ایا شنیده که خداوند دست

میداد دیگری را که قیمتش از اول بیشتر بود آن سرور نپذیرفت این دفعه نیز گذشت از آن کنیزک
قبول ننمود گذشت بهتر باین عاجزه بود عرض کرد ای جوان عوض این
دفعه مرتبه چهارم است که پس آورده قسم یاد نموده ام که قبول نکنم حضرت
فرمود من متعهدم که خدا بر خلاف این قسم تو عقوبت نکند قصاب
دست خود بسینه حضرت زده دور شو از دکان من و بار دیگر ترا
رجوع نباشد آن معدن علم و رحمت صلوات الله علیه سر بزیر افکنده بکنیزک
گفت باز بخانه برگردیم شاید شفاعت مرا قبول کنند همینکه بدر خانه
رسیده در را باب کرد خانم او زوجه احمد ابن حسن الکندی بود دست
در آستانه همینکه نظرش بر رخسار نورانی آنحضرت افتاد و شناخت خود را بر
قدمهای آنحضرت انداخت حضرت فرمود [illegible] آمده [illegible] و در [illegible]
داده است او از غضبان [illegible] جای کیست [illegible] کنیز خود [illegible]
گفت باید کنیزک را [illegible] و [illegible] باید [illegible] خدا و [illegible]
و دیگر صندوق [illegible] کو [illegible] من [illegible] انگه [illegible] فرمایا
و [illegible] طلب [illegible] ای آنجناب قبول فرمود و داخل خانه شد آن
زن [illegible] مشغول [illegible] او احمد رسید گفت
بشارت [illegible] امیرالمؤمنین [illegible] بخانه ما تشریف آورده است

بکرآمده

بکر آمده گفت ای جناب ای سرور بگذر گفت بلی بخشیدم و آنجناب
آزاد کرد احمد نیز مسرور شد و گفت بعوض این خانه و باغات و بوستان خود
ترا بخشیدم آنگاه آنحضرت مشغول [illegible] طلب شده و [illegible] با حمد و تا وقت
صلوة ظهر رسید حذیفه بجهة نماز جماعت با آن حضرت منتظر بود نزد قصاب
آمد که امیرالمؤمنین علیه السلام از نزد دکان تو بکجا رفت قصاب گفت من کجا و این فیض
عظیم کجا از برای این بجهة درک سعادت ملاقات آنجناب [illegible] بودم و تا حال آن
ملاقات نشده است و [illegible] بجهة آن جناب وارد [illegible] یوم الجمعه شرف
لقای آنجناب یابم حذیفه گفت همان جوان عرب که شفاعت کنیزک نزد
تو نمود امیرالمؤمنین بود گفت وای بر من چه لباس داشت حذیفه گفت [illegible]
جامه پشم پوشیده بود با لیف خرما وصله کرده بود و نور از جمال او ظاهر بود قصاب
بر حسرت و اضطراب [illegible] و فریاد نمود وای بر من بخت [illegible]
بر او [illegible] دکان دارم و جمیع اموال [illegible] بار دیگر دیدار
[illegible] باشد آنگاه [illegible] جمیع گذشت آن دکان با سایر اموال
[illegible] آنگاه دست [illegible] طب ساخته گفت [illegible]
[illegible] بنده [illegible] باشد [illegible] و دکان [illegible]
قصاب [illegible] که قطع [illegible] در حبس [illegible]

شیخ مفید ره و شیخ طوسی ره روایت کرده اند از احمد ابن یحیی از محمد ابن ابراهیم
از ربیع ابن منذر از پدرش که گفت از حضرت امام حسین ع شنیدم
که میفرمود که هر بنده که از دیده های او یک قطره آب بیرون آید از مصیبت ما
اهل بیت حق تعالی او را در بهشت خلد جای دهد پس احمد ابن یحیی گفت
که در شبی حضرت امام حسین ع را در خواب دیدم و گفتم به آن حضرت
عرض کردم محمد ابن ابراهیم چنین روایت از ربیع ابن منذر کرد از پدر او
فرمود آری حضرت فرمود بلی پس منذر پدر من روایت از ما نموده و من هم از او
از ما شنیدم ... روایت که روزی حضرت رسول صلعم و حسنین علیهما السلام
و سلمان ره بحجره فاطمه زهرا علیها السلام در آمدند فاطمه ع در خانه چیزی نداشت که
آنجناب بحجره علیحده تشریف برد در دیار کهن خود را با سلمان برد که مناجات
گفت الهی بنبوت محمد و برکات او ما را از حضرت رسول شرمنده مکن
این گفت بخانه دیگر آمده دید طاسی پر از حلوا مصفی بر سرش نهاده بنزد حضرت
بیاورد ... رسول صلعم نگاه کرد طاسی دید در غایت روشنی و پر از عسل مصفی
و اما یکرشته موی باریک بروی آن عسل کشیده رسید که نهایت زیبا بود
که هر کدام ما از برای این طاس و این عسل و این موی تشبیهی بگوئیم و معنی
بگوئیم و بعد از آن دست به تناول آن حلوا کنیم همه گفتند خوب است حضرت فرمود

ای سلمان

ای سلمان اول تو بگو سلمان گفت بسم الله الرحمن الرحیم مؤمن در
این طاس روشن تر است ایمان او در دل او و این عسل شیرین تر است و لکن
ایمان نگه داشتن در دم آخر با خود بردن از این مو باریکتر است حضرت شاه ... با امام حسن ع
و امام حسین ع ها گفت حضرت امام حسن ع فرمود که پادشاهی از این طاس روشن تر است
و مالک شدن در پادشاهی از این عسل شیرین تر است و لکن عدالت
کردن از این مو باریکتر است حضرت امام حسین ع فرمود که علم از این طاس
روشن تر است و دانستن علم از این عسل شیرین تر است و لکن عمل کردن
بعلم از این مو باریکتر است حضرت شاه ... بفاطمه زهرا علیها السلام گفت حضرت
فاطمه علیها السلام فرمود که زنان صالحه از این طاس روشن تر است و بار
شوهر از این عسل شیرین تر است و لکن خود را از چشم نامحرم نگاه داشتن
از این مو باریکتر است حضرت گفت که جای برادرم علی در این مجمع خالیست
هنوز کلام در دهان مبارک حضرت رسول صلعم بود که از آسمان
شفاعت در رسید و سلام کرد و دید حضرت رسول و فاطمه زهرا علیها السلام و حسنین
علیهما السلام و سلمان ره نشسته اند و طرفه مجلسی دارند که حضرت جبرئیل در آن شوق
آن مجلس آمد منتظر ماند حضرت امیر المؤمنین گفت چرا از این عسل
تناول نمیفرمائید حضرت فرمود ما طرفه صحبتی داریم با این طاس

و انتظار تو می کشم حضرت عرض کرد یا رسول الله که جمعی از اصحاب با من همراه اند
حضرت فرمود که طلب کن و حضرت فاطمه علیها السلام برخواست بحجره خاص خود
رفت اباذر غفاری و عبد الله انصاری هر چهار آمده سلام کردند رسول
خدا صلعم فرمود که ما این طاس و این طعام و این مو را هر که ام چیزی گفته ایم شما هم
بگوئید اول اباذر غفاری فرمود که نماز از این طاس روشن تر است
و گزاردن نماز از این طعام شیرین تر است و لکن با حضور قلب ادای نماز از این مو باریکتر
است عمار یاسر گفت قرآن از این طاس روشن تر است و خواندن قرآن از این
طعام شیرین تر است و لکن عمل کردن بقرآن از این مو باریکتر است جابر انصاری
گفت شرع محمد صلعم از این طاس روشن تر است و دانستن شرع محمد صلعم از این طعام
شیرین تر است و لکن عمل کردن بشرع محمد از این مو باریکتر است عبد الله انصاری
گفت زکوة از این طاس روشن تر است و دادن زکوة از این طعام شیرین
تر است و لکن بمستحق رسانیدن از این مو باریکتر است امام المتقیان علی بن
ابی طالب علیه السلام فرمود که من این طاس را بهتر از هیچ چیز تشبیه می کنم لکن بگو ای
می کنم فرمود که مهمان از این طاس روشن تر است و خدمت مهمان از این طعام
شیرین تر است و لکن مهمان را از خود راضی کردن از این مو باریکتر است بعد از
آن حضرت رسول صلعم فرمود که معرفت خدا از این طاس روشن تر است

الی

و دانستن معرفت از این طعام شیرین تر است و عمل کردن بمعرفت از این مو باریکتر است
و بعد از آن خواسته بودند از آن طاس تناول فرمایند صدای پر جبرئیل آمد عرض
کرد ای حبیب خدا دست نگاه دارید که مرا نیز تشبیه دارد جبرئیل علیه السلام گفت خدای تعالی
از این طاس روشن تر است و بنده حق شناختن از این طعام شیرین تر است و لکن
خدا را از خود راضی نمودن از این مو باریکتر است باز جبرئیل نزول کرد خدای تعالی
میفرماید که بهشت را برای دوستان و اولاد دوستان و شیعیان حیدر کرار آفریده ام
از این طاس روشن تر است و نعمتهای بهشت از این طعام شیرین تر است و لکن گذشتن
از پل صراط از این مو باریکتر است السلام علی من اتبع الهدی تمام شد در بحار مذکور است
در وقتی که امام حسن علیه السلام بحضرت امیر علیه السلام فرستاد و در بدن شریف آنحضرت
هزار جراحت داشت هشتاد جراحت در بدن بود و شریف آنحضرت رسیده بود
فاطمه زهرا علیها السلام رخت خواب اعز رخت مرهم گذاشت جناب مولانا ناله می کرد
و فاطمه زهرا علیها السلام گریان بخدمت جناب رسول خدا صلعم آمد عرض کرد یا رسول الله
پسر عم ترا از زخم تاب میرفت و تو اطلاع نداری حضرت گریان حسنین علیهما السلام را
با خود برداشته بمنزل جناب امیر علیه السلام تشریف آوردند و جراحت علی علیه السلام را
دیدند و سید نام جراح را طلب نمودند لوزن و خیاطه را آوردند و جراحت علی علیه السلام را بخیه
نماید و سید مستعد است که لوزن بر جراحت علی علیه السلام بزند پیغمبر صلعم راضی نشده که لوزن
به بدن علی علیه السلام بزند در همان ساعت جبرئیل علیه السلام از طرف رب جلیل نازل شد که یا رسول الله

خداوند عالم پیغمبر را گفت که لعاب دهان خود را بجراحت علی بمالید که در راه ما مجروح شده است
پیغمبر صلعم لب زد و لعاب دهن خود را بر جراحت علی ع بمالید جراحت علی ع
شفا یافت و حسنین پیغمبر را عرض کردند که بدن علی ع سوراخ هر سه پس صلعم را از من
شد که بدن شریف امام حسین ع را روز عاشورا [illegible] زخم بر بدن
شریف آنحضرت زدند و لعنة الله علی قاتل الحسین علیه السلام جناب پیغمبر صلعم فرموده
از ما نیست کسی که کبیرها را توقیر و بر صغیرها ترحم نکند و هر کس ما را [illegible] باید خدا
تعالی او را دشمن دارد تا از آنچه کرده باز گردد و توبه نماید و اگر توبه نکند در روز
قیامت او را رسوا کند مرویست در جمعی که نیست یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام
رفته و گفتند یابن رسول الله خدا تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت میکنیم
ما دعا میکنیم مستجاب نمیشود فرمود دلهای شما بسبب ده چیز مرده است دعوی خداشناسی
میکنید و اطاعت خدا نمیکنید و دعوی محبت رسول میکنید و با اولادش عداوت
میکنید و قرآن می خوانید و عمل بحکم آن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان میکنید
و پیرویش میکنید و دعوی محبت بهشت می کنید و بر آن سعی نمیکنید و دعوی
خوف دوزخ میکنید و خود را در آن می افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید
و از عیوب خود چشم میپوشید و نعمت خدا را می خورید و شکر آن نمیکنید و اقرار
بمرگ میکنید و تهیه این سفر نمیکنید و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت

نمیگیرید

نمیگیرید از این است که دعاهای شما مستجاب نمیشود و در روایت دیگر آمده که کسب خود را
حلال کنید تا دعای شما مستجاب شود اگر چون کسی لقمه حرام خورد چهل روز دعایش
مستجاب نمیشود جناب امیر علیه السلام فرموده که من برای شش کس ضامن دارم
که به بهشت بروم کسی که صدقه برای مسکینی برد و بمیرد و کسی که به تشییع جنازه برود و
کسی که بعیادت مریض رود و بمیرد و کسی که در راه خدا به جهاد رود و بمیرد و کسی
که حج برود [illegible] و با صدقه [illegible] فوت شود در حق بهشت شود
حضرت صادق علیه السلام فرمود چون مرد در غربت بمیرد که زنان و عیالش حاضر
نباشد که بر او گریه کنند موضعی که در آنجا عبادت کرده و درهای آسمان که اعمالش
بالا رفته و فرشتگان که بر او موکل بودند بر او گریه کنند چون غریبی را مرگ
نزدیک شود بچپ و راست نگاه کند و کسی را نه بیند پس سر بالا کند خدا تعالی
فرماید کرا می خواهی که برای تو بهتر از من باشد بعزت و جلال خودم که اگر از بند
عقده نجاتت دهم بطاعت خود فرستم و اگر قبض روحت نمایم برحمت خود
به بهشت برم بهشت داما فضایلت شب و روز جمعه وارد آن مرویست از ائمه
طاهرین علیهم السلام که هیچ روزی آفتاب طلوع نکند افضل از روز جمعه و سید روزها
و خدا تعالی در روز جمعه حسنات مضاعف کند و سیئات محو نماید و درجات
مؤمنین را بلند کند و دعوات اجابت فرماید و بلیات رفع کند و حاجات عظیم را ادا

ورحمت وفضل زیادت گرداند و هیچکس در این روز دعا نکند وطلب مغفرت ننماید
و حال آنکه حق و حرمت این روز را شناسد مگر آنکه بر خدا لازم باشد که او را
از آتش آزاد گرداند پس اگر در روز جمعه یا شب آن بمیرد شهید باشد و از عذاب
آتش دوزخ ایمن باشد و هر قدر بکوشند در این روز در طاعت و عبادت و سایر
خیرات زیاده کنند که ثواب حسنات مضاعف باشد و ترک معاصی و مناهی
وجمیع مناهی نمایند که عقوبت سیئات مضاعف گردد و بسا باشد که ترک نمی
دعا کنند و خدای تعالی تأخیر اجابت آن کند تا روز جمعه برای فضیلت آن روز
و شب جمعه نیز در فضل و شرف بیشتر در بیش باشد و خدای تعالی در شب جمعه
از اول شب تا طلوع صبح از بالای عرش ندا میکند که آیا بنده مؤمنی
حاجتی دارد برای آخرت یا دنیا طلب کند تا اجابت کنم و اگر گناهی کند استغفار
نماید تا قبول نمایم و اگر معیشت تنگ بگوید سوال نماید تا زیاده فرمایم و اگر بیمار
دعا کن تا شفا دهم و اگر محبوس و مغموم باشی استعانت کن تا نجات دهم
و اگر مظلوم باشی استعانت نماید تا نصرت دهم و در شب آخر است و در شب
جمعه از اول شب تا طلوع صبح ملکی فرستد تا از جانب خدا ندا کند که
و گوید ای کسی را حاجتی باشد بخواهد تا اجابت شود و اگر گناهی کرده توبه نماید تا مقبول
گردد ای طالبان خیر مشغول خیر شوید و ای طالبان شر ترک شر کنید و چون
صبح طلوع کند بمقام خود ملکوت سما رجوع نماید و مستحب است در روز جمعه بجهت عیال
و اطفال میوه و تحفه تازه که در روزهای دیگر نبوده باشد آوردن تا در این روز

شاد

شاد و خوشحال باشند و مجتمع شوند بآن روز زیاده گردد و هر کس استخفاف بحرمت
این روز نکند و حق آن را ضایع کند بر خدا لازم باشد که او را بجهنم برد مگر آنکه
توبه کند و اگر در این روز یک بیت شعر بخواند نصیبش از فضیلت آن همان بیت
و افضل اعمال در شبانه روز جمعه صلوات فرستادن است بر پیغمبر و آلش چون
عصر پنجشنبه شود ملائکه از آسمان نازل شوند بعدد ذرات با قلمهای طلا و لوحهای نقره
و تا آن شب شنبه کار ایشان همین باشد که هر کس صلوات فرستد بنویسند و این
هدیه که در روزهای دیگر نازل شوند و سنت است روز جمعه هزار مرتبه و سایر روزها
صد مرتبه صلوات فرستادن و هر کس در شب جمعه یا روز جمعه بعد از عصر سوره کهف
بخواند تا جمعه دیگر محفوظ باشد و اگر در شب جمعه بخواند درجه شهید را یابد و در روز
آن شب ان محشور و کفاره گناهانش باشد از جمعه سابق تا این جمعه و هر کس در شب جمعه
هر شب بعد فطر و صبح ده مرتبه بگوید یا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَی الْبَرِیَّةِ یا باسِطَ الیَدَین
بِالْعَطِیَّةِ یا صاحِبَ الْمَواهِبِ السَّنِیَّةِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآله
خَیْرِ الْوَری سَجِیَّةً وَاغْفِرْ لَنا یا ذَا الْعُلی فی هٰذِهِ
الْعَشِیَّةِ هزار هزار حسنه برای او ثبت نمایند و هزار هزار سیئه محو نمایند
و هزار هزار درجه بلند گردانند و در روز قیامت با ابراهیم خلیل در حرم ابراهیم

در حقوق زوجین بر یکدیگر روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که حق زوج
مرد بر زوجه آنست که اطاعتش کند و خلاف امر او نکند و از خانه اش بی رخصت او

او بی اذن او تصدق نکند و هیچ چیز نبخشد و اگر دهد گناهش او را و ثوابش شوهر را
باشد و ضبط خانه و حفظ مال او کند اگر زن در خانه شوهر برای خیر و مصلحت خانه
چیزی را از جایی بجای دیگر گذارد خدای تعالی نظر رحمت بر وی کند بعد از آن هرگز
عذابش نکند و از جمله حقوق آنست که خود را از زینت خالی ندارد و هر چه شوهر دوست دارد
شوهر دوست دارد بجا آورد و اگر چه همین بالیدن جامه دست باشد و بی
اذن شوهر از خانه بیرون نرود و اگر رود ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب
بر او لعنت کنند تا وقتی که مراجعت کند زنی بخدمت حضرت پیغمبر علیه السلام آمد
و گفت شوهرم بسفر رفته و مرا گفته از خانه بیرون مرو و اکنون پدرم بیمار
است اگر حضرت فرمایی پدر را عیادت کنم فرمود در خانه بنشین و اطاعت شوهر
کن مرتبه دیگر فرستاد و همین جواب فرمود تا آنکه پدرش وفات یافت فرستاد که
اذن خبر است که بنماز او حاضر شوم فرمود بنشین و اطاعت شوهر کن تا آنکه
پدرش را دفن کردند آنحضرت علیه السلام به او فرستاد که خدای تعالی مر او و پدرت را
آمرزید و به سبب آنکه اطاعت شوهر کردی و از جمله حقوق آنست که بی اذن او
روزه غیر واجب نگیرد و نذر نکند و قسم نخورد و هیچ چیز نبخشد و تصدق نکند
و بنده آزاد نکند اگر چه از مال خود باشد و از جمله حقوق آنست که خود را
بانواع زیور اگر چه بر کنیزکان باشد حضرت پیغمبر علیه السلام گوید بتر از جمله گناهان
مردان آن کسانی اند زنانند چون شوهرشان ایشان الحدیث بطلبند بهانه ها فخر
نکنند

کشند تا شوهر را خواب نبرد پس ملائکه بر آن زن لعنت کنند تا وقتی که شوهر بیدار شود
و از جمله حقوق آنست که اگر شوهر از او آزرده باشد خواب نکند تا عذر خواهی کند
و او را راضی کند اگر چه شوهر بر او ظلم کرده باشد و اگر پیش از آنکه او را راضی کند بخواب
هیچ طاعت او قبول نشود و زنانی که شوهر گوید من از تو خیر ندیدم اعمالش همه
باطل شود و زنی که شوهر را برنجاند و آزرده کند هیچ حسنه او قبول نشود و اگر صوم دهر
گیرد و همه شب نماز گزارد و بنده آزاد کند و مالها در راه خدا صدقه دهد تا آنکه او را
از خود راضی کند و اگر شوهر بر زن ظلم کند و او را برنجاند مثل آن گناه و عذاب بر او
ثابت شود و هر کس بر خوی بد زن صبر کند هر مرتبه که صبر کند مثل ثواب صبر حضرت
ایوب بدو ایشان نویسند و بر زن هر شب و روز مثل ریگ صحرای عالج گناه نویسند
و اگر زن بر شوهر ناسازگاری کند و او را تکلیف چیزی که طاقتش نباشد کند
و در معیشت تعب دارد هیچ حسنه او قبول نشود و او را از آتش نگاه دارد و اما او
که بر این حال باشد در غضب خدای تعالی باشد و جهاد زن آنست که شوهرداری
خوب کند و بر آزار و مشقت او صبر کند و حضرت پیغمبر علیه السلام فرمود ای زنان
تصدق کنید اگر چه از زینت و اگر چه نصف خرما باشد و طاعت شوهران
کنید که اکثر شما همه هیزم دوزخ باشید و چون زنان این سخن شنیدند گریستند
یکی از ایشان برخاسته گفت یا رسول الله ما با کنار در دوزخ باشیم و اگر کافر
نیستیم فرمود شما کفران حق شوهران کنید زنی دیگر گفت یا رسول الله ما با این شکفته

و رنج حمل و رضاع را با آنکه فرزندان شان صالح از ایشان بوجود آید بدوزخ روند پس حضرت
رقت نمود و فرمود ساکت باشید چه کفایت کند اگر شوهران را آزار نکنند و نماز که از ایشان
شما بدوزخ نروند و زنی از حضرت پرسید که حق کدام عظیم تر است فرمود حق
پدر پرسید که بر زن فرمود حق شوهر و اگر غیر خدا را سجده کردن جایز بودی
امر میکردم که زنان شوهران را سجده کنند پرسید حق زن بر مرد چیست فرمود
از صدق نیت و زنی در خدمت آنحضرت علیه السلام معروض داشت که شوهرم با من
با لباس بوهن چیزی ساختم که او را خوش آید با آن کنم و ملائکه بخدمت او رحمن
بر تو لعنت کنند پس آن زن رفت روزها روزه میگرفت و شبها عبادت میکرد
و سر خود را تراشید و پلاس پوشید این خبر بآنحضرت رسید فرمود هیچ سود ندارد
و حق زوجه بر مرد آنست که نفقه و کسوه ایشان دهد و اگر سعتی باشد بسعت او
توسعه داده احتیاج دیگری نگذارد و خود را برای او بیاراید که سبب عفتش باشد
و چنانچه او آرایش زن را دوست دارد زن نیز آرایش او را دوست دارد
و جهل و تقصیر ایشان عفو کند و او را به هر آنچه خطا و تقصیر بکند عتاب نکند
و زنها بدون به ترش روی و عبوس نکنند حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود بهترین مردان
کسیست که با زن خویش خوش سلوک باشد و بدترین مردان کسی است که زن را ... و حرمت
و از جمله حقوق آنستکه حلال و حرام و آداب و احکام دین تعلیم کند و در عید
تهیه اسباب عید و سرور بقدر مقدور برای ایشان نماید روزی در خدمت حضرت
امام علیه السلام از زن خود شکایت بسیار کرد فرمود هیچ استماع نکرد گفت فرمود بده او را

که

که نرود صفت زن دیگر و زن اول را آن بحال خود است بود طلبش از او چه شکی
نکند بلکه نزد حضرت آنرا حکایت کرد فرمود حالا راست میگوئی و نیز مرویست
که در کارها با زنان مشورت مکنید و اگر کنید خلاف ایشان کنید که برکت
در مخالفت ایشان است و از بدان ایشان بگریزید و از نیکان ایشان بر حذر
باشید و در خیر طاعت ایشان مکنید تا در شر طمع نکنند و ایشان را از حمامی
و عروسی و غیر آن از حضرت مرویست و منع کنید که هر وقت و بهر جا خواهند روند
که موجب فساد عظیم باشد و مروی است که زن خود را بکار چار حضرت و ... از برد و
نکنند فصل در اختیار ساعت برای سفر از روایات اهل بیت طاهرین علیهم السلام
در صبح شنبه و پنجشنبه مبارک است و روز شنبه اگر سنگی از جای خود حرکت کند
خدای تعالی آنرا بجای خود رساند و روز پنجشنبه روزیست که خدای تعالی و رسول او
و اهل بیت او و ملائکه آنرا دوست داشته اند و حضرت پیغمبر اکثر غزوات را در پنج
شنبه متوجه می شده و ظفر می یافت و روز یکشنبه خدای تعالی آهن را برای حضرت داود
نرم گردانید که زره ساخت سفر در این روز باید کرد و احادیث بسیار آمده
که روز چهارشنبه روز نحس است و خدای تعالی اکثر امم سالفه را در این روز
عذاب کرده و ارکان آتش را در این روز افروخته اما در حدیث دیگر وارد
شده که روز چهارشنبه شخصی شکایت کرد که کار تو از نحس است فرمود
تو نحس کار و سعد برای ایشان و در روایت دیگر آمده که از حضرت
امام علیه السلام پرسیدند که مردم نخورد از چهارشنبه آخر آن روم بیدار شند فرمود هر کس بمخالفت جمیع

که اعمالی بجا آورند و چیزها را لازم می‌شمارند در چهارشنبه آخر صفر که از آفات و عاهات
بسلامت و عافیت مراجعت بکنند و مرویست که هر کس در روز جمعه پیش از نماز سبز
رو و ملکه [illegible] گوید که خدا [illegible] باز نکرده‌اند و از حضرت پیغمبر ص مرویست که فرمود روز
دوشنبه برای دشمنان ما نحس است. سفرکردن قریش در این روز بود [illegible]
و در این روز از مکه معظمه هجرت کردیم و در این روز رحلت [illegible]
و در این روز [illegible] خواهد شد و حسن و در این روز [illegible] و در این روز رحلت کرد
و مرویست که جمعی در این روز سوم سفر کرده رفتند حضرت امام حسن علیه السلام را
وداع کردند فرمود ما از امروز چون سفر خیر برکت دارد که [illegible]
امروز باشد که حضرت پیغمبر ص در این روز از میان ما رفته و در این روز وحی
منقطع شد. و بروایت دیگر قضیه کربلا در این روز واقع شده و بروایت
دیگر اهل بیت را هیچ مصیبتی روی نداده مگر در این روز [illegible] فرمود که [illegible] است
[illegible] شوم شد. و سفر [illegible] از آنحضرت ع روایت
فرمود در دوشنبه سفر مکنید و از پی کار مروید و شرح گذشت [illegible]
اعمال ماه محرم گذشت اما [illegible] روز یکشنبه چنانکه مشهور است در بعض از کتب
[illegible] است اما حدیثی بنظر نرسیده. و در روایت دیگر آمده که [illegible] روز
[illegible] و روایت بسیار نیز آمده. صدقه کند [illegible] روز خوب [illegible]
صدقه دفع بلا کند. مرویست که هر کس [illegible] در عقرب سفر کند [illegible] در آن
سفر خیر نبیند و اگر [illegible] شروع نکند [illegible] تحقیق علم نجوم

در فضل

در فضل زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام

در فضل زیارات عادات گذشت و مرویست از اهل بیت علیهم السلام که هر کس زیارت
آنحضرت کند و او را امام مفترض الطاعه داند کمترین اجرش اینست که گناهان گذشته و آینده‌اش
همه آمرزیده شود و زیارت آنحضرت فرض است بر هر مسلم و حضرت صادق ع از
کسی پرسید که چند حج کرده گفت [illegible] فرمود اگر بیست حج تمام کنی یک زیارت حضرت
امام حسین ع است و در روایت دیگر آمده که زیارت آنحضرت برابر است با بیست
حج و عمره و در روایت دیگر برابر است با بیست و پنج حج و نیز مرویست که حضرت صادق
علیه السلام زیارت آنحضرت مثل حج و عمره است و اضعاف مضاعف آن را روی گو
[illegible] پرسید که [illegible] چند حج و عمره است فرمود [illegible] صد فرمود که حق تعالی
[illegible] هزار [illegible] فرمود [illegible]
مرویست که زیارت آنحضرت برابر است با آنکه هزار بنده آزاد کنی و هزار اسب
بازین و لجام در راه خدا بجهاد فرستی و امان است از هم و غرق و حرق و همه آفات
و موجب زیادتی عمر و زیادتی رزق است و ایام زیارت آنحضرت از اجل ایام عمر نیست
و ترک زیارت آنحضرت سبب نقصان عمر و رزق است امام ع فرمود اگر [illegible]
کسی ترک زیارت آنحضرت کند [illegible] از اهل [illegible] است و اگر کسی
زیارت آنحضرت نکرده بمیرد ایمانش ناقص باشد و اگر بهشت رود مرتبه‌اش از مومنان
پست‌تر باشد و نیز مرویست که اگر کسی بزیارت آنحضرت رود و نه برای نام
و شهرت [illegible] از گناهان [illegible] که
[illegible] دیگر و چون [illegible] برای [illegible]

معقول است که هیچ چیز زوار آن روضه از خدا نخواهد مگر آنکه عطا فرماید و یکی از اسم که زوار آن
حضرت کند ده هزار برابر است و بهشت عوض و چهار هزار فرشته و در روایت دیگر
هفتاد هزار فرشته با مویهای ژولیده غبار آلود در قبر آنحضرت بر گریند و گریه می‌کنند
تا روز قیامت چون کسی بزیارت او رود تشییع کنند و اگر بیمار شود هر صبح و شام
عیادتش نمایند و چون بمیرد بر او نماز گذارند و تا روز قیامت برایش استغفار
کنند و نیز مرویست که هر کس بزیارت آنحضرت رود دو هزار ملک از راست
و چپ با او رفاقت کنند و خدای تعالی هزار حج و هزار عمره برایش بنویسد که با
پیغمبر کرده باشد و ایضا مرویست که چون کسی تهیه زیارت آنحضرت کند
اهل بیتش یکدیگر را مژده دهند و چون از خانه بیرون آید چه سواره و چه پیاده
خدای تعالی چهار هزار فرشته موکل نماید که بر او صلوات فرستند تا بروضه مقدسه برسد
و چون بر در روضه ایستاده بگوید السلام علیک یا وارث
آدم صفوة الله تا آخر چنانکه در فصل آداب زیارت گفته شد بعد از آن
بجانب قبر مقدس روانه شود هر گام که بردارد و بگذارد ثواب آن دارد که در راه
خدا در خون غلطیده باشد بعد از آن دست بر قبر مبارک گذاشته بگوید السلام
علیک یا ابا عبد الله تا آخر بعد از آن بکناری رفته مشغول نماز شود خدای
تعالی و ملائکه بر او صلوات فرستند تا وقتی که فارغ شود هر یک رکعت نماز که در آن
کند ثواب هزار حج و هزار عمره و هزار بنده و هزار ایستادن در معرکه جهاد با پیغمبر
مرسل عطا فرماید و چون از آنجا برخیزد فرشته ندا کند که ای بنده گناهان گذشته ات آمرزیده شد

گذشته

گذشته است همه آمرزیده شد و اگر در آن اثنا بمیرد خدای تعالی خود بنفسه قبض روح او کند و چون
روانه خانه خود شود ملائکه با او رفاقت کنند و بر او صلوات فرستند تا بخانه خود رسد پس بر در
خانه او مقام کنند و تسبیح و تهلیل و تقدیس خدا کرده باشند تا وقتی که اجلش برسد و ثواب
آن همه از او باشد بعد از آن در تغسیل و تکفین و نماز بر او حاضر باشند بعد از آن در قبر مقیم
شوند و از او تسبیح و تقدیس کرده باشند تا روز قیامت و ثواب همه برای او نوشته
شود و روایت دیگر آمده که نماز فریضه در پیش قبر مقدس آنحضرت برابر است با حج و نافله
برابر است با عمره و این بعض فضایل است مطلق آنحضرت و فضایل زیارات مخصوصه
در باب اعمال مشهور گذشت   در زیارت حضرت امام رضا علیه السلام کسی از حضرت امام محمد تقی
پرسید زیارت حضرت امام حسین ع افضل است یا زیارت امام رضا ع فرمود زیارت
پدرم افضل است که حضرت امام حسین را همه کس زیارت کنند و زیارت پدرم
مخصوص شیعیان و دوستان ما است و مرویست که هر کس زیارت آنحضرت کند و معترف
بامامت او باشد گناهان که کرده شده و آنچه بعد کند آمرزیده شود اگر چه بعدد ستاره‌های آسمان
و قطره‌های باران و برگ درختان باشد و روز قیامت در برابر منبر حضرت پیغمبر منبری
برای او نصب کنند که خدای تعالی از حساب خلق فارغ شود و آنحضرت خود فرمود هر که
مرا در غربت زیارت کند ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج
و صد هزار مجاهد عطا فرماید و با ما محشور شود و در درجات رفیع بهشت رفیق
ما باشد و من و پدرانم شفیع او باشیم و هر کس ما شفیع او باشیم نجات یابد
اگر چه بقدر گناه جن و انس داشته باشد و هم آنحضرت فرمود هر کس مرا زیارت کند

در فضائل زیارت حضرت عبد العظیم [illegible]

روز قیامت سه وقت او را یابم و از اهوال و شداید خلاصش کنم اول وقتی که نامهای اعمال
در چپ و راست متفرق باشند دوم وقتی که اعمال خلق را بمیزان بسنجند سیم وقتی که پیها
بر صراط بلغزند باشند و نیز فرموده که زیارت من برابر است با هزار حج و هزار عمره و راوی
گوید که حضرت امام محمد تقی علیه السلام از روی تعجب پرسیدم چنین چیزی از آنحضرت روایت شنیده
فرمود بلی والله که با هزار حج برابر است برای کسی که حق او بشناسد و بداند که امام مفترض الطاعة است
و نیز مرویست که هر کس که زیارت آنحضرت کند و یک شب در آن روضه بگذراند چنان است
که خدا را بر عرش زیارت کرده مرویست که زایرین ائمه طاهرین علیهم السلام در بهشت ایشان هم
صحبت ایشان باشند و زایر امام رضا علیه السلام درجه اش از همه بلندتر باشد و هر کس او را
بخورد روز قیامت از آتش ایمن بود و حضرت صادق علیه السلام فرمود که فرزندی از من در خراسان
مدفون شود هیچ مؤمنی او را زیارت نکند مگر آنکه خدای تعالی بدن او بر آتش حرام کند و بهشت
برای او واجب گرداند و هیچ مکروبی زیارتش نکند مگر آنکه خدا غمش را فرج دهد و هیچ گناهکاری
زیارتش نکند مگر گناهانش بیامرزد و حضرت امام جعفر علیه السلام فرمود فرزندی از من در طوس
کشته شود هر کس او را زیارت کند من در روز قیامت دستش را گرفته داخل بهشت کنم
اگر چه از اهل کبایر باشد و هر کس را حاجتی باشد عند قبر زیارت آنحضرت کند
در پس سر مبارک دو رکعت نماز گزارد و در قنوت حاجت خود را بطلبد مستجاب شود
اگر معصیت یا قطع رحم نباشد   در آداب و کیفیت زیارت ائمه طاهرین علیهم السلام مستحب است
برای زیارت هر یک از ایشان علیهم السلام غسل کردن و در وقت غسل گفتن اللهم طهرنی و طهر
قلبی واشرح لی صدری واجر علی قلبی محبتک و علی لسانی مدحتک والثناء علیک فانه

لا قوة

لا قوة لی الا بک وقد علمت ان قوة دینی التسلیم لامرک والاتباع لسنة نبیک والشهادة
علی جمیع خلقک اللهم اجعله لی طهورا و شفاء و نورا انک علی کل شیء قدیر و صلی الله
علی محمد و آله اجمعین و جامهای پاک پوشیدن و تعطیر کردن و با وقار و سکینه
رفتن و تسبیح و صلوات بر ایشان متوجه شدن اما در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام
مستحب است تعطیر نکردن و بندهای جامه گشودن و لذتهای دنیوی اجتناب نمودن
و بهیات مصیبت زدگان متوجه گشتن و چون بروضات مقدسه رسد اول
اذن دخول طلبد   در فضایل اولاد و ذریات ایشان مرویست از اهل بیت طاهرین
که چون خدای تعالی برای بنده خود خیر خواهد او را زود نمیرد تا خلف صالحی عطا
فرماید و فرزند چون ریحانه ایست از بهشت و گریه طفل شیرخوار تا هفت سال تهلیل است و بعد از آن
تا حد بلوغ استغفار است برای والدین و بعد از آن هر حسنه که کند والدین در ثواب
شریک باشند و اگر سیئه کند ضررش بایشان نرسد و گفت طفل کفاره گناهان
والدین است و اگر فرزندی بمیرد و والدین را از آن ثواب و درجات بخشد حق تعالی که سقط
بود بهشت بسته باشد و داخل نشود تا دست والدین خود را گرفته داخل بهشت نشوند
و اگر بماند برای ایشان دعا و استغفار کند و هر حسنه که کند باعث ثواب و درجات
برای ایشان باشد و مرویست که حضرت عیسی علیه السلام بر قبری گذشت که صاحبش معذب
بود سال دیگر بر آن قبر گذشت عذاب از آن برخواسته بود مناجات کرده از
سبب آن سؤال نمود وحی آمد که این شخص را فرزندی صالح است که یتیمی را پناه داده
غمخواری کرد عذاب او را برداشتم و مرویست که فرزند نعمت و دختر حسنه از نعمت سؤال
کنند

در فضایل اولاد و زیارت آن

بهشت نبرد بسیار و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که هر که سه دختر یا سه خواهر عیال او باشد بهشت او را
واجب باشد کسی پرسید اگر دو تا باشد چنین است فرمود بلی گفت اگر یکی
باشد فرمود بلی و روایت است که هر کس دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله عیال او باشد او را
از دوزخ نگاه دارند و هر کس فرزند خود را شاد و مهربان کند چنان است که بنده از اولاد
خود آزاد کرده باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرمود اطفال را دوست دارید و بر ایشان رحم
کنید و چون با ایشان وعده کنید وفا کنید و هر کس فرزند خود را بسیار محبت
داشته باشد خدای تعالی بر او رحمت کند و اگر فرزند را ببوسد برای او یک حسنه نویسند
و اگر مسرورش کند روز قیامت مسرورش کند و هر کس از بازار چیزی بگیرد برای
اطفال و عیال خود ببرد چنان است که برای جمع محتاج صدقه برده باشد و ابتدا باید
کند اول چیزی به دختران و زنان دهد هر کس دختر را مسرور کند چنان است که بنده
از اولاد حضرت اسمعیل علیه السلام آزاد کرده باشد و اگر پسر را مسرور کند چنان است که از ترس
خدا گریسته باشد و هر کس از ترس خدا گریسته از اهل بهشت باشد و هر کس نماز را
با او قوت و خویش داشته باشد مسرور کند خدای تعالی او را روز قیامت او را مسرور
کند و چون والدین فرزند را قرآن تعلیم کنند در بهشت ایشان را دو حله بپوشانند
که پرتو نور آن روی اهل بهشت را روشن کند و مروی است که مردی
روزی در خدمت حضرت پیغمبر صلعم گفت من هرگز فرزند خود را نبوسیده ام تا امروز
انگه او رفت حضرت فرمود این مرد از اهل دوزخ است و خدای تعالی فرموده
هر بنده که اطاعت من کند و رضای من جوید من او را ابد نگذارم و رضای او جویم
و هر بنده که مرا معصیت کند و مخالفت رضای من نماید او را بگذارم و اکرام در پیش او نکنم

هر چه که هیچ کس نشود و حضرت امام محمد باقر عم فرموده ای جماعت محبت و ولایت و شیعه ما
و طاعت خدا کنید و اینکه میان ما و خدا قرابتی نیست و ما را بر خدا حجتی نیست تقرب
خدا حاصل نشود مگر بطاعت او پس هر کس مطیع خدا باشد ولایت ما او را نافع بود
و هر کس معصیت خدا کند ولایت ما او را سود ندهد کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که از شما حدیثی روایت می کنند که هر کس شیعه ما باشد هر چه خواهد کند فرمود
بلی چنین است گفت اگر چه زنا و دزدی و شرب خمر کند فرمود اِنّا لِلّهِ و اِنّا
اِلَیهِ راجِعُون مردم انصاف ندارند ما را بطاعت و عبادت ماخوذ نمایند
داریم چون دیگران را از جهت معصیت داریم که با طاعت بمحض محبت ما نجات یابند
بلکه معنی آن حدیث اینست که هر کس مومن باشد اعمال خیر خواه بسیار کند و خواه
کم داخل بهشت شود و نیز فرمود خدای تعالی ابا دارد از آنکه جمعی که دعوی محبت و ولایت
جمعی کنند و در عمل خلاف ایشان باشند او در قیامت ایشان را با ایشان در یک منزل
نزول فرماید بخدای کعبه قسم که هرگز نشود و نیز یکی از ایشان علیهم السلام روایت
فرمود که اگر شیعیان را امتحان کنم و تمیز بدهم ایشان را از هم جدا نمایم از هزار
یک کس خالص نباشد که اکثر ایشان اهل فسق و اهل غفلت در میان ایشان بسیار
نادر است و همه بر مسند تکیه کنند و بر جهت آن بر وری بر ایشان و گویند ما شیعه
علیم شیعه نیست مگر کسی که طاعت خدا نماید و فعلش تصدیق قولش کند
و اسم از ایشان علیهم السلام مروی است که افضل عبادت تفکر است و تفکر بر دو قسم
یکی تفکر در معرفت خدا و علم و فضایل این قسم از حد شرح بیرون است و ثمره او ازان

در فصل اول گذشت و دوم تفکر در احوال دنیا و با عتبار آن و بی حاصلی آن و کیفیت
این تفکر افضل است از بسیاری عبادات که سبب زهد در دنیا و بی رغبتی به آن شود و عیوب
و قصور آن را ظاهر کند و محبت آن را از دل بیرون برد و دل را مشتاق آخرت
گرداند و موجب طاعت و عبادات و ترک متابعت هوا و هوس و شهوت و معصیت
باشد و هر کس از دنیا بی رغبت شود خدای تعالی دلش را از نور و حکمت و معرفت
مملو گرداند و از دنیا بسلامت بیرون رفته بدار السلام که منزل اهل ایمان و محل مغفرت
و رحمت خدا و رضوان است رود و حرام است بر هر دل که حلاوت ایمان دریابد تا محبت
دنیا از او بیرون نرود و حضرت صادق علیه السلام فرموده که از هیچ در طلب حق نکنند
افضل از زهد در دنیا و ترک محبت آن و هیچ چیز بعد از معرفت خدا و رسول او و اوصیای او
صلوات الله علیهم افضل از بغض دنیا نبود که چون کسی از محبت دنیا خالی شود از محبت خدا
پر شود و التفات به هیچ چیز غیر خدا و هر چه رضای خدا در آن نباشد نکند تا بجایی که اهل
دنیا گویند دیوانه گشته و جن در او اثر کرده و حال آنکه محبت خدا در او اثر کرده باشد و هم
آنحضرت علیه السلام فرموده از جمله مواعظ لقمان با پسرش این بود که ای پسر دنیا بنده
اجیری علی الاجرت فرموده اند و اجری وعده نموده اند بعمل خود و تو کمن با اجر تو ...
کننده در دنیا مثل گوسفندی باش که در مزرعه چرا کند و پا ... که فربه شود وقت
کشتن باشد بلکه دنیا را مثل پل بدان بر سر نهری که از آن بگذری و هرگز باز به آن رجوع نکنی
و بدان که روز قیامت در پیش خدا ایستاده باشی و چهار چیز از تو سوال کنند جوانی
را بچه عمل بسر بردی و عمر را بچه چیز گذراندی و مال را از کجا کسب کردی و کجا صرف
نمودی پس مهیای جواب باش و از غم دنیا فارغ باش و حال آنچه گذشت که
ترک حرام کنند از خوف عذاب و ترک حلال از بیم حساب کرده ضرورت داد از آن

بگذرد

بمرتبه پست تر آنکه دست از حرام باز دارد و هر یک را بقدر علم درجات بلند شود و با هر کس بقدر عقل
معامله نماید هر کس از خدا بقلیل از روزی راضی شود خدا نیز از او بقلیل عمل راضی شود و هر کس را
جاه و مال بسیار باید بلا داده است و عیال بسیار باید و فرموده شیطان خارج ها دراز مان
دولت طلب چنین بمشرق و مغرب زیاده از قوت بعضی باشد و هر چند که ... ایمان
را و به معیشت برادر ... ترک اکرام دنیا در پیش خدا اعتبار بال مگسی نیست شربتی آب
از آن بکافری نمی چشانید فقرای مومنان چهل خریف پیشتر از اغنیای ایشان در بهشت
بهشت مشغول صحبت و نعمت باشند و اغنیا در موقف در مقام حساب باشند و مرویست
که یک خریف هزار سال است و یکعام هزار سال است از ایشان علیهم السلام مرویست
که دو مومن با هم بحساب آیند یکی غنی و دیگری فقیر فقیر گوید خدایا تو میدانی که نه منصب
بمن دادی که عدل یا جور کنم و نه مالی دادی که جود یا بخل ورزیده باشم فرماید
راست میگوید دست از و بدارید پس خلاص گشته و داخل بهشت شود و غنی مشغول حساب
گردد و از انتظار توقف کند که اگر از عرق چهل شتر سیراب شوند تشنه شده پس چون داخل
بهشت شود رفیق فقیرش او را ببیند گوید این همه چرا دیر کردی گوید طول حساب گرفتار
داشت مرا تا هر یک عمل را می بخشیدی و عمل دیگر پیش می آمد تا آخر همه را بخشید و
رحمت فرمود که بپایان رسیدم و در روایت که چون روز قیامت فقرا و در جای خود
شاد شوند و هر کس از او گیرند که کاش در دنیا زیاده از قوت نمیداشتیم و هم
از ایشان علیهم السلام روایت که فقرا امینان خدا در پیش خلق کسانی که آن را
پنهان دارند اجر صایم قایم یابند و هر کس اظهار آن بنماید و طالبان بشند
شکایت می ایشان او کرده باشد و اگر بمومن ظاهر کند که قادر بر قضای حاجتش باشد بکنند

چنان است که او را کشته باشد و روز قیامت خدای تعالی کسی که از دوستی عذر
خواهی کند بفرمای مؤمنین گوید بعزت خودم که من در دنیا شما را از روی حقارت
فقیر نکردم بلکه برای فضل و ثواب و درجات بهشت کردم امروز به بینید که چون
تلافی آن کنم هر یک از شما را احسان است اگر از ابتدای دنیا تا انقضای آن با اهل دنیا
داده ام عطا فرمایم و هر کس در دنیا بشما مهربانی و رحمی نکرده است و دستش را گرفته بهر جای
بهشت خواهید ببرید و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که کاملترین مردمان
در ایمان کسیست که خلقش بهتر باشد و بعد از فرایض هیچ عمل بهتر از خلق خوب
نیست و صاحب خلق خوش درجه صایم و قایم و اجر مجاهد یابد و اکثر اسباب دخول
در بهشت تقوی و حسن خلق و حسن خلق خطاها را میگدازد چنانکه آفتاب
یخ را و حسن خلق بر موجب حدیث [illegible] زیادتی عمر و معموری عمارت باشد و چهار صفت که
در هر کس باشد اسلامش کامل و از گناه خالص گردد اگر چه سرتاپا گناه باشد [illegible]
راضی باشد آنکه بوعده وفا کند و راست گوی باشد و از قبایح در پیش خدا و مردم
حیا کند و با اهل خود و سایر ناس خوش خلق باشد و خلق بد عمل را فاسد کند چنانکه
سرکه عسل را و هیچ جرعه در پیش خدا دوست تر از دو جرعه نباشد یکی جرعه خشمی که بحلم
رد کنی و دیگری جرعه جزعی که بصبر دفع نمائی و هیچ کس خشم فرو نبرد مگر آنکه خدای تعالی
در دنیا و آخرت عزتش بیفزاید و چون قادر بر انتقام باشد و خشم فرو برد خدای تعالی
اجر شهیدی عطا فرماید و روز قیامت دلش را از امن و امان [illegible]
و هر کس غضب خود را حفظ کند خدای تعالی عذاب روز قیامت را از او بر گیرد و وعید [illegible]
و خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السلام فرمود در حال غضب مرا یاد کن تا من نیز
در حال غضب ترا یاد کنم و غضب کلید هر شریست و ایمان را فاسد کند چنانکه سرکه عسل را و چون

دل

دو کس با هم منازعه کنند دو ملک نازل شوند و هر کدام از ایشان که سفاهت و بد گوئی
پیشه کند با او گویند هر چه گفتی خود لایق آنی و در خور باشی که جز این جای بد
دیگری که صبر و حلم ورزد گویند [illegible] باشد که گناهانت آمرزیده شود اگر حلم خود را
تمام کنی و تو نیز مثل او سفاهت نکنی و دشمنان و جهال را هیچ مکافات بهتر از این نباشد
که ایشان مصاحبت کنند [illegible] ترک نما و بهترین اخلاق دنیا و آخرت آنست
که چون کسی بر او ظلم کند او را عفو نمائی و اگر از تو قطع و دوری کند تو وصل و نزدیکی
نمائی و اگر ترا از خیر و نفع محروم سازد تو بخشش کنی تو جود و عطا کنی و اگر با تو بدی
کند تو نیکی و احسان فرمائی و چون باین صفات آراسته باشی خدای تعالی عزتت
زیاده کند و سه خصلت است که در هر کس نباشد عمل و طاعتش تمام نشود ورعی
که او را از معصیت باز دارد و خلقی که با مردم مدارا کند و حلمی که جهل جاهلان را
باید [illegible] با مردم نصف ایمان است و ملایمت با ایشان نصف زندگانی
و هر کس را ملایمت نصیب گشت ایمان نصیب گشت و هیچ کس را ملایمت نصیب نشد
مگر آنکه زینتش باشد و هیچ کس از آن محروم نگردد مگر آنکه عار و ننگش بود و جبرئیل گفت ملایمت [illegible]
نشود و زشتی ایشان وسیع نشود و چون از آن بی نصیب باشد خیر از ایشان با
نصیب باشد و چون دو کس با هم مصاحبت کنند آنکه مدارا و ملایمتش بیشتر بود
اجر بیش عظیمتر بود و مرویست که اگر ملایمت خلقی می بود که دیده میشد هیچ خلقی احسن
از او نمی بود و هر کس درشتی نصیب شود ایمان از او محجوب گردد و اگر درشتی خلق
می بود که دیده شود هیچ چیز از او قبیح تر نمی بود و هر کس برای خدای تعالی تواضع کند خدا او را

بلند گرداند و هر کس تکبر کند خدا او را پست گرداند و نزدیکترین مردم بخدا اهل تواضع‌اند
و دورترین متکبران پرسیدند که حد تواضع چیست امام علیه السلام فرمود درجات
بسیار است از آن جمله اینکه کسی قدر خود شناسد و زیاده از مرتبه خود تواضع نکند
و با مردم چنان کند که میخواهد با او چنان کنند و چون با او بد کنند بدی را دفع کند
و خشم فرو برد و عفو کننده باشد و مروی است که از جمله تواضع است که در مجلس
پایین‌تر از مرتبه خود بنشیند و بهر کس برسد سلام کند و ترک جدل کند اگر چه حق با او باشد
و نخواهد که بر او مدح و ثنا کنند و روزی حضرت امام رضا علیه السلام طلبید غلامان
و غلامان سیاه و سفید جمع نمود با همه بر یک خوان نشستند کسی گفت کاش
جدا برای ایشان طعام میکشیدند فرمود که خدا یکیست و دین یکی و پدر و مادر
و جزای هر کس بقدر عملش باشد امام جعفر علیه السلام فرمود که چهار صفت است از هر
هر کس بود خدا برای او چهار خانه در بهشت بنا کند عطا کند و از فقر
نترسد و افشای سلام کند در عالم و ترک جدل کند اگر چه محق باشد
و از انصاف نگذرد و هر کس با انصاف باشد و با فقرا در مال مواسات
کند بحقیقت مؤمن باشد و خدا ان شاء الله نیز چنین کند و نیز فرمود سید اعمال
انصاف و مواسات و ذکر خدا در همه حال نه همین تنها سبحان الله والحمد لله
ولا اله الا الله والله اکبر بلکه در احوال و افعال خدا را یاد آرد
و اگر رضای خدا در آن باشد کند و اگر نه از آن بگذرد و هر کس منصف باشد باید
مردم کند در چیزی تا آن را اول از خود نپسندد و کسی را در هیچ امری تقدیم و تاخیر
نکند

نکند تا رضای خدا در آن داند در سایه عرش خدا باشد روزی که هیچ کس را سایه نبود و کسی که تنگ‌تر و
مردم نسبت بخدا در روز قیامت کسی است که در حال غضب بی اختیار نشود و تا بر زیر دست ظلم کند و
کسی که چون در معامله میان دو کس در افتد بیک طرف میل نکند و کسی در معامله بنا بر غنیمت
از انصاف و حق نگذرد و خدا را بهشتیست که داخل آن نشود مگر سه کس یکی آنکه بر نفس
خود حکم بحق کند و هر کس ایمان بخدا آورد و روز آخرت دارد باید بوعده وفا کند که
وعده مؤمن نذریست که هیچ کفاره ندارد مگر وفا با آن و اگر خلف وعده کند اول بخدا
خلف کرده و متعرض سخط او گشته باشد و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده از ما نیست کسی که با امانت
خلاف کند و امانت جلب روزی و خیانت جلب فقر نماید و حضرت سجاد علیه السلام
فرموده اگر قاتل پدرم شمشیری که آن حضرت را شهید کرده بمن امانت سپارد هر آینه
آن را ادا کنم و حضرت صادق علیه السلام فرموده که اگر قاتل علی ابن ابی طالب علیه السلام با من
مشوره کند و خیر جوید و شمشیر بمن امانت دهد و من قبول کرده باشم هر آینه ادای امانتش
کنم و چهار صفت که در هر مؤمن باشد خدای تعالی او را در اعلا علیین در بالاترین غرفهای خود
ساکن گرداند کسی که یتیم را در پناه خود دارد و برای او بمنزله پدر باشد و بر ضعفا
ترحم کند و اعانت حوائج ایشان نماید و والدین را نفقه دهد و با ایشان ملایمت و ملاطفت
کند و خدمتکار مملوک خود را رعایت کند و نیز عمده اخلاق نیک نماید و بر والدین مروی است
از اهل بیت علیهم السلام که بر والدین و صله رحم سکرات موت آسان گرداند و در ایام عمر
پریشانی را دفع کند و بر والدین روز قیامت آید و ثبوت و قدرت فرزند حاجت را
بر آورده و رفع اذیت کند روزی جوانی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده گفت جوان
و آرزومندم و شوق جهاد دارم فرمود جهاد کن که اگر کشته شوی در پیش خدا زنده و از نعمتهای بهشت
متنعم باشی و اگر بمیری اجر و ثوابت بر خدا باشد و اگر باز گردی از گناهان پاک گردی چنانکه از مادر متولد

گشته بود وی پس گفت یا رسول الله آیا والدین من بعد از الست واند و نیز خواهند پس ایشان
باشم فرمود باش که عیب ایشان با تو بهتر است در نیکی ایشان چهار دور راه خدا
و نیز آنحضرت از مادر همشیرهٔ بود رضاعی روزی که نزد آنحضرت آمد چون او را دید
شکفته گشت و لحاف خود را انداخت تا بران نشست پس برادرش آمد و گشته ملاطفت
و شگفتگی می فرمود و چون او رفت برادرش آمد حضرت آن مهربانی با او ننمود از سبب
آن سوال کردند فرمود که آن زن بر پدر و مادر خود بیشتر از نیکی میکرد و از آنحضرت
امام جعفر الصادق علیه السلام مروی است که مردی گفت پدرم بسیار پیر شده و چون قضای حاجت
خواهد باید بر دوش گیرم فرمود اگر توانی خود با شرایط این خدمت باش که فردا او
ترا حجاب باشد از آتش و دیگری از آنحضرت سوال کرد که والدین من مخالف مذهبند
با ایشان چون کنم فرمود نیکی کن بهمان نحو که با دوستان و موالیان میکنی هر کس مادر و پدر او
باشد از دوزخ ایمن باشد و در بهشت مسکن کند و هر کس عاق باشد از اهل دوزخ باشد
و در دوزخ ماوی نماید و هر کس بنگاه خشمناک بر والدین کند و حال آنکه ایشان برو
ظالم باشند نماز وی مقبول نشود و چهار کس بوی بهشت نشنوند با آنکه بوی بهشت را
از هزار ساله راه توان شنید عاق و قاطع رحم و پیری که زنا کند و متکبر و حضرت
سجاد علیه السلام مروی است که پدر خود را نمیگذاشت که در راه پیش رود و بعضی فرمود که او
مرفتن تو را تا از و پیش رفت و هم از ایشان علیهم السلام روایت که از جمله والدین حقوق
است که مصاحبت ایشان را نیکو کنی و تکلیف ایشان را تا اگر چیزی خواهند سوال کنند
اگرچه مستغنی باشند بلکه بر خود احوال ایشان باشی و هیچ گمان کنی که چیزی
بخواهند سبقت بر ایشان بگیری و اگر ترا برنجانند اف نگوی و اگر بزنند زبان بکه

دعا

دعا کنی و برای ایشان آمرزش طلبی و بسیار نگاه بر روی ایشان نکنی مگر از روی رحمت
و مهربانی و آواز بر ایشان بلند نکنی و دست بالای دست ایشان نداری و پیش روی
ایشان نروی و ننشینی و ایشان را بنام نخوانی و برای ایشان دشنام حاصل نکنی
و در همه حال اطاعت ایشان کنی مگر در معصیت خدا و در این حال نیز مدارا و ملایمت
کنی و اگر ترا امر کنند که از اهل و مال بیرون روی بیرون روی و اگر از دنیا رفته باشند
نماز و روزه و حج و صدقه و غیر آن از وجوه خیرات برای ایشان بکنی و ثواب آن را
بایشان هدیه کنی و هرچه کنی ثواب آن نیز برای تو ثبت شود و کسی از امام محمد باقر علیهم السلام
پرسید که آیا هیچ چیز جزای حق والدین باشد فرمود هیچ چیز جزای آن نباشد مگر آنکه
اگر بنده باشد بخری و آزاد کنی و اگر دین داشته باشد ادا نمایی و از آنحضرت
مرویست که باشد که کسی در ایام حیات والدین با ایشان بار باشد و بعد از مردن
دین ایشان ادا نکند و برای ایشان استغفار ننماید خدای تعالی او را عاق
نویسد و گاه باشد که در حیات ایشان عاق باشد چون بعد از وفات دین ایشان
ادا کند و استغفار نماید بار دیگر نوشته شود و کسی بخدمت حضرت پیغمبر صلعم آمد و عرض
داشت که پیش از آنکه باسلام مشرف شوم دختری داشتم چون بحد بلوغ رسید روزی
او را زینت کرده بسر چاهی بردم و در چاهش افکندم آیا کفاره داشته باشد
فرمود مادرت زنده است گفت نه فرمود خاله زنده است گفت بلی فرمود
گفت با او بر و نیکی کن که بمنزله مادرست تا کفاره آن شود و از ایشان علیهم السلام

چنان

روایت که هرچه از برّ والدین و لازم است بر ایشان نیز لازم است باید با فرزند
سلوک کند که باعث برّ او باشد با ایشان و چنان نکند که سبب عقوق شود در رحمت
خدای تعالی بر والدین که فرزندان را بر برّ خود وادارند و لعنت خدای تعالی بر والدینی که خود را
بر عقوق خود وادارند در صلهٔ رحم روایت از اهل بیت علیهم السلام که از جملهٔ حقوق دین
صلهٔ رحم است اگرچه یک ساله راه باید رفت و اگرچه به شربت آبی یا سلامی باشد و هر که
قدمی بردارد برود تا صلهٔ رحم کند بهر گامی چهل هزار حسنه نویسند و چهل هزار سیئه محو کنند
و چهل هزار درجه بلند گردانند و اجر صد شهید نویسند و چنان باشد که صد سال عبادت
کرده باشد و صلهٔ رحم دفع بلاها کند و حساب قیامت آسان گرداند و خلق را نیک کند
و بخیل را سخی گرداند و روزی را بیفزاید و مال را زیاده کند و اعمال را پاکیزه کند و سبب
معموری دیار و زیادتی عمر باشد تا آنکه گاه باشد که عمر کسی سه سال باشد چون صلهٔ رحم
کند سی سال شود و گاه باشد سی سال باشد چون قطع رحم کند سه سال شود و رحم بعرش
آویخته می‌گوید خدایا وصل کن برحمت خود هر کس مرا وصل کند و قطع کن از رحمت خود
و هر کس مرا قطع کند و روز قیامت رحم و امانت در دو جانب صراط ایستند
و اصل رحم و مؤدی امانت بگذرد و در رحمت بهشت کشند و چون قاطع رحم و خاین
امانت بگذرد از سر صراط در جهنم افکنند و سزاوار است که جمعی همه فاجر باشند چون با هم
مراسم مودت و صلت کنند مال ایشان بسیار و رزق ایشان وسیع شود اگر همه نیکان
باشند چون از هم مفارقت کنند و قطع یکدیگر کنند بر ایشان گردانند ابتدا در میان
ایشان شایع شود و کسی بخدمت حضرت پیغمبر ص آمد و گفت خویشان من با من بسیار
بدی و مخالفت می‌کنند و دشنام می‌دهند من میخواهم ترک ایشان کنم فرمود اگر

با ایشان کار

این کار کنی خدای تعالی همهٔ شما را ترک کند و از رحمت خود قطع نماید و کسی بحضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از رفتارهای خویشان شکایت کرد فرمود که خشم خود را فرو خور و صلت کن گفت هرچه مدارا و مهربانی میکنم
ایشان همان بدی میکنند فرمود پس تو چه میخواهی اگر تو هم مثل ایشان باشی تا خدای تعالی بهیچکدام
نظر نکند و دیگری بخدمت آنحضرت رفته از برادران و عموزادگان شکایت کرد
گفت خانه را بر من تنگ کرده اند فرمود صبر کن که خدای تعالی از ایشان نجات دهد راوی
گوید وبای عام درگرفت که همه ایشان هلاک گشتند پس بخدمت حضرت رفته حکایت را عرض
نمودم فرمود جزای آنست که با تو نیکی نکردند حالا راضی هستی که ایشان می‌بودند و همان سلوک
میکردند گفتم بلی والله و نیز مرویست که هیچ گامی برداشته نشود دوست‌تر پیش خدا از دو گام
یکی بصفی که در راه خدا آراسته و یکی برحمی که قطع رحم کرده باشد در حق جوار مرویست از
اهل بیت علیهم السلام که از امانت کسی که همسایگی را خوب نکند خوب کردن همسایگی عمرها را
دراز کند و رزق را بیفزاید و سبب معموری دیار باشد و هر کس ایمان بخدا و آخرت دارد
باید همسایه را نرنجاند و مهمان را اکرامی دارد و چون تکلم کند خیر گوید یا ساکت باشد
و هر کس همسایه را برنجاند و آزار دهد خدای تعالی در قیامت عثرات و خطاهای او را
عفو ننماید و حضرت پیغمبر ص فرموده که جبرئیل آنقدر مرا بهمسایه وصیت کرد که گمان کردم
که او را وارث من خواهد کرد و نیز فرمود که ایمان ندارد کسی که شب سیر خوابد
و همسایه‌اش گرسنه باشد و روز قیامت خدای تعالی نظر نکند با اهل قریه که در میان ایشان
گرسنه باشد و حضرت معصوم ع در مناجات میگفت خدایا پناه میبرم از همسایه که چشم او کی دیدی

ودو پدر از روی خدای تعالی فرمود اگر پدر یا مادرت مرده می بودند برای تو اذن میکردم
امر باید بمی ارتی که فلان روز گرسنگی و رنج کوی و بریان نموده تناول کردی و فلان
همسایه ات صائم بود و با او بخش ندادی بعد از این هر چه خواهی بامن بیا دی حضرت یعقوب
علیهم السلام تا یک فرسخ راه ندا میگرد که هر کس گرسنه باشد بنان یعقوب بیاید و حضرت امام علیه السلام
فرمود حق همسایه همین نیست که همسایه را آزار نکنی بلکه تحمل آزار ایشان کنی و هر کس
بمکر خیانت با همسایه خیانت کند خدای تعالی آن را از زمین هفتم در روز قیامت
طوق گردن کند و هر که همسایه را بنا حق بلرزاند بوی بهشت بروی حرام باشد و هر کس
در احتیاج حاجت با همسایه مضایقه کند خدای تعالی خیر و فضل خود در روز قیامت
از و منع کند و او را بخود واگذارد و هیچ عذر از و قبول نکند و اگر همسایه
چیزی بعاریه بگیرد و ضایع کند که در این وقت لازم است از او منع نمود در الفت
و زیارت مومنان روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام برای معاشرت مومنان با
یکدیگر الفت و محبت کنید چیزی نیست که در الفت نکند و با او الفت نکنند جمعی
که برای خدا با هم محبت و دوستی کنند در روز قیامت در ... از ... در سایه
عرش از جانب راست باشند بر منبرها از نور نشینند و روی ایشان از آفتاب روشن تر باشد
و هر کس محبت و بغض و عطا و منع برای خدا باشد از جمله اصفیای او باشد و از
حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله از صحابه پرسید که محکم ترین عروه های ایمان کدام است بعضی گفتند نماز
و بعضی صوم و بعضی صلوة و بعضی زکوة و بعضی حج و عمره و بعضی جهاد فرمود هر یک از اینها فضل عظیم است

اما نه آنست

اما نه آنست که پرسیدم بلکه آن محبت و بغض است برای خدا و تولا با اولیاء الله و تبرا از اعدا الله
و چون دو مومن با هم ملاقات کنند محبتش بیشتر و فضلش عظیم تر و از ائمه
علیهم السلام فرمودند که ای مومنان با هم الفت کنید و یکدیگر را زیارت کنید و ذکر فضایل
ما کنید و با احادیث ما صحبت دارید که موجب حیات دین و دل شماست و هیچ چیز دل
ابلیس و جنودش را الم تر و حسرت مند تر نکند از زیارت مومنان چون سه کس از مومنان بیشتر
با هم اجتماع کنند بآن عدد ملائکه با ایشان حاضر شوند پس اگر دعا کنند آمین گویند
و اگر از شری استعاذه کنند دعا کنند و اگر حاجتی مسئلت نمایند شفیع باشند و چون
مومنی برای خدا نه برای غرض دنیا برای زیارت مومنی از خانه بیرون رود و حق حرمت
او بشناسد بهر گام که بردارد خدای تعالی برایش حسنه نویسد و سیئه محو نماید و درجه
بلند کند و هفتاد هزار ملک با او موکل گردند تا بخانه خود مراجعت کند اگر صبح
رفته باشد و گویند خوش باش و خوشت باد بهشت و چون در خانه بکوبد درهای
آسمان برایش گشوده گردد و چون ملاقات و مصافحه و معانقه کنند خدای تعالی رحمت بر
ایشان شود و بایشان بر ملائکه مباهات فرماید و گوید ای ملائکه ببینید این دو بنده مرا
که برای من چون با هم محبت میکنند لازم شد بر من که بعد از این ایشان را
باتش عذاب نکنم و چون بخانه در آیند خدا فرماید ای بندهٔ من بتعظیم حق و تبعیت
سنت پیغمبر کردی اگر سوال کنی عطا فرمایم و اگر دعا کنی اجابت نمایم و اگر ساکت باشی
خود ابتدا کنم و چون مراجعت کند بعدد هر نفسی که کشیده و گامی که برداشته و کلمه که گفته
ملائکه با او مشایعت کنند و تا آن روز از سال آینده از عملهای بنای و فرستاده حسنه نویسند

بقا

نماید و اگر در این سال بمیرد از حساب فارغ باشد و چون داخل خانه شود خدای
فرماید ای بنده من که تعظیم حق من کردی بهشت بر تو واجب کردانیدم و ترا
شفیع بندگان خود کردم و اگر آن کس نیز حق او را چنین نشناسد برای او
نیز مثل این اجر ثابت شود و خدای تعالی بهشت را بهمه کس داخل آن شود که
آن کس کرده از خود انصاف دهد و کسی را زیارت کند او را در نزد کسی کند برای
خدای و کسی که او را دوست دارد و چیزی بر خود اختیار کند و زیارت یکدیگر برای
خدا بهتر است از آنکه ده بنده مؤمن آزاد کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
از کسی پرسیده میان شما و بصره چند روز راه است گفت از دریا کنار تا موافق
باشد پنج روز و در خشکی هشت روز فرمود که نزدیک بوده برادران مؤمن یکدیگر را ببینند
و عهدها تازه کنند که روز قیامت هر کس را اگر راهی در کار است که شهادت دهند
دهد و اگر مؤمنی بقصد زیارت و یا برای حاجتی بخانه کسی رود و او در خانه باشد و او را
نه دهد در لعنت خدا باشد تا وقتی که با هم ملاقات کنند و هر کس میان خود و مؤمن
حجاب و مانعی کند از رحمت خدای تعالی میان او و بهشت هفتاد هزار پرده ملعون کنند
و میان هر دو پرده هزار ساله راه باشد و حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده
شیطان میان مؤمنان نزاع و فساد می کند پس خدا رحمت کند بر کسی که میان
دو دوست الفت و اصلاح کند و حضرت صادق ع فرمود میان دو کس صلح کنم
دوستتر دارم که دو دینار بطریق تصدق کنم و فرمود چون دو کس از هم بخشم شوند و
و هجرت کنند یکی از ایشان و گاه باشد هر دو مستوجب لعنت اند و برائت از دین کنند
را

کسی گفت فدای تو شوم اگر یکی مظلوم باشد فرمود باید تقصیر را بخود نسبت دهد و عذرخواهی کند
و نگذارد که مهاجرت واقع شود هر پنجشنبه و دوشنبه است که اعمال بندگان را بر خدای تعالی
عرض کنند چون میان دو کس رنجش و عداوت باشد اعمال ایشان را در کنار نهند
تا وقتی که صلح کنند و چون دو کس از هم سه روز هجرت کنند و صلح نکنند و لذت
اسلام در میان ایشان منقطع شود و در روایت دیگر آمده که هر کس بیشتر از سه روز هجرت کند
دوزخ با او اولی باشد و هر کدام سبقت بصلح کند سبقت بجنت کند و هر کس در اصلاح میان
مؤمنان سعی کند اجر او را شنید باید و ابر کامی که بردارد و کلمه که گوید یک له عبادت شنید
با روزه روزها و قیام شبها در اداب ملاقات و مجالست مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که شما بوسعت مال با مردم برنیایید پس بگشادگی و طلاقت وجه ملاقات کنید سه صفت است
که هر کس یکی از آن متصف باشد بهشت او را واجب باشد طلاقت وجه و انصاف و جود
در پیشانی و نیز مرویست که اصطناع معروف و حسن بشره موجب دخول بهشت و مخنث
و بخل و عبوس موجب دخول جهنم و دوری از خدا است و کل ملاقات سلام است مرویست
که اگر کسی پیش از سلام حرف زند جوابش مگوئید و چون دو کس بهم سلام کنند میان
ایشان هفتاد حسنه قسمت شود شصت و نه حسنه از آنکه سلام کند و یکی از آنکه جواب گوید
و اگر کسی بر کسی سلام کند مثل آن است که بنده آزاد کند و گفت افشوا السلام
یعنی بهر کس رسی سلام کن اگر چه ظالم باشد در سلام خدا ابطل ... ان نهر بخیل ترین مردم
کسیست که در سلام بخل کند مرویست در شبها که مردم در خواب اند برخیزید و نماز
کنید و با مردم بسلامت گفتگو کنید و فاشی سلام کنید تا بسلامت بهشت روید و هر که

و سلام غنی را بر فقیر ابتدا نیز و هم موجب غضب خدا باشد و سلام البته باید گفت تا بشنود و بگوید
که سلام کردن جواب نگفتی که شاید نشنیده باشد و چون جواب گوید البته گوید تا بشنوند
که جواب سلام نگفتی و هر کس سلام علیکم گوید ده حسنه باشد و اگر و رحمة الله نیز اضافه
کند بیست حسنه و اگر و برکاته نیز اضافه کند سی حسنه و مرویست سلام و دعای عطسه را
گر کسی شنید بصیغه جمع بگوید اگرچه یک کس باشد که با هر کس جمعی از ملائکه باشند و چون
سلام کنند ایشان جواب گویند و کسی که ملک بر او سلام کند از عذاب ایمن است
باشد مثلا السلام علیکم و یرحمکم الله و دعا کم الله بگوید و ادب اینست که سواره بر پیاده
و ایستاده بر استر سوار و استر سوار بر الاغ سوار و ایستاده بر نشسته و صغیر بر کبیر و قلیل
به کثیر سلام کنند و چند کس سلام نباید گفت شرابخوار و صاحب شطرنج و نرد و چهار
بیتوت و مخنث و شاعری که زنان عفیفه را هجو کند و رباخوار و کسی که مشغول قضای حاجت
باشد و زنان دیگر چه در نماز باشد یا در حمام باشد و چون با یکدیگر کنند مصافحه است
که تمام آن حسن از آن باشد و فضلش اینکه همانند روا کران را نیز گفته باشد
و هر که نیز اضافه کنند و اگر این را نیز بگوید همین را تمام بگوید و در روایت دیگر آمده
و در این صورت و علیکم نیز توان اکتفا نمود اما زیاده از این مخالف سنت است
و روایت که کسی بحضرت امیرالمؤمنین علیه السلام السلام گفت لفظ و مغفرته و رضوانه را افزود
حضرت او را نهی فرمود و اگر کسی سلام را نشنید جواب بگوید و علیکم و علیه السلام گفتگو
و علیه السلام نیز مجزی بود و مرویست که جواب کتابت نیز مثل جواب سلام واجب و در سلام
وجوب جوابش اینست که تو ارسال تحیه با اصحابی [illegible] کند عیبت [illegible]

داین

و چون دو مؤمن با هم ملاقات کنند و مصافحه نمایند گناهان هر دو می‌ریزد مثل برگ از درخت
تا آنکه هیچ نماند و خدای تعالی با ایشان نظر کند تا آنکه از هم جدا شوند و صد رحمت بر ایشان
فرستد نود و نه از آن باشد که محبتش بیشتر باشد و خدای تعالی با او مصافحه و نادانگه
بیشتر کند و دست بیشتر نگاه دارد اجرش از آن دیگر بیشتر باشد و در مصافحه سلام
اول ملاقات است بعد از هر غیبتی اگرچه به دور درختی بگردد یا چند گام از هم جدا شوند
و مرویست که تمام تحیت برای مقیم مصافحه و تمام تسلیم بر مسافر معانقه است و چون
دو مؤمن معانقه کنند رحمت ایشان را فرو گیرد و چون در پیش هم توقف کنند
و نشینند و غرضی دنیوی در میان ایشان نباشد ملائکه گویند که گناهان شما آمرزیده شد
استعمال از سر گیرید و چون در گفتگو کنند ملائکه حفظه با هم گویند بیایید یکبار رویم
که شاید ایشان با هم سری باشد و اگر خویشان بودند یکدیگر را بوسه کنند باید
هم ببوسه کنند و بوسه بر لب نشاید مگر طفل صغیر را و دست بوسیدن نشاید مگر پیغمبر یا وصی
او را و در روایت دیگر آمده که دست کسی را بوسیدن چنان است که نماز برای او کرده باشد
یعنی سجده برای او کرده باشد و هر کس در مجلسی کمتر از رتبه شرف خود راضی شود خدا و ملائکه بر او
صلوات فرستند تا وقتی که برخیزد و مرویست که چون بخانه کسی در آیی هر جا امر کند قبول
کنید مگر بالا نشستن و در روایت دیگر آمده هر جا صاحب خانه گوید بنشین که او بعیوب خانه خود دانا
بهتر است و توفیق بیان این دو حدیث و الله اعلم آن است که در چیزی که [illegible] کرد
در اکثر معلوم باشد عرض صاحب خانه محض تکلف است قبول نباید کرد و اگر نه اطاعت باید نمود چه آنکه
لفظ اکرام و بعیوب شعر است بر آن و بهترین مجالس آنست که روی بقبله باشد و آداب

و حضرت سید ع سه آیات می گفت یکی دور از باطل بود دوم آنکه سه وقفه از زبن بردار دو سه جا
از پس یکدیگر نخوانید هر ساعت کیرد سیم آنکه یکبار بر سر پای دیگر گذارد و احادیث بسیار وارد
آمده که بعضی ائمه طاهرین علیهم السلام باین هیأت نشسته بودند کسی گفت این وضع نشستن
مکروه است فرمودند این قول یهود است که گفتند خدای تعالی چون از خلق کردن آسمان
و زمین فارغ شد چنین نشست که استراحت کند تو برای ملالت چنین نشسته ام
و خدای تعالی را ملالت نمی باشد و مرویست که حضرت پیغمبر ص اکثر مربع می نشستند و خدای
تعالی مربع نشستن را دوست دارد و مرویست که اگر با یهودی بنشیند و بنشیند او را تکلیف کنید
و چون کسی داخل مجلس شود تعظیم کنید و جا بگشائید که تعظیم در مجلس برکت دارد و در وقت
رفتن تعظیم مکنید بغیر صحبت و در میان هر دو کس در نشستن بسیار نزدیک فاصله باید گذاشت
که گاه ایشان را آزار رسد و اگر در اثنای حرف کسی درآید و او را جای نه دهند چنان است که او را
خراشیده باشد و هر کس در وقت نشستن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله
خدای تعالی ملکی بر او گمارد که او را در آن مجلس او را از غیبت کردن حفظ کند و اگر
وقت برخاستن از مجلس بگوید سبحان ربک رب العزة عما یصفون
و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین کفاره آن مجلس شده
و بعد در هر عملی او را حسنه باشد و خدای تعالی به بهترین گناهان او را بیامرزد
در سکوت و کلام مرویست از اهل بیت رسالت طاهرین علیهم السلام در سکوت بابیست از ابواب حکمت
و سبب محبت و دلیل بر هر خیرست و شیعیان ما همه لال باشند و کسی حقیقت ایمان را نشناسد
تا زبان از لغو بسته دو نجات مؤمن در حفظ زبان است و زبان کلید هر شر است پس زبان را مهر کنید

همچنانکه زر و مال را مهر کنید و مؤمن تا ساکت است محسن نوشته شود و چون تکلم کند محسن یا بدی
و هر کس کلام را از جمله اعمال خود شمرد و در اعمالش خطا بسیار باشد و عذابش مهیا بود
و هر کس کلام را از جمله اعمال شناسد تکلم نکند مگر آنچه نافع باشد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
بمردی گذشت که حرفهای لغو بیهوده می گفت فرمود ای مرد هر چه بگوئی ملکین می نویسند
و بر خدای تو عرض می کنند ترک بیهوده گوئی کن و سخنی گوی که نفع در آن باشد و مروی دار
آنکه چون نامه اعمال تو بر خدا معروض شود این نوع سخنان در او باشد و حضرت رسول ص بحکیم گفت
میخواهی چیزی تعلیمت کنم که بآن داخل بهشت شوی گفت بلی فرمود تناول چیزی کن گفت
اگر من محتاج تر باشم فرمود زبان بسته مگر از خیر و بعد از آن فرمودی خواهی بیا از این
صفات در تو باشد که ترا به بهشت برد و هم آنحضرت ص فرمود خدای تعالی زبان را
عذابی کند که هیچ عضو را نکند چه سبب باشد که کلام از زبان بیرون آید که در شرق و غرب
و خونها بان ریخته شود و سخن گفتن بحق افضل است از سکوت در باطل و هر کس را سخن راست
گو باشد عملش پاکیزه شود و مرویست از نماز و روزه و طول رکوع و سجود مردم فریفته نشوید که بسا باشد
در آن عادت باشد که ترکش موجب وحشت باشد بلکه در راستی و صدق کلام و ادای امانت ایشان را
نظر کنید و مرویست که بنده که اکثر راست گوید که خدای تعالی او را از جمله صادقان
نویسد و بنده که اکثر دروغ گوید او را از جمله کاذبین نویسد و هیچ بنده لذت ایمان
نیابد تا دروغ را مطلق ترک نکند و هر کس شر را ترک کند و گفتن را حرام کند خدای تعالی
بر همه شرها قفلها زده و کلید همه آنها را شراب گردانیده و کذب بدتر است از شراب و دروغ
غایت اظهر کذب سؤال کنند مگر آنکه باب اول آنکه در سر که چهار زانو جمع گرسنه دوم

اگر برای اصلاح میان دو کس گفته شود سیم آنکه کسی با اهل خود وعده کند و اراده کردن
آن نداشته باشد و چون کسی گوید والله که خدای تعالی فلان را نیامرزد خدای تعالی فرماید کیست
که از جانب من قسم میخورد که او را نیامرزم او را آمرزیدم و عمل او را باطل کردم و اگر کسی را
نفی کنند با شهادت بر کفرش و شنه اگر خلاف باشد راست گفته باشد و الا بر گوینده برگردد
و اگر کسی را لعن کند و گوید برکت از زمین برگیرد و معیشتش را فاسد کند و نظر رحمت از
او بردارد اگر در روی او لعن طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و لعنت او را آن باشد که اگر
بگیرد باز نگردد و بهشت حرام است بر هر فحاش و بیحیا پروا نکند از هر چه گوید و با او گویند
و مروی است که چنین کسی را اگر تفتیش کنی ولد الزنا یا شریک شیطان باشد و خدای تعالی دشمن دارد
فحاش بدگو را و بدترین مردم کسیست که از ترس زبانش اکرام کنند و جالستن با او نخواهند
دارند و هر کس از زبانش بترسند منزلش آتش باشد و بدترین مردم کسیست که طعام خود بتنهائی خورد
و عطایش را منع کند و حمله کش را بسیار بزند و بدتر از او کسی که بخیر کس امید نداشته و از شر کس
ایمن نباشد و بدتر از او فحاش که چون کسی پیش او بنکوئی یاد کند لعن کند و چون از او پیش او
نکو ربود لعن کنند و حضرت صادق علیه السلام را دوستی بود که هرگز از خدمتش جدا نمیشد
نمی‌شد روزی در خدمت آنحضرت برای بازار رفت و غلامی همراه داشت چون به
ملک نگاه کرد او را ندید مرتبه دیگر نگاه کرد او را ندید گفت یا ابن الفاعله کجا بودی پس حضرت
دست بر روی مبارک زدند و فرمودند سبحان الله مادرش را دشنام میدهی تو
خود را پرهیزگار می‌پنداری گفت جعلت فداک
مادرش مشرکه بود فرمود نمیدانی که هر قومی در میان خود نکاحی دارند دور از ما
باز دار و دور شو ازین راوی گوید دیگر او را در خدمت آنحضرت ندیدم تا از دنیا رفت

[illegible]

و خدای تعالی دوست دارد مزاح را اگر فحش در آن نباشد و مزاح از حسن خلق و سرور دادن
مؤمن و کثرت مزاح اگر فحش یا کذب یا استهزا و مجلسی متضمن قبیح یا باطل باشد وقار و آبرو
و نور ایمان ببرد و مورث استخفاف و ذلت باشد و سبب بغض و کینه شود و گاه
باشد که کسی کلمه گوید که مردم بخندانند بآن زمین و آن او را از بهشت دور گرداند
و دروغ نگفته و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود وای بر کسی که دروغ گوید تا مردم را بخنداند
بعد از آن سه مرتبه فرمود وای بر او و کثرت ضحک دل را بمیراند و خنده بی‌سبب از نادانی است
و آبرو ببرد و دور است از کرامت و هر کس یک مرتبه خنده کند یکبار از عقلش کم گردد
و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود بسا کسی که خنده و لعبش بسیار باشد و روز قیامت
گریه‌اش بسیار باشد و بسا کسی که از بیم گناهان گریه‌اش بسیار بود و در بهشت خنده
در بهشت بسیار بود و فرمود وای صاحب سخنانی که بواسطه‌اش دارد از خنده دندان نماید
بسیار گوید سعایت المؤمن باش از کلمه حادثات در اکرام و توقیر مؤمن مروی است
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که هر کس مؤمنی را اکرام کند اول خدا را اکرام کرده باشد
و روی سلطان جابر شنیده و در آنجا رحمت بر گوید و هر کس بروی مؤمنی تبسم کند برایش حسنه نوشته
شود و اگر بنفیر گوید مرحبا خدای تعالی تا روز قیامت برای او رحمت نویسد و اگر با او نجوی
از راه ملاطفت کند از جانب حق بهشت حظ و بیارد و اگر کلمه گوید که موجب تسلی مؤمنی باشد
در سایه رحمت خدا باشد و اگر کفی از زمین بردارد او را اجر قرائت چهار صد آیه
از قرآن باید که هر حرفی از آن ده حسنه است و اگر مؤمنی را بمجلس با شکر یا طعامی بخواند
یا سعدیم یا غفران ملاطفت و اکرام کند بهشت را بجای آن بدهد بر آن ثابت آن کند ... الحرام اللغا

و باید بر نعمتهای تو را بر اهل دنیا حرام کرده ام مگر بر بنی آدمی و چون روز قیامت شود ندا آید از
اولیای امکافات کنی پس چندان حور و غلمان از بهشت بیرون آیند در دست طبقها به
از نعمتهای گوناگون سرهای آن با سرپوشهای لؤلؤ و جواهر پوشیده چون بهشت و
نعمتهای آن را ببینند عقلشان پرواز کند و چون جهنم را ببینند از احوال آن دست
شوینده را از کود پس خاتم سخن اینکه بگذار بیاید که هر کس طعام بهشت بگذارد دوزخ
بسوی حرام نخورد پس دست را از کرده تناول کنند و هر کس جعفر از مؤمنان را خدمت
کند یا ان عدد از خدم جنت عطا فرماید و خادم مؤمنان در طاعت خدا او حسن سیرت دارد قبر
نگذارند بلکه بشخ خدای تعالی بجنبد و آنجا باشد تا روز قیامت و هر کس مؤمن حاسن سخن را
تعظیم و توقیر کند از فزع روز قیامت ایمن گردد و اگر با او استخفاف کند خدای تعالی
که ای برا و مسلط کند که هر با او استخفاف کند و حضرت پیغمبر صلعم فرمودند از اهانت کسی
که کبیر است اهل فقیر و صغیر را ترحم نکند و هر کس مؤمنی فقیر یا غیر فقیر را تحقیر کند خدای تعالی
او را دشمن دارد و تحقیر کند تا از آنچه کرده برگردد و تلافی کند و هر کس مؤمن فقیر را
بسبب فقرش تحقیر کند خدای تعالی او را دشمن دارد و تحقیر کند او روز قیامت او را در میان
خلایق رسوا کند در سرور مؤمنان و قضای حاجت ایشان مرویست از اهل طاهرین
علیهم السلام در اصلی که عبادت نگردد بچیزی افضل از سرور مؤمن ادای دین کند یا گرسنه ایشان را
سیر کند یا غیر آن و هر چند عظیمتر بود ثوابش عظیم باشد هر کس مؤمنی را مسرور گرداند و همچنین
اگر مؤمنی را آزرده کند ایشان را آزرده کرده باشد و مؤمن هزار هزار حسنه باشد
خدای تعالی در مناجات بحضرت موسی علیه السلام فرمود هر کس مؤمنی را مسرور کند در بهشت او را امیر و حاکم گرداند

دهم ربیع

و حضرت پیغمبر صلعم فرمودند دل مؤمن عرش خداست هر گاه دل مؤمن را خوش کند خدای تعالی فرشته
خلق کند که هزار سر داشته باشد و در هر سر هزار رو و در هر رو هزار
دهان و در هر دهان هزار زبان با هزار زبان بهزار لغت بگوید خدای تعالی را تسبیح کند
و استغفار کند تا روز قیامت و در روایت که مؤمن در مملکت جاری بود از نور و ظلم او
آنچه بیرا اهل شرک رفت مشرکی او را بخانه برده مهمانی کرد و چون از دنیا رفت
خدای تعالی فرمود اگر تو مشرک نمی بودی ترا در بهشت جا میدادم اما بهشت بر مشرکان
حرام است پس با آتش دوزخ امر فرماید او را بترساند و بر آن امان
در صبح و شام رزقش و نسبت راوی گوید پرسیدم از رزقش از بهشت آید
حضرت امام علیه السلام فرمود از هر جا خدا خواهد و هر کس دفع مضرت با آتش از مؤمن
کند بهشت او را واجب شود و هر کس غمی و غصه ای از مؤمن بردارد خدای تعالی بهشت او را
رحمت بر آتش زیبنده در دنیا تعجیل کند امر معیشت او ابا ان اصلاح نماید
و هفتاد و یک ابرای احوال روز قیامت ذخیره نماید و در روز قیامت
محشور گردد و هر کس عورت و عیب مؤمن بپوشد خدای تعالی عیب او در دنیا و آخرت
بر او بپوشد و هر کس قضای حاجت مؤمنی کند خدای تعالی روز قیامت هزار حاجت
بر آورد در اول آنها این باشد او را او زن و دشمنان او و دوستانش را
بهشت برد اگر ناصبی نباشد و قضای حاجت مؤمن بهتر است از آنکه ده بنده
آزاد کند و هزار اسب در راه خدا زین کرده بفرستد و فضیلت است از بیست حج و در
هر حج هزار درهم صرف کند و در روایات دیگر آمده که یک طواف کعبه هزار

حسنه است و شش هزار سیئه محو شود و شش هزار درجه بلند گردد و روایت دیگر شش هزار حاجت جنس د
بر آورده شود و چون به پیش ملتزم رسد هشت در از درهای بهشت بر رویش گشاده گردد
و قضای حاجت مؤمن فاضل‌تر است از ده چنین طواف و هر کس حاجت مؤمنی بداند و
قادر بر قضای آن نباشد و از این جهت دلگیر شود خدای تعالی به سبب آن دلگیری او را
بهشت عطا فرماید و هر کس سعی در حاجت مؤمنی کند هزار هزار حسنه برایش نوشته شود
و در آن میان اقربا و همسایگان و آشنایان او را آمرزیده شوند و هر گامی که بر دارد حاجت
مؤمن بردارد ده حسنه نوشته شود و سیئه محو گردد و درجه بلند شود و اگر آن حاجت در دست او
بر آید ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در کعبه الحرام داشته باشد و اگر بر نیاید
ثواب یک حج و عمره داشته باشد روزی حضرت امام حسن علیه السلام در اعتکاف بود او را کسی
آمده از کسی شکایت کرد و التماس نمود که در باره من با او گفتگوی کن حضرت برخاستند
روانه گشت کسی گفت یا بن رسول الله مگر فراموش کردی که اعتکاف داری فرمود فراموش
نکردم اما کسی که سعی در حاجت مؤمن کند چنان است که نه هزار سال عبادت کرده که
روزها روزه داشته و شبها بنماز برخاسته باشد و هر کس اعانت ملهوفی کند خدای تعالی
هفتاد و سه هم و غصه از او بر گیرد یکی در دنیا و هفتاد و دو در روز قیامت که هر کس
بحال خود درمانده باشد و هر که دست عاجزی را گیرد که قدم نتواند یا مسیر حاجتی دیگر بهر گام
که بردارد و بگذارد ده عتق رقبه نوشته شود و ملائکه بر او صلوات فرستند و هر کس حاجت
عاجزی را کفایت کند خدای تعالی او را برات از نفاق و از آتش عطا فرماید و هفتاد
هزار رحمت بر او آورد و مستغرق رحمت گرداند تا از آن کار فارغ گردد و هر کس قادر بر قضای

حاجت

حاجت مؤمن باشد و نکند خدای تعالی در قبر ماری عظیم بر او مسلط گرداند که او را بگزد تا باشد تا روز قیامت
بعد از آن اگر خواهد بخشد و اگر نه عذابش کند و اگر صاحب حاجت او را معذور دارد
حالش دیگر بهتر باشد و در روایت دیگر آمده که هر کس حاجت مؤمنی را از خود یا از دیگری
منع کند و قادر بر آن باشد روز قیامت رو سیاه و ازرق چشم و دستها بر گردن
بسته محشور شود پس چون او را ببینند گویند این است که با خدا و رسول خدا خیانت
کرده پس در آتشش افکنند و هر کس قادر بر اعانت مؤمن باشد و نکند مستبدانه اعانت
دشمنان خدا باشد و روز قیامت به آن معذب باشد و هر کس را خانه باشد و از
مؤمن محتاج مضایقه کند خدای تعالی فرماید ای ملائکه ببینید که بنده من چون در خانه
یا بنده من بخیلی کند بعزت و جلال خود سوگند که هرگز در بهشت مسکن نکند
روایت است از اهل بیت عصمت صلوات الله که هر کس حکم و امر خدا را استخفاف و بی اعتنائی نماید
خدای تعالی در هر دل نوری آفریده و چون کسی گناهی کند نقطه در دلش بهم رسد اگر توبه
کند آن ظلمت زایل شود و همان نور عود کند و اگر همچنان معصیت میکرده باشد مرتبه
مرتبه ظلمت زیاده شود تا نور را پوشیده و تمام دل سیاه و ظلمانی گردد و چون نشود با آنکه
چنین شود هرگز صلاح نپذیرد و توبه نیابد و بی باک شده بنده گناهی کند خدای
تعالی فرماید بعزت خودم که بعد از این هرگز نیامرزم و بی باک شده را روز قیامت بنده را
به یک گناه صد سال حبس کنند و اهل و عیال او در بستان خود امید که دارد و حالت
جنات مشغول نعمت حضور شوند و هر کس ترک فریضه یا ارتکاب کبیره کند طاعت شیطان
کرده باشد و با او در جهنم باشد و هر کس حکم حلال و حرام قرآن داند و برای محبت و شهوت

و بنا بر خلاف آن کند مستوجب سخط الهی گردد و با یهود و نصاری در یک درجه باشد و خانه که در آن
معصیت کنند لازم است بر خدای تعالی آن را خراب کند و معاصی مورث فقر و حاجت
و حرمان رزق و زوال نعمت و کوتاهی عمر و خرابی بلاد و زلزله و طاعون و قحط و انقطاع
باران و ظلمت هوا و ابر بی باران و بلاها شود و موجب هلاک و امراض و اوجاع و اسقام و حسرت
و ندامت و تسلط اعدا و کم آبی رودها و چشمهها و آفات زراعت و باغها و زیان تجارت
و معاملات گردد و رد دعا کند و باشد بنده دعا کند و خدای تعالی خواهد اجابت آن
فرماید پس بنده معصیت کند و خدای تعالی فرماید بنده من متعرض غضب من گشت
و مستوجب حرمان است محرومش گردانید و دعای حقش مکنید و اگر معاصی شایع شود ابرار و اخیار
دعا کنند مستجاب نگردد و هر بلیه و مصیبت و کدورت و مشقت که باو میرسد عقوبت گناهان
باشد حتی اگر خاری در پای او رود یا رگی در بدن جهد با آنکه اکثر گناهان بعفو و رحمت الهی
عفو شود و اولیاء الله که بلاهای ایشان برای زیادتی درجات و رفع درجات است و چون
خدای تعالی با بنده اراده خیر و رحمت داشته باشد هرگاه گناهی کند عقب آن او را بعقوبتی
دنیویه جزا دهد تا توبه و استغفار نماید و گناهانش بیامرزد و اگر بنده اراده غضب و عذاب
داشته باشد او را استدراج کند یعنی نعمتهای پی در پی بر او ارسال نماید تا درجه درجه و آن هم
گناهانش زیاده شود و مغرور گردد و استغفار و توبه را فراموش کند که گویی حضرت ...
سوره ... خبر داده از خدای تعالی ... و همیشه دعا مستجاب شد ...
استدراج باشد و بود و له که اگر ... استدراج بود و چون خدای تعالی با بنده
نظر رحمت داشته باشد عقوبات گناهانش در دنیا دهد تا در آخرت ... و عالم
برزخ بجزای کناهان کند تا روز قیامت از گناهان پاک باشد حتی آنکه

غم و هم و کدورت و اندوهی او را رسد یا حوادثی منید که از و غمگین شود و گناهانش را بیامرزد و اگر کسی
نظر غضب داشته باشد جزای گناه کرده باشد در دنیا نعمت و صحت و غیر آن از نیکیها عطا
فرماید و عقوبات گناهانش را بقیامت که از دنیا باشد و کسی گناهی عظیم کند که مستوجب عقوبت
دنیا و آخرت شود خدای تعالی برای مصلحت او عقوبت آخرت نیز در دنیا کند و گاه هست
که در دنیا تقدیر مصایب و بلایا نموده باشد و چون کسی عبادت و طاعتش ... برو رخ
فرموده مصایب و بلایا را بعد از آنکه مقدر شده دفع فرماید و او را بلد بلایا را نیز ذخیره او در
قیامت گرداند و هیچ گناه را سهل و حقیر نباید انگاشت مثل آنکه گوید گناهی میکنم بعد از آن
استغفار خواهم کرد یا گوید کاش غیر از این گناه نمیکردم یا کاش همه گناهان من مثل این
می‌بود یا غیر این را گناه حقیر انگاشته شود و امر انیده که شود و هیچ طاعتی مقبول نشود از
کسی که او اصرار بر معصیت کند و هر صغیره که بر آن اصرار کنند کبیره شود و خدای تعالی
بر هر بنده چهل پرده از رحمت پوشیده است که بر گناهان و عیوبش اطلاع نیابند
چون چهل کبیره کند پردها همه برخواسته باشد پس خدای تعالی ملائکه را فرماید که بالهای
خود او را بپوشند و اگر همان معاصی و قبایح بکرده باشد تا حدی که فعل قبیح کنند
و آن را حسن بینند از و توقع هیچ داشته باشند فرماید تا ملائکه بالهای خود را از او
بردارند پس بعد از آن شروع در تفضیح او نمایند اهل بیت علیهم السلام کنند
و گناه ... آنکه البته امرانید که گناهی است خدای تعالی در دنیا عقوبت
از و کرده و کمتر از آن است که یک گناه را دو مرتبه عقوبت کند پس در آخرت
آن را بیامرزد و دوم ظلم بعبادا که چون کسی ظلم و ستم بر کسی نماید تا چیزی از حق او ...
هیچ خطا نکند خدای تعالی البته انتقام آن بکشد سیم آنکه گناهی کسی کند و از آن

توبه نماید و ترسان باشد و امید عفو و مغفرت داشته باشد حضرت امام علیه السلام فرمود ما نیز در حق او
برادر میترسم و امید مغفرت دارم با اهل معاصی و در مجلس ایشان که قادر بر منع آن نباشد
نباید نشست چه بسا که غضب بر ایشان نازل شود و او نیز در آن میان فرو گیرد حضرت امام
یکی از اصحاب فرمود ترا در پیش فلانی دیدم ایا چه میکنی گفت او فالودی من است فرمود
او معصیت خدا می کند یا باید ترک کنی و پیش او روی و یا پیش ما آئی و ترک او نمائی گفت
هرگاه آنچه او کند من نکنم چه ضرر دارد فرمود نمی ترسی که غضب نازل شود تمام را فرو گیرد
همینه که مردی از اصحاب موسی که پدرش از قوم فرعون بود چون فرعونیان بلجی رسیدند
آن مرد ایستاد که پدر خود را موعظه نمود پس موسی برد چون به دریا رسیدند آب همه را
گرفت و غرق شد حتی الکه خدای تعالی خبر شود به موسی از حقیقت عذاب کرد که چرا از
محل اهل معاصی بیرون نمیروی و هر کس مال حرام کسب کند یا لقمه حرام بخورد یا جامه حرام بپوشد
هیچ طاعت او قبول نمیشود نه فریضه و نه نافله و بعد از آن و زر بود که بیند و هر چه از و مال
بماند و با توشه او جهنم باشد و هر کس هر جا که باشد از هر جا که بجهنم رود و هر کس معتمد
باشد و ترس خدا او دارد و خدای تعالی او را دوست دارد و در رحمت خویش جای او
کند و از اهل بهشت گرداند و ترک یک لقمه حرام بهتر است از دو هزار رکعت نماز و
مال حرام بسیار است با اهتمام چه تمام و خدای تعالی لعن کرده کسی را که یا ده و کسی را
که گیرد و کسی را که او نویسد و کسی را که گواه باشد و با هم در حرمت مساوی اند
آنکه کسی که در روز رمضان افطار کرده باشد و گناهی را با عظیم تر است از اصحاب
در همه ماه خوب ان مثل عمره و نافله باشد و هیچ عبادت افضل از عفت بطن و فرج
نیست که از حرام حفظ کنند و هر کس که اولاد خویش سلطه کند از عذاب در آخرت

باب ...

با آتش جهنم و در هیچ خیانت مادر وی با زنا با شراب خوار نه مخانه ای که برکت از آن خانه زایل گردد
و هر کس یک قطره شراب بخورد خدای تعالی نماز چهل روزش مقبول نشود و اگر در این ایام
ترک نکند عذابش مضاعف گردد و در این ایام توبه کنش قبول نشود و اگر بمیرد کافر
باشد و اگر یکبار دیگر بیاشامد شراب ... از شراب در ... در جهنم از فروج زنان می آید
او بیاشامد و اگر بمیرد بعد از آن که نکند مستحق است باشد و شراب خوار روز
قیامت و سیاه از زرق چشم و دهنش کج شده و لعاب دهنش روان گشته دست بر
پشت بسته بحشر آید بهمان که اهل محشر از وی بترسند و حضرت رسول فرمود
که کسی که در شراب لعنت فرمود که ده کس ساقیش باشد و کسی که محافظتش نماید و کسی
که بغیر دو کسی را بیاشامد و کسی که بر آن گیرد و بایع و مشتری و کسی که قیمتش را بخورد و فرو
که با شرابخوار ... مجالست نکنید و دختر باو مدهید و از و خواستگاری مکنید و امانت باو مسپارید و عیادت
مکنید و بر جنازه اش حاضر نشوید کسی از حضرت امام علیه السلام پرسیده از ادویه ای
که شراب بسازند فرمود اگر بمیرد بر دونان بگذار و هر کس آب انگوری
بخورد که ... عرق از وی بیرون آید خدای تعالی آن عرق را ... مقصد ... عذاب
کند و هر کس یک قطره شراب یا مسکری دیگر بکودکی دهد خدای تعالی او را از حمیم
جهنم بیاشامند و حمیم آبی است در جهنم که چون نزدیک آید بر لب افتد از شدت
حرارتش گوشت و پوست او بریزد و هر کس بیمار شود و شراب یا مسکری دوا آن
باشد و در چشمش کشد و از دیت کمتر از آتش در چشمش کشند و هر کس ترک شراب
کند نه برای خدا بلکه از برای مصلحت خود خدای تعالی او را شکر کند و از حق ...

بنشانند که بهتر است خود را از شربتهای بهشت و حق تعالی آتش را با رنگ جهنم ساخته و بر کی
خواص جهنم معزز فرموده و از حضرت امام رضا علیه السلام روایت است که چون سر امام حسین علیه السلام را
بشام بردند یزید علیه اللعنة والعذاب فرمود که آن را در طشت گذاشتند و روی او پوشیدند و بالای آن خوان انداختند
و بر روی آن شطرنج میباختند و فقاع میآشامیدند و دُرد جام را در آن طشت بر زمین
میریختند پس هر که شیعه ما باشد باید از فقاع و شطرنج اجتناب نماید و هر کس چون نظرش بر
فقاع و شطرنج افتد بر یزید و آل زیاد لعنت کند گناهانش همه آمرزیده گردد اگرچه بشمار
ستاره های آسمان باشد و نیز مرویست که هر شب ماه مبارک رمضان حق تعالی جمعی بسیار
از آتش آزاد کند مگر کسی که افطار بر مسکری کند یا صاحب شطرنج یا صاحب عود باشد
و هر چه بآن قمار کنند مثل آن بود و شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه گفته
منع شده است از شطرنج و داشتن شطرنج کفر است و بازی کردن شرک و تعلیم کردن گناه کبیره مهلکه
و سلام کردن بر بازی کننده معصیت و نظر بر آن انداختن نظر بفرج مادر است و هر چه بآن
قمار کنند مثل آن باشد حتی بازی نرد و گردکان و غیر آن و هر کس بازی کند شیطان
باو همیشه است و ملائکه بیزارند و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که وقتی آدم علیه السلام
رحلت نمود ابلیس و قابیل بسبب شماتت بر زدند بسیار اسباب لهو و لعب اختراع کردند
و بعد از آن فرمود هر چه از این جنس چیزها باشد که مردم از آن ملتذ شوند مثل آنکه بود و دف
کسی که چهل روز بربط نوازد شیطانی قفندر نام بر او مسلط گردد و در هر عضو او عضوی
از خود گذارد و بعد از آن غیرت و حیا از او زایل شود تا حدی که از زنانش زنا کنند
و پروا نکند اما حرمت دیگر روایت شده در نکاح که بعد نشنیده و از آن دف را نیز

ولیکن

نباشند
و شنیدن لهو و غنا نیز نفاق میرویاند چنانکه آب گیاه را و اهل این مجالس از مصیبت ایمن
و دعای ایشان مستجاب نشود و خدای تعالی بر ایشان نظر نکند و فرشته در اهل لهو و غنا از جمله
چیزهاییست که خدای تعالی فرموده برای اهل آن عذاب مهین مهیا است و در بهشت
درختیست که خدای تعالی بادها را امر کند که آن را حرکت کنند پس نغمه صحیح که گوش مانند آن
نشنیده باشد بهتر ترنم شود برای جمعی که در دنیا از غنا منزه باشند و کسی که از آن اجتناب نکرده
باشد از شنیدن آن محروم باشد و نیز مرویست که کنیزکان مغنیه ملعونه اند و
ملعون است کسی که از کسب ایشان بخورد و بهای ایشان و مزد ایشان حرام و تعلیم ایشان
کفر و شنیدن ایشان نفاق و قیمت ایشان سحت است و حضرت امام محمد باقر علیه السلام
فرمود که گوش بسخن هر کس که بدهی او را پرستیده ای پس اگر حق گوید عبادت خدا
کرده باشی و اگر باطل گوید از شیطان گوید عبادت شیطان کرده و احادیث بسیار نیز در مدح
صوت حسن و ترتیل قرآن بصوت خوش و در صفت ترنم وارد شده اگرچه خوب
نغمه صوت حسن و هیچ پیغمبری مبعوث نشد مگر با آواز خوش و ائمه علیهم السلام
از همه کس خوش آوازتر بوده اند امام اند که از حسن صوت حضرت خود اظهار کنند هیچ کس تاب
نمی آورد و حضرت باقر علیه السلام چون تلاوت قرآن میفرمود مترددین از حسن
صوت آن حضرت بیهوش می افتادند و قرآن بحزن نازل گشته بحزن تلاوت کنید
و در قرائت آن ترجیع صوت کنید که خدای تعالی دوست میدارد صوت
حسن را که ترجیع کنند و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود قرآن را بالحان عرب بخوانید
و بالحان اهل فسق و کبایر مخوانید و بعد از من جمعی بیایند که قرآن را ترجیع غنا و نوحه

ترجیح کننده دلهای ایشان و جمعی که ایشان را خوش آید در گشته است و کسی از حضرت سید الانام صلعم
سوال کرد از خریدن خوشخوان زن فرمود و فروختن و خریدن ایشان حرام است و اجرت ایشان حرامست و آواز
و نیز اخبار بسیار وارد شده که هاکی نیست در کسب مغنیه در عهد و سهما باشد نه بتحقیق انست
که در آن بر ایشان وارد شوند پس از مجموع این احادیث معلوم است که نغمه دو قسم است
یکی مذموم و حرام که خباثت و توعدات و عقوبات بر آن وارد شده دوم ممدوح
و حلال که مرایح و رخصت در شان آنها و اما در تحقیق معیار حلال و حرام اقوال مختلفه گفته
اما آنچه این حقیر از ظاهر قرآن مجید و مجموع احادیث وارده در این باب استنباط نموده
انست که معیار حل و حرمت حق و باطل است اعنی هر نغمه و صوت و تصنیف و تقرف که
سبب دوری و غفلت از خدا و رغبت به دنیا و هیجان شهوات و لذات دنیوی و اراده‌ها
باطل و خیالهای فاسده و محبت باطله باشد مذموم و حرام است و هر چه سبب شارقت طلب
و انگیختن ملال دل از دنیا و شهوات دنیوی تا آخرت و با قیات صالحات و محبت
سبب حق باشد ممدوح و حلال است چنانکه بعضی از احادیث مذکوره شد اینکه
بخوانید قرآن بحزن و بهوش کشیدن مردم را حضرت امام علیه السلام و امر به لحن
عرب و نهی از الحان اهل فسوق و یاد آوردن بهشت و جهنت کسب تغنی در آواز
و ظواهر قرآن و سایر اخبار بسیار نیز حقیر آنها مشعرست به آن از آنجمله اخبار بسیار
که از ائمه اطهار علیهم السلام سوال کردند از غنا فرمودند روز قیامت که خدای
تعالی حق و باطل را از هم جدا کند غنا در کدام طرف باشد سائل گفت در طرف
باطل فرمودند خود حکم کردی و از آنجمله حمیری از امام علیه السلام از غنا سوال کرد فرمود

که اتقیا اکرام باشد سماع آنها با باطل کار است والله اعلم لقوله الراسخون فی العلم
چون این جمله دانستی بدانکه آنچه در غنا گفته شد و بسیار نتوان گفت چنانکه بعضی فقها
توهم میکنند زیرا که اصل ساز مطلق در دین ما حرام است و هیچ یکی از انواع آن
رخصت نیست مگر دف او را خوش که اصل آن مطلق خوش ثابت نیست بلکه
در اصل آن حلال و حرام آنچه گفته شد نتوان نمود و لطیفه باید دانست که خوشی
که اصلش حلال است گاهی با عرض حرام میشود مثل آنکه شیرین طعام غصبی باشد
و نظیر آن طعام حرام است که اصلش حلال است و با عرض حرام شده حرام گشته
و لطیفه آنکه معیار شناختن صوت حلال و حرام انست که در اکثر طبایع اول مرتبه
تهیج حق یا باطل کند اگرچه گاهی در بعضی طبایع با سبب عادت یا صفت خود خلاف
آن باشد چنانکه معیار خوف و بدی در طعوم و روایح انست که اکثر طبایع اول مرتبه
تهیج حق و یا باطل کند اگرچه گاهی در بعضی طبایع با سبب عادت و یا صفت خود خلاف
آن باشد چنانکه معیار خوف و بدی در طعوم و روایح انست که اکثر طبایع اول
مرتبه خوش آید یا بد آید و اگر گاهی بعضی طبایع را بسبب عوارض یا بعد از عادت
از طعمی یا رایحه خوش آید یا بد آید معتبر نباشد والحمد لله رب العالمین و چون
زنان غالب شوهرت فحوا و اوج جانب جذب او آن در میان ایشان نزد ساطع شود انا
خدای تعالی ایشان را عقوبت کند که در دنیا ایشان را از روی برود و لعن بسته شود
و جانش نزدیک گرد دوزخ در آخرت غضب او و سختی حساب و خذ دار
و نیز روایت است که سیصد هزار در از جهنم بگیرش کرده گویند که شعلهای آتش و عقارب

وحیات از دوزخ رسید و عذابش کنند تا روز قیامت و بعد از آن به دوزخ برند
و چون روز قیامت شود از ایشان محشور شوند و بوی در غایت عفونت از فرج ایشان
آید و همه اهل محشر متأذی شوند و همگی ملائکه ایشان را لعن کنند و هر کس با زنی
نامحرم مکالمه کند بیک کلمه او را بهزار سال در دوزخ محبوس کنند و اگر زن بر عشق خوف
اطاعت کند هر چه در میان شان گذرد گناه آن بیش کند مرد باشد و اگر مجبور باشد
گناه او نیز بر مرد نوشته شود هر که چشم از نگاه حرام پر کند خدای تعالی چشم او را
از آتش پر کند و هر کس با زنی نامحرم در آویزد او را با شیطان در زنجیر آتش بسته
در آتش اندازند و هر کس از زنان مردم عفیفه باشد مردم نیز از زنان او عفیف باشند
و هر کس از عقب زنان مردم رود مردم نیز از عقب زنان او روند و هر که با مردم معامله
کند با او چنان معامله کنند حضرت پیغمبر صلعم فرمود که با فقدان طینت تزویج مکنید که
مرد ایشان عفیف شوند و زنان ایشان نیز چنانند و هر کس انتظار زنی نامحرم
کند و چشم از نگاه او برندارد چشم بر هم زدن باشد خدای تعالی او را ایمان
عطا نماید که لذت آن در یابد و از حور العین بهشت تزویج نماید و هر کس لواطه کند با نا
حرام یا با مردی هیچ فریضه و نافله از مقبول نباشد و از عفونت بدن او اهل محشر متأذی
باشند و او را به دوزخ برند و بر او حرق حرام بهشت نشنوند که هر کس با او لواطه کند و هر کس
یکی را عمدا بنا حق کشد چنان است که جمیع ناس را کشته باشد و جزای آن جهنم
بود خدای تعالی مقتول را از همه گناهان پاک کند و همه را بر قاتل نویسند و
هر کس نزد مردم از خدای تعالی شکایت کند او را بنا حق کشته باشند و اهل سموات

وارض

وارض و رقیق سلطان شریک باشند و ایشان راضی باشند خدای تعالی همه را سرنگون در دوزخ افکنند و اگر کسی
بکلمه اعانت قتل مسلمی کند روز قیامت مقتول او را وسط به خون خود کشد و هر کس با تو بینی
در حبس رافقت کند و چیزی او را در آن مد حفظ نکند با خدا و رسول و ائمه اطهار صلوات الله
علیهم خیانت کرده باشد و ایشان او را روز قیامت با او مخاصمت کنند و هر کس والی و امیر
حکم شود اگر چه بر ده کس باشد و میان ایشان عدل نکند روز قیامت بر او دست
بسته در سوراخ آتش کرده بجهد او را بدوزخ افکنند و هر والی که از رعیت حوائج ایشان را پنهان
کند خدای تعالی روز قیامت از او و از حوائجش اعراض کند و اگر در کار کسی از
ایشان هیچ یکی خیانت کرده باشد و اگر در حکم حق میان ایشان را نه بکند دیگر
باشد و اول کسی داخل جهنم شود پادشاه و حاکمیست که با رعیت عدالت نکند و مال
حق مال او را بکند و فقیری که فاجر باشد و هر کس بر کسی ظلم کند خدای تعالی او را بر آن
و نفس او در دنیا در ولد و نسل او مواخذه نماید و ظلم در دنیا ظلمات در آخرت و بر جرائط
بیست کرم هر کس با ظلمه از آن نتواند گذشت و هر کس مال کسی را بظلم و غصب بگیرد خدای
تعالی از و روی رحمت بگرداند و هیچ طاعت حسنات او قبول ننماید و در نامه عمل او نبت
نگنند تا آنکه توبه کند و هر کس ظالمی شود و ظلم ننماید و دوست دارد دو حمایت کند خدای تعالی ظالمی
بر او مسلط گرداند و در ان حال مظلوم باشد و دعای او مستجاب نشود و در آن ظالمی بر او مستوجب
نشسته باشد و هر کس اعانت ظالمی کند در گناهش شریک شود و با او محشور باشد و در حکم
سقیه در دو آتش کند باید قتل بر شیت نویسیه باید بگیرند و کسی او را جهی بظلم باشد
مثل ظالم باشد خدای تعالی در زمان پادشاه جابر به پیغمبری وحی فرمود که پادشاه بگو
که ترا پادشاه کردم که خون آدم بریزی و مال ایشان بگیری بلکه ملک بتو دادم که بداد مظلومان رسی

و من از مظلمهٔ ایشان نخواهم گذشت اگرچه کافر باشند و هر کس سلطانی را بجور و ضلالت [illegible]
یا ظالمی را متوجه ظلم کرده باشد در دوزخ قرین هامان باشد و هر کس صبح برخیزد و ظلم را در خاطر
نداشته باشد گناهان آن روزش آمرزیده شود و هر کس با مخالفین و ظالمین مقاربت کند
و ملازمت ایشان نماید از خدای تعالی دور شود و هر چند بایشان نزدیکتر است از خدای تعالی
دورتر باشد و خدای تعالی ورع از دلش بیرون برد و حشر با ایشان کند و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که حقست بر خدای تعالی که شما را در آخرت با کسی رفیق کند که او را زنده داشته باشد [illegible]
کرده امید و کراریع آنحضرت پرسید که شیعیان از برای ناگاهی کار با شغل بنای عمارت و حفر
نهر و بستان برای مخالفین بکنند فرمود که نام هیچ دلمی نمیخواهم که برای ایشان
سرکیسه ببندم و یک قلمی نویسم که اعوان ظالمان روز قیامت در سراپرده ای از آتش
باشند تا وقتی که خدای تعالی میان عباد حکم کند و هر کس صاحب سلطنتی را برای طمع
مدح کند در جهنم قرین او باشد و هر کس پیش صاحب سلطنتی یا غنی از دنیا برای طمع تذلل
و فروتنی کند خدای تعالی او را دشمن گرداند و برکت از او بردارد و کار او را بهلاکت ملحق
رقبه یا بیابر و جوه بر کسی اجرت دهد اما از ایشان علیهم السلام روایات آمده که
اگر از مخالفین و اهل جور مالی بکسی رسد با آنچه او در آن سعی و تلاش کند حلال باشد
و روایات بسیار آمده ما از ایشان بهر گونه بنت آمده حزن آن [illegible] شیعه
به اسیر تمیز بر ما معلول باشد و کم کسی است حضرت امام محمد باقر علیه السلام کسی معروف را
که در دیوان مخالفین خدمت کرده اصلح کرده ز [illegible] باشد فرمود نه با حق کسی

زمان او کسی بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که من در دیوان بنی امیه [illegible] بوده ام
و مال بسیار از آن بدست آورده ام و چشم از مأخذش پوشیده ام فرمود اگر ایشان
نویسنده و خدمتکار نیابند کی بر ما دست یابند و حق ما را غصب کنند گفت آیا
آنچه کرده ام مخرجی داشته باشد فرمود اگر بگویم میکنی گفت بلی فرمود از هر چه اکتساب
کرده بیرون آی و هر کس را میشناسی حقش را بده و هر کس را نمیشناسی بر ایشان تصدق
کن من برای تو ضامن بهشت شوم پس آن مرد رفت چنان کرد حتی جامه ای که در بدن
داشت بیرون کرد تا آنکه آشنایان و رفقای خود برای ایشان فرستادند لباسی جمع کردند
و اندک وقتی بعد از آن بیمار شد یکی از اصحاب آنحضرت گوید بعیادتش رفتم چشم
باز کرد و گفت والله آنحضرت بوعده خود وفا نمود و رحلت کرد پس بخدمت آنحضرت
رفتم چون مرا دید فرمود که بوعده خود وفا کردیم و از ایشان علیهم السلام وارد
است که اگر کسی ملازمت مخالفین و ظالمین مستند شود که غرضش از آن رفع
حوائج مؤمنین و دفع ظلم از ایشان و ایصال نفع بایشان کند تا حسنه در برابر سیئه
باشد و چون ترک امر بمعروف و نهی منکر شایع شود خدای تعالی ایشان را مبتلا گرداند
و چون کیل و وزن نقصان کنند بقحط و جور سلطان مبتلا شوند و چون منع
زکوة کنند زمین منع خیرات و برکات خود نماید از زرع و ثمار و معادن و چون
قطع ارحام کنند اموال در دست اشرار مستقر شود و هر کس حرمت مؤمنی را نسازد او را
قیامت خدای تعالی عذابش فرماید در آنحضرت روح [illegible] نتواند فرستاد میان
سایه دار و غیر آن [illegible] است اصلش در مرتبه معلوم نیست و هر کس [illegible] باشد

ابتدای اسلام از و منقطع بود و با عرب جاهلیت محشور شود و هر کس که دلهای را از روی غضب بجوشاند
کند که او را ابتر سازد خدای تعالی بغضب خود او را ابتر سازد و هر که بگوید که کبر در دل من
باشد و امید بهشت کند متکبران روز قیامت بصورت مور محشور شوند و اهل محشر پای بر
آنها نهند و پایمال باشند تا خدای تعالی از حساب خلایق فارغ شود و در جهنم موضعی است برای
متکبران که سقر نام است از شدت حرارت شکایت کرد و اذن خواست که نفسی
کشید از نفس او تمام جهنم سوخت و بغض و کبر صاحب خود را بکشد تا جهنم ابلیس گردد
خود گفت بغض و حسد در میان ایشان نکنید چرا که آتش است با شرک و هیچ چیز بعضی
را با دیگری بر چیزی نکنند مگر آنکه خدای تعالی دلیل کند او را و حسد ایمان را از
چنانکه آتش هیزم را و هر کس که بقدر خردلی عصبیت در دلش باشد با کفار جاهلیت محشور
شود و هر کس تعصب کند ابتدا این از گردنش منخلع شود و رفت حب و افتخار است
روزی که در خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام بکنیت بن فلانه و صاحب حسب
شد و در قوم خود در ک و عزیزم فرمود حسب ما میخی خدای تعالی با ایمان
بلند گردانیده و هر که مومن باشد اگر چه ذلیل گردانیده و هر که کافر باشد و هیچ
کس را بر کسی فضل نیست مگر بتقوی و هر کس با مردم بیاری و بد زبانی کند
روز قیامت او را دو زبان از آتش باشد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه فرمود که از بهر کم در جهنم میبود و من از همه مکارم ترسیده ام ولیکن
این عیب بس است آدمی را که عیوب مردم را ببیند و از عیوب خود چشم بپوشد
و عیب کنند دیگری را بر صفتی که خود از آن ترک نمیکند و هر دیگری

ثمار

صفات بگو است که عیوب و خطاهای مومن را حفظ کنی تا روزی بر آن سرزنش و تعبیرش کنی
و هر کس در پی عیوب مسلمین باشد خدای تعالی در پی عیوب او باشد تا او را رسوا کند
و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که جمعی عیوب بسیار داشتند چون از عیوب مردم خاموش کردند
تا آنکه مردند و عیبی از ایشان مردم نبود و جمعی دیگر هیچ عیب نداشتند عیب گوی مردم گردیدند
خدای تعالی عیب چند از ایشان اظهار فرموده بر زبانهای مردم جاری دنیا تا از دنیا
رفتند و هر کس بر کسی معصیتی از کسی فاش کند چنان است که خود او را کرده باشد
و هر کس مومنی را بر عیبی سرزنش کند از دنیا بیرون نرود تا خود بشان مبتلا شود و خدای
دنیا و آخرت او را رسوا کند و روایت است که مومن از نور عظمت و جلال خدا
مخلوق گشته هر کس بر و طعن و رد کند بر خدا رد کرده باشد و شریک شیطان باشد و
و مروی است که اگر کسی غیر مومن را طعن کند به بدترین وجهی بمیرد و هر کس از مومن
چیزی روایت کند که باعث خفت او باشد و در نظرها خدای تعالی او را از ولایت
خود بیرون کند بولایت شیطان و شیطان نیز قبولش نکند و هر کس در مصیبت مومن
شماتت کند از دنیا نرود تا بآن مبتلا شود و هر کس مومنی را غیبت کند چنان است
که گوشت مرده او را بخورد و در قیامت از دهانش بوی آید بدتر از بوی جیفه که اهل محشر
همه از آن متاذی شوند و از جمله ایمان باشد که خدای تعالی فرمود جمعی که میخواهند معصیت
در میان مومنان شایع شود بعذاب الیم معذب باشند و هر کس غیبت مومن بشنود
و قادر بر اعانت او باشد و نکند خدای تعالی در دنیا و آخرت ذلیلش کند و اعانتش
نکند و گناهانش بمقام مرتبه مثل کسی باشد که غیبت کرده و اگر اعانتش کند و غیبت او را
دفع کند خدای تعالی هزار نوع بدی در دنیا و آخرت از و دفع کند و از آتش او را دور کند

و غیبت آن است که عیبی که در او باشد و او خود پنهان دارد و در مردم بگویند و ذکر کنند و اگر خود پنهان
ندارد و غیبت نباشد و اگر آن صفت در آن نباشد بهتان باشد و هر کس که این با او بگوید را
بهتان کند روز قیامت بر سر تلی از آتش نگاهش دارند تا آنگه که از گناه پاک شود
و بهشت حرام است بر کسی که غیبت مسلمان کند و سخن چینی کند تا میان ایشان فتنه انگیزند
چهار کس اهل جهنم را رنجه دارند از حمیم جهنم بیاشامند و اهل جهنم از ناله و افغان ایشان زاری کنند
و گویند این چه کسانند ما را با این همه عذاب آزار می‌کنند پس ملائکه گویند یکی
در تابوت آتش او کسی است که اموال مردم بر گردن او بود و ادا نکرده باشد و آنکه
نه ... باشد و آنکه از آتش ... و روان گشته از بول اجتناب و مبالات نکرده و آنکه
چرک و خون از دهنش روان است سخن مردم حکایت کرد و میان ایشان فتنه
می‌انگیخت و آنکه گوشت خود می‌خورد و غیبت و نمامی می‌کرد و هر کس با گوشتان بد گمان
باشد ایمان در دلش بکمال نرسد بلکه ... هر کس ... از خاک بهتر ساخته و از آن ...
باو مرزای ... جز آتش جهنم باشد و اگر ... با فرعون در جهنم باشد و اگر تازیانه
بر گوسپندی زند خدای تعالی تازیانه از آتش زند و اگر طپانچه زند روز قیامت اعضایش از
هم جدا گشته ... تا به جهنم برود مگر آنکه توبه کند و هر کس
تازیانه یا چوب در دست گیرد و پیش حاکم جابر بایستد خدای تعالی آن را اژدها کند
در آتش ... باشد و روز قیامت بر وی مسلط گرداند خدای تعالی و بوده هر کس
مستغرق شهوات دروغ گردد از رحمت من بی‌نصیب باشد و هیچ کس ... که قسم بغیر
خدای تعالی خورد و قسم بخدای تعالی نیز برای امر طلب سهل اگر چه راست باشد نباید خورد و اگر ...

بگاد

اسراف اجتناب است تعالی ... و هر کس حق مؤمنی را حبس کند و معطل سازد تا خیر نیابد هر برکت
رزق بر او حرام شود و هر که مال دیگری تأخیر کند مثل او مثل غفاری بود و روز قیامت
با نصف مال او اعمال وی را ... از عرق وی ... ادا کند که روایت
عالمی که حق مؤمنی را حبس کند پس چندی روز تأخیر کند پس مالش امروز باید و هر
منتی ادای دین ... باشد ... حرامی بود و همچنین کسی که ترک زکوة کند و
در مهر زن را ... دو کس منت ادای دین ... باشد و ... از جانب پروردگار
گویند که مفلس کسند و ... باشد و اگر ... از ادای دین کوتاهی کنند
ملکین نیز ... در ... کوتاهی کنند و چون که ... خدا گشته شود قطره از دل
در از خون ... گناه ... همه گناهانش ... کرده ... هزار درم ادای آن
با آنکه صاحبش حلال کند یا کسی متعهد خود گیرد و صاحب حق از وی راضی شود و هر صاحب
دینی که طلبکارش ... زمین و ماهی دریا بر وی صلوات فرستند
و اگر ... آنکه قادر باشد هر شبانه روز حق او را حبس کند ظلمی بر او
نوشته شود ... آن است که اگر معتبر باشد حقش را ادا کند و اگر معتبر
باشد ... هر کس ... ظلم کند
بوی بهشت بر او حرام شود و هر کس اجیر را از مزد جمله منع کند ... باشد
... و ... پاک باشد و ... اجیر ... باید ... مروت
در ... باشد ...
...

وارد شده و هر کس شهادت ناحق دهد با منافقان در درک اسفل جهنم بزبانش بیاویزد و هر کس
کتمان شهادت کند خدای تعالی در میان اهل محشر گوشتش را باو بخوراند و زبانش
خورد و سیاه شده باشد تا بجهنم رود و چون کل سورت حکمه است و هیچ بود اگر شد و قدرت
ساق و قدم ببرد و از عبادات محروم شد از آن بیکر و هر چه در آن وقت بسبب ضعف و نقصان
یا به بیان حساب عذاب کنند و هر کس معصیت خالق را اطاعت مخلوق کند
در خدای او چیزی از دین خدا بیرون رود و خدای تعالی چنان کند که هر کس حج بخشش
بیکر و نه بیش کند و مومن گناه کند بهتر است از آنکه بعد و عبادت عجب دارد
که چنین بودی خدای تعالی هرگز مومن را بگناه مبتلا نکردی و حضرت امام علیه السلام
فرمود عابدی و فاسقی با هم بمسجد رفتند و چون بیرون آمدند عابد فاسق و فاسق صدیق
بود زیرا که عابد بعبادت خود مغرور و معجب و فاسق از معصیت خود ترسان و پشیمان بود
و استغفار مینمود و نیز فرمود عالمی از عابدی پرسید که عبادت تو چون است گفت کسی از
مثل منی سوال عبادت کند من چندین سال است عبادت میکنم پرسید گریه ات چون است
گفت بسیار گریه میکنم گفت اگر خندان و ترسان می بودی بهتر از آن
بود که معروف و گریان باشی چون بعد خود معروف و از خود راضی باشد هیچ عمل از او
مقبول نشود این بود که بعضی سعی در زیادتی آن و بعضی نیز در قبول آن که گذشت
و بعضی نیز در باب حقوق اخوان را باید نمود بالله برحمة الله تعالی جمیعها و در روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام هر علتی را دوایی است و دوای ذنوب استغفار است
و استغفار بهترین دعاهاست گناهان را میریزد مثل برگ از درخت هر کس استغفار بسیار کند
نامه عملش نورانی و درخشان بالا برند خوشحالی از او در قیامت در نامه عملش دارای

ار گناه

هر گناه هم استغفار باید کرد که حضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض نمود که مرا چیزی تعلیم فرمای که چون
بآن عمل کنم در دنیا و آخرت با شما باشم فرمود اما از بسیار کردن و لیکن استغفار
هر روز [illegible] و از همه آن ایشان علیهم السلام مروی است که هیچ شفیعی بهتر از توبه نیست کسی که از گناه
توبه کند چنان است که گناه نکرده باشد و کسی که توبه نصوح کند یعنی بعد از توبه دیگر
رجوع بگناه نکند و اگر باز خطای صادر شود باز توبه کند و هر گناه مصر باشد خدای تعالی
او را دوست دارد و برحمت خود بپوشد و گناهانش را از یاد ملکین بیرون برد با عضای
و بلاد که گناه کرده امر فرماید که گناهانش را پوشیده دارد تا روز قیامت هیچ
چیز شهادت بر گناه او نه دهد و اگر بر گناه مصر باشد و ترک نکند و استغفار کرده باشد
چنان است که بخدای تعالی استهزا کند و خدای تعالی نعمت بتوبه کننده آن
عطا فرموده که اگر یکی از آن را بتمام اهل آسمان و زمین عطا فرمودی بهمه کفایت می نمود
یکی آنکه ایشان را دوست داشته و هر کس خدا دوست دارد عذاب نکند دوم ملائکه
و حمله عرش را فرموده برای ایشان استغفار کنند و دعای ایشان را اجابت
فرماید سیم آنکه وعده فرموده سیئات ایشان بحسنات بدل فرماید و هم ایشان [illegible]
روایت که هر کس را گناهی سر زند [illegible] از ملائکه کاتبین شمال گناه
و آن را ثبت نکند گناهش را امید که بخواهد [illegible] حق و اگر نه باشد و هر کس
کند بس در دل از خدای تعالی بترسد [illegible] است بعقوبت گناهانش
[illegible] از آنکه استغفار کند و چون کسی گناه کند [illegible] اگر پشیمان شود
اگر چه بعد از [illegible] باشد باید که استغفار کند امر آنکه شود و چون گناه کند
[illegible] کند حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود که گناه باشد

کرده ای حق تعالی ملائکه بنده را اجابت بر دیگری رسیده با حضرت چون او گوید که گناه او حجت باشد
نبود که گناه کرده و پشیمان شود و همیشه ترسان بود و با خود دشمن شود و خود را عتاب و توبیخ
کند پس خدای تعالی بر او رحم فرماید و به بهشت برد و از امامان علیهم السلام مرویست
که هر چیزی را کیل و وزنی هست مگر گریه که یک قطره اشک دریاهای آتش را فرو نشاند
و اگر در میان امتی گریه کند خدای تعالی برای او بر آن امت رحم فرماید و اگر دیده ای پر آب
شود غبار مذلت بر آن ننشیند و اگر روان شود حق تعالی بدن او را بر آتش
حرام کند و هر قطره مثل کوه احد اجر داشته باشد و هر قطره در بهشت چشمه آب
عطا فرماید که در اطراف نهرها و قصرها باشد که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوش نشنیده و
بر خاطر هیچ کس خطور نکرده باشد و هیچ قطره پیش خدا دوستتر از دو قطره نیست قطره خونی
که در راه خدا بریزد و قطره اشکی که در شب تاریک از ترس او بریزد و هر چشمی روز
قیامت گریان شود مگر سه چشم چشمی که از ترس خدا گریسته و چشمی که در طاعت او
بخوابی گشته و چشمی که از حرام پوشیده باشد چشمی که از ترس خدا بگرید نشستنگاه او در
رفیع اعلی باشد و هیچ کس با ایشان در آن شریک نبود و حضرت پیغمبر صلعم بحضرت امیر
علیه السلام فرموده یا علی چهار چیز از رحمت است شکستگی دل و از حرام دوری
ترس خدا گریه بسیار کن که هر قطره هزار خانه در بهشت عطا فرماید و ایضاً از ایشان
علیهم السلام مرویست که اگر کسی شبانه روزی چهل گناه کبیره از او صادر شود و بگوید استغفر الله
الذي لا اله الا هو الحي القيوم بديع السموات والارض ذو الجلال و
الاكرام واسئله ان يصلي على محمد وآل محمد وان يتوب علي
گناهانش آمرزیده شود و خیری نیست در کسی که روزی زیاده از چهل کبیره کند و اگر هر روز

مرتبه

هر مرتبه استغفر الله گوید هفتصد گناه آمرزیده شود و کسی که هر روز زیاده از هفتصد گناه
کند خیری در او نبود و نیز روایتست که هر کس بگوید أَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ گناهانش آمرزیده شود اگرچه فرار از جنگ
نموده باشد یعنی از جهاد گریخته باشد که اعظم کبایر است و نیز روایتست که هر کس بگوید
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ خدای تعالی فرماید ای ملائکه
بنده من میداند که گناهان را غیر از من کسی نمی‌آمرزد گواه باشید که او را آمرزیدم و
در روایتست حضرت پیغمبر صلعم از بسیاری گناه شکایت کرد فرمود که بسیار کن که گناه را
میریزد چنانکه باد برگ را از درخت و روایت دیگر آنست که بسبب آن خطیه محو شود و درجه
بلند گردد و در روایتست که کسی در حضور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت استغفر الله آنحضرت
فرمود مادرت بر تو بگرید هیچ میدانی استغفار که راست استغفار را شش شرط دارد اول
آنکه از کرده پشیمان شوی دوم آنکه عزم داشته باشی که دیگر رجوع نکنی سیم آنکه حقوق
مردم را ادا نمایی تا آنکس را نزد تو مظلمه نباشد چهارم آنکه هر فریضه را در آن
تقصیر کرده قضا کنی پنجم آنکه گوشتی را که از حرام در بدنت رسته بغم و اندوه بگدازی
تا پوست به استخوان بچسبد و از آن گوشت تازه بروید ششم آنکه بدن را
الم و مشقت طاعت بچشانی چنانکه لذت و راحت معصیت چشانیده‌ای چون باین شرایط
عمل کنی استغفار کرده باشی باید دانست که اگر حق الناس باشد استغفار و توبه تنها کافی
نبود چنانکه چند حدیث در فصل سابق گذشت و فرموده‌اند که مال مردم در گردن آدم

داند که هرگاه شیاطین حقیقی اهریمنان و هرگاه المنتبکی از جانب او تصدیق کی و نیز کسی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که اگر کسی جاریه دیگری را تا کند ... فرمود والله دیگران این عمل نکنند
و از صاحب جاریه ... التماس کنند که او را اصلا نباید کرد اگر حلال نکند چون
باشد فرمود زانی و خاین باشد گفت بجهنم خواهد رفت فرمود شفاعت پیغمبر صلی الله علیه و آله و شفاعت
ما بهمه گناهان شامل است اما کسی که به شفاعت ما نمیرسد چون کسی این عمل کند و آنکه تا الم
عذاب چشیده شفاعت او را در نیابد و امثال این احادیث بسیار روایت شده
و نیز روایت کرده اند که اگر کسی ظلم کرده برای مظلوم استغفار و طلب آمرزش کند
کفاره آن باشد و اگر کسی را غیبت کرده باشد هر مرتبه که بخاطر رسد برای او استغفار
کند کفاره آن باشد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که کسی را طلب آمرزش کند
و دستش بان نرسد بهتر است هر گناه که ... تو به فارغ باشی و لا حول و لا
قوة الا بالله العلی العظیم در فضیلت نظافت از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
روایت کرده فرمود پاکیزه شوید بهر چه میتوانید که حق تعالی دشمن دارد کثافت
و بوی بد را و نیز فرموده شستن جامه ... دو جامه را از برای نماز پاکیزه ... از
حبث طاهرین صلوات الله علیهم روایت کرده اند که پاکیزه ... از جمله اخلاق
انبیا است فصل دوم در آداب حمام رفتن و آنچه در آنجا باید بجای آورد از
اهل بیت عصمت علیهم السلام روایت کرده اند چون داخل حمام شوی پای چپ را اول بگذار و بسم الله
بگوی و بگوی اعوذ بالله من الرجس النجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم
و هرگاه که در حمام یا غیر حمام کسی از شستن و بر خواستن و غیر آن هرچه باشد بسم الله بگوی

ما را از شر

ما را از شر شیطان الرجیم بری و در وقت غروب آفتاب و پایان نماز شام و خفتن بحمام
نباید رفت که شیاطین در این دو وقت در زمین متفرق باشند و چون خواهی جامه
بیرون کنی بگوی اللهم انزع عنی ربقة النفاق وثبتنی علی الایمان و باید از رستن تا عورت
پوشیده شود از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله منقول است که هر کس ایمان بخدا و روز جزا
دارد باید بی ازار داخل حمام نشود و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده
که چون برهنه شوید عورت را بپوشید تا شیطان نظر نکند و طمع ننماید و چون بخانه
اول حمام روی بگوی اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی واستعیذ بک
من اذاه و چون بخانه دوم روی بگوی اللهم اذهب عنی الرجس النجس
وطهر جسدی وقلبی و قدری آب گرم بر سر خود و قدری نیز بر پاهای خود بریز و اگر توانی
جرعه بنوش که مثانه را پاک سازد و طراوت جمال بیفزاید و الم را از بدن بیرون برد
و در این خانه توقف کن و چون بخانه سیم روی بگوی نعوذ بالله من النار
ونسأله الجنة و تا هنگامی که در حمام باشی مکرر همین را بگوی و در حمام آب سرد
ننوشد که معده را فاسد گرداند و سنت است بعد از بیرون آمدن ... دو پای خود را بشوید
حرام باشد و فوطه حمام را روی ... آب او ... و گل سرشوی ... که حضرت و
دیوث کنند و در حرف ... نظر ... لعنت ... باکسی که ... و در ... ان
باشد نزد ... حرام باشد ... شک ... و بدن را ... و
... پاک کند و دیگر ... بجام ... بدن را ... کنند ... اوز ... غلتن
... باشد و فوطه ... از آن ... عورت پوشیده باشد ... در دستمال

با آب سرد و گرم در آب سلاکه باشند و چون خواهد به حمام رود دانه‌ای چند از حنظل تناول کند که صفرا و حرارت
و قبض نکند اما شکم پر نباشد و مزاج و بدن ضعیف نکند و گاه باشد که بیم هلاک باشد و
و نظر بر عورت مسلمانان نکند و فوطه نگشاید [illegible] مردم عورت او را ببینند و آن [illegible] دو
معول باشند و هر کس نظر بر عورت مسلم کند هفتاد هزار ملک لعنت کنند و زن نباید که در حمام
نرود که مبادا عورت او را ببینند و در حمام سواک نکند که دهان [illegible] ضعیف [illegible] و در وقت نمود
مستحب است از هم نهادن و تا که بسیار در آن [illegible] وارد شد شیطان را دور کند و آب
و امراض و دفع نماید و بدن از کثافت و چرک و بوی بد پاک گردد و از جمله احادیث
و سنت است که هر دو هفته نوره بکار برد و یک هفته سر را و زیر بغل را [illegible] باشد
قرض کند و ادای آن قرض به خدای تعالی است و زیاده از یکماه ترک نوره نباید
کرد که فضل و ثواب آن بسیار کم شود تا آنکه [illegible] بکند جایز شود و در حدیث آمده که
هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی ظهار [illegible] بیشتر نگذارد و در روایت دیگر
آمده که هر کس ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی ظهار را بیش از چهل روز نگذارد
زیاده از بیست روز نگذارد و زیر بغل بهتر است و اگر نوره نگذارد فضیلت باشد و گویند
آن چشم را ضعیف کند و موی بغل را دراز نکند که شیطان در آن پنهان
و چون خواهد نوره بکار برد اول [illegible] که نگذارد و گوید
اللهم ارحم سلیمان بن داود کما امرنا بالنوره تا بدن [illegible] و چون نوره گذارد
دعای عظیم دارد گوید پاک گرداند خدای تعالی او را و دنیا از گناه [illegible] و گناهها
و میل کند موی او را [illegible] که گناه نکند و [illegible] او باشد فرشته بیا فرد

امام رضا

که خدای تعالی از تسبیح کند تا روز قیامت و ثواب آن به او رسد [illegible] و هر یک تسبیح
برابر است با هزار تسبیح اهل زمین و آسمان و چون نوره در بدن باشد بسیار بگوید لا حول و لا
قوة الا بالله که بدن [illegible] و روز چهارشنبه نوره [illegible] و بیم برص باشد
و روز جمعه نیز در حدیث آمده که نوره [illegible] شود اما در حدیث دیگر آمده که روز
جمعه روز طهور است و کدام طهور بهتر از نوره است و در حدیث دیگر آمده که بعد از نوره حنا
بر بدن مالد و دفع [illegible] آن کند و چون نوره در بدن باشد نشاید نشستن که علت فتق
بهم رسد و بعد از نوره تمام بدن را از سر تا پا حنا بمالد و روایت است که باید حنا بعد از نوره
و دفع [illegible] و جذام کند و بوی عرق ببرد و رفع علت [illegible] نماید و [illegible]
[illegible] رحمت [illegible] در هر عضو [illegible] گوشت آن عضو [illegible]
[illegible] امام علیه السلام [illegible] مستحب است
و در حدیث است [illegible] موی [illegible] که چرک و شپش کم شود و آن قوی گردد
و چشم جلا یابد و جمال بیفزاید و روایت [illegible] باید و بگوید بسم
الله و بالله و علی ملة رسول الله صلی الله علیه و آله اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة و چون فارغ
شود بگوید اللهم زینی بالتقوی و جنبنی الردی و در حدیث [illegible] باخطمی سر بشوید امان است از
درد [illegible] و دفع [illegible] کند و روزی زیاده شود و کثافت پاک کند [illegible]
و هر کس در روز جمعه شارب بگیرد و ناخن بچیند و سر بخطمی بشوید همچنان است که بنده
آزاد کرده باشد و با هر کسی [illegible] بگوید که [illegible] بگیرد و روزی بیفزاید و خدای تعالی [illegible]

روز وسوسهٔ شیطان از او دور گردد و هر کس کلاه نمد بپوشد بهتر است و دو چیز از حمام بیرون آید
است سر و برهای ابزی(?) که گرفت و مانند کی را ازهم بیرون کند و سر را بپوشد خواه زمستان
و خواه تابستان امان است از درد سر و چون جامه بپوشد بگوید اللهم البسنی لباس التقوی و جنبنی الردی
اول پیراهن بپوشد و چون زیر جامه بپوشد بگوید اللهم استر عورتی و آمن روعتی و اعفف فرجی ولا
ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا ولا له الی ذلک وصولا فیصنع لی المکاید و یهیجنی
لارتکاب محارمک و ایستاده زیر جامه نپوشد که موجب غم باشد و رو بقبله و دو زانو بپوشد
و چون عمامه بر سر نهد یا کلاه بر سر گذارد بگوید اللهم سومنی بسیماء الایمان و توجنی بتاج
الکرامة و قلدنی حبل الاسلام ولا تخلع ربقة الایمان من عنقی و چون کسی را از حمام بیرون آمده
باشد تحیت کند بگوید طهر ما طاب منک و طاب ما طهر منک و اگر جواب تحیت گوید
بگوید انعم الله بالک و در فضیلت شارب گرفتن و ناخن چیدن امان است
از درد دندان و پیسی و جذام و دفع پریشانی کند و روز پنجشنبه و تا جمعه و یکی را بگیرد باشد
و اگر ناخن دراز نباشد هم کارد بساید روایت شده که شخصی بحضرت امام جعفر صادق
علیه السلام گفت مرا روایت می‌کنند که بعد از نماز صبح برجای خود نشستن تا طلوع آفتاب
بهتر است برای آبادی روزی از سفر رفتن و تجارت کردن فرمود ناخن و شارب گرفتن
در روز جمعه بهتر است روایت شده که چند روز وحی بحضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله نمی آمد
اصحاب از سبب آن سؤال کردند فرمود چون وحی نازل شود که شما مسواک نمی‌کنید و ناخن
نمی‌گیرید و بند انگشتان را از کثافت پاک نمی‌کنید و روایت شده که پنهان کردن ناخن و موی
شیطان در آن پنهان شود و می اولو کند زیر ناخنها است و ناخن دراز قوت شیطان است

دارالعزوه

و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که هر کس شارب نگیرد از ما نباشد و شارب دراز مکنید که شیطان در آنها
پنهان شود و ناخن و شارب گرفتن در روز شنبه و پنجشنبه امان است از درد دندان
و درد چشم و ناخن چیدن روز جمعه امان است از پیسی و [illegible] است ناخنها و در روز
پنجشنبه از درد چشم و اگر روز پنجشنبه ناخن بگیرد و یکی ناخن را برای روز جمعه بگذارد فقر
و پریشانی از وی دفع نماید و در روایتی آمده که روز سه‌شنبه حجامت کنید و جمعه بوی خوش
بکار برید و کسی پرسید از حضرت صادق علیه السلام که مردم میگویند ناخن و شارب در روز
جمعه باید گرفت فرمود سبحان الله هر روز که خواهد بگیرید چه پنجشنبه باشد یا روز دیگر و مردان
ناخن را از بیخ بگیرند و زنان اندکی بگذارند روایت شده که برای زینت ایشان بهتر است
و هر کس روز جمعه ناخن و شارب بگیرد و بگوید بسم الله و بالله و علی سنة محمد صلی الله علیه و آله
هر ریزه ناخن و موی که جدا شود بهمان است که بنده را آزاد کرده باشد و هیچ بیماری بگرد
بیماری که منجر بمرگ شود باو نرسد و هر کس روز چهارشنبه ناخن بگیرد و ابتدا از انگشت کوچک
راست کند و ختم بانگشت کوچک چپ کند درد چشم نکشد و از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است
در ناخن چیدن ابتدا از انگشت سبابه راست کند بهتر است بعد از آن انگشت کوچک
و پهلوی او و همچنین تا ختم بانگشت بودن است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه روایت است اول انگشت کوچک راست و بعد از آن انگشت میان بعد از آن انگشت بزرگ
و بعد از آن انگشت کوچک بعد از آن سبابه دست چپ اول انگشت بزرگ بعد از آن
میان بعد از آن کوچک و سنت است شارب را بسیار گرفتن تا آنکه برابر لب شود و ریش
را بسیار بلند نکنند روایت است مجوسان شارب را گذاشتند و ریش را بتراشیدند

عکس آن کنند تا با یهود و نصاری مشتبه نباشند و آنکه مشهور است مستحب است بکتیفه برای ریش اصل این از احادیث
معلوم نیست بلکه در حدیث همین قدر است که زیاده از یک قبضه نباشد که زیادتی در آتش است
و موی سفید را از ریش کندن مکروه است و روایت شده که موی سفید در اسلام نور است در روز
قیامت و کوتاه کردن موی بینی جمال می‌افزاید و کندن چشم را ضعیف کند و سنت است دفن کردن
ناخن و مو و از هر جا که باشد و خون در خاک   در فضیلت خضاب و آنچه مستحب است بدان
از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم روایت است که یک درهم صرف خضاب نمودن افضل است
از هزار درهم که در راه خدا صرف نمایند چهارده خصلت در خضاب است باد را از دماغ ببرد
و تیرگی چشم را جلا دهد و دماغ را خوش کند و بوی دهن خوش کند و گوشت دندان را محکم
کند و بیماری و لاغری ببرد و وسوسه کم کند و ملائکه خوشنود شوند و مؤمنان را خوش آید
و کافران غمناک گردند و زینت بیفزاید و خوشبوی باشد و او را از عذاب قبر ایمن بود و نکیر و
منکر از آن شرم دارند و در روایت دیگر آمده که آبروی بیفزاید و باه را قوت دهد و زنان را
نیکو کند و خضاب کردن ریش کفار نور است و اسلام نور و اسلام ایمان و اجر بسیار
دشمنان و محبت زنان باشد و سنت است در زنان سر را خضاب کنند و حنا بسته‌اند که
دست ایشان باید از خضاب خالی نباشد اگر چه همین باشد که بدن را نهایت باشد خواه شوهر
داشته باشد برای زینت و اگر نداشته باشند یا پیر باشند برای آنکه دست ایشان شبیه به دست
مردان نشود اما استحباب خضاب برای مردان حنا که مشهور است از احادیث معلوم نیست
بلکه از بعضی احادیث استشمام کراهت آن می‌شود چنانکه از حدیث مذکور و حدیث دیگر آمده است
شده که مردی دست‌ها را خضاب کرده بود نزد یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رفت حضرت

فرمود

فرمود که خدا را نشاید که دست را با این رنگ ملون کرد پس آن خوشش می‌آید گفت پس فرمود پس آن چه زینت را
که چنین کردی و حضرت حایض را نشاید که خضاب کنند تا شیطان بر ایشان دست نیابد به
در فضایل شانه کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت
است دو موی سر یا نگاه دارید یا پاکیزه نگاه دارید و هر وقت نماز سنت است شانه کردن ریش
و دندان را محکم کند و بسیار شانه کردن سر تب ببرد و روزی بیفزاید و قوت جماع را
زیاده کند و شانه استخوان شانه کردن تب ببرد و سر را با استخوان شانه کردن موی سر
ببرد باید و کرم دماغ ببرد و نشسته شانه کند که قوة دل باشد و ایستاده ضعف دل آرد و شانه
کردن بعد از هر وضو پریشانی ببرد و چون سر و ریش را شانه کند به سینه فرود آرد و دیگری
و اندوه ببرد و چون هفتاد مرتبه شانه بر ریش زند و یکیک بشمارد و چهل روز شیطان نزدیک او
نشود شانه را به دست راست گیرد و بگوید اللهم سرح عنی الهموم و الغموم و وحشة الصدور و وسوسة
الشیاطین و سوره الم نشرح و قل هو الله احد بخواند و چون فارغ شود بگوید سبحان من زین
الرجال باللحی و النساء بالذوائب   در فضایل سرمه کشیدن و آینه گرفتن و آداب
آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت است که سرمه کشیدن در روز زینت است و در شب
چشم را نافع باشد و وقت خواب امان است از نزول آب چشم و دهن را خوشبو کند
و تنقیه چهل روز شبانه و هر که ایمان به روز قیامت دارد سرمه بکشد و سنگ سرمه چشم را جلا
دهد و موی مژگان برویاند و قوت دهد و رطوبات زائل کند و آب دهان خوشبو کند و قوة
باه بیفزاید و چشم که ضعیف باشد در وقت خواب هفت میل سرمه بکشد چهار میل در چشم راست

و سینه و چپ چون بر ریش کشد بسم الله بگوید و این دعا بخواند اللهم انی اسألک بحق محمد و آل محمد ان
تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل النور فی بصری و البصیرة فی دینی و الیقین فی قلبی و الاخلاص فی
عملی و السلامة فی نفسی و السعة فی رزقی و الشکر لک ابدا ما ابقیتنی مستحب است نظر در آینه
کردن که اگر اثری در رو باشد دفع کنند تا در نظر مردمان مکروه ننماید و چون در آینه نظر
کند و دست بگیرد و بسم الله بگوید و دست چپ بگیرد و چون نظر در آینه نظر کند دست
راست بر سر و روی بکشد و بگوید الحمد لله الذی خلقنی و صورنی فاحسن صورتی الحمد لله
الذی زان منی ما شان من غیری و اکرمنی بالاسلام و اگر خواهد بگوید اللهم کما
حسنت خلقی فحسن خلقی و رزقی و چون آینه را از دست بگذارد بگوید اللهم
لا تغیر ما بنا من نعمک و اجعلنا لانعمک من الشاکرین
در فضیلت مسواک کردن و آداب آن از اهل بیت طاهرین صلوات الله علیهم روایت
است که مسواک دوازده خصلت است سنت انبیاست علیهم السلام دهان را پاک کند و چشم را جلا
دهد و خدا را خشنود کند و دندان سفید کند و بیخ دندان محکم سازد و گوشت اطراف دندان را قوت
دهد و اشتها آورد و بلغم دفع کند و قوت حافظه بیفزاید و حسنات را مضاعف کند و ملائکه را
خوش آید و مستحب است هر وقت وضو و نماز مسواک کردن لا اقل یک مرتبه و دو رکعت با مسواک
افضل است از هفتاد رکعت نماز بی مسواک و مسواک پیش از آن خشک نگردد و اگر بعد از آن
سه مرتبه دهن را بشوید و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه مرتبه مسواک میزد و وقت خوابیدن و
چون از خواب بیدار میشد برای عبادت ... و فرمود که اگر بر امت شاق نبود هر آینه ... و مسواک

اگر

است و در وقت خوابیدن نیز از خود جدا نکنند و مسواک را بعرض دهان استعمال نمایند و در حمام
مستحب نیست مسواک کردن که مورث بوی دهان باشد از اهل بیت طاهرین علیهم السلام بالتواتر
منقول است از ایشان که بعد از معرفت هیچ عملی از عبادات بهتر از نماز نیست و چون بنده مشغول نماز شود خدای تعالی
متوجه جانب او شود و از اطراف آسمان تا اطراف او رحمت الهی فرو گیرد و ملکی ندا کند و گوید
ای بنده اگر بدانی که با که مشغول راز گفتنی اگر بدانی که کیست که متوجه تو شده هرگز به کسی دیگر التفات
نکنی و یک نماز بهتر است از هزار حج و هر حج بهتر است از تمام دنیا و هر چه در او است
از نعمتها و زینتها و نماز در میان عبادتها مانند ستون خیمه است که اگر محکم و بر جای باشد
پرده ها و طنابها و میخها همه برقرار و خیمه برپا باشد هر چند کهنه و زبون باشد و اگر ستون بر جا
نباشد فرو شکسته یا به خیمه درهم ریزد و قرار نگیرد هر چند پاکیزه و نو باشد و هر مؤمن که از
وظیفه ای برای آن بعد از گفتن شیعه ملائکه در پشت او نماز کنند و برای او دعا کنند
تا از نماز فارغ شود و خدای تعالی فرشته ای است که هر وقت نماز از خدای تعالی ندا کند که برخیزید ای
نماز کنندگان پس چون وقت صبح شود و مردمان برخیزند و وضو سازند و نماز صبح گذارند ندا از آسمان
برسد که ... گیرد و در آن به آتش که برافروخته اید ... که حق تعالی با شما ای بندگان من
در پناه خود ... و حفظ و حمایت خود دارم ... و چون وقت ظهر شود ... و نماز ظهر گذارند ... با شما
... نماز ... بنده گان من ... و ... حلال
جای داده و چون وقت عصر رسد و خود کنند و نماز عصر گذارند ... آتشی ... با
گیرد که ... گناهان ... حرام ... کن

کواهی دهیم و شفیعان او شویم و چون وقت سلام رسد و هر که در دل این کذراند برکات ایشان
این مضمون کیرد که ای خدای جبار [illegible] سوال ای بنده کان من و شفیعان از بس [illegible]
حقیقت برمن که شما را حق کذاردند و از قیامت ار زوای [illegible] سلام و چون خلایق
در آیه و صوف [illegible] و نماز خلایق کذارند برکات ایشان با مضمون کیرد که ای خدای معبود
غیر من نیست و پرورد کار سوای من نیست ای بنده کان من در خانهای خود و فرزند و
وخانه من آمده و مشغول عبادت من کردید و دست از حرفه خود کشیده [illegible] و بیدای ملک
و سایر ملایکه همه کواه باشید که من از ایشان راضی شدم و هر یومی نماز فریضه ادای او که
ثواب او را اداء ... باشد و هر وقت نماز فریضه را که نمازکذار ادا کند و کوید ای مردمان هرچه
در خزینه ... آتشها که از کناهان بر دوش خود نهادید و چون وقت نماز کذارد
از کناهان پاک شود و هر کس نماز در وقت خود کذارد و محافظت بر وضو دارد کناهان آن
آن نماز را از دوش او دور کند با آتشها بر خیزد و او را کشد و کوید خدای تعالی [illegible] محافظت
نمودی ضایع نکردی خدای تعالی ترا محافظت کند و ضایع نکرداند و اگر بی وقت
کذارد و محافظت آن نکند سیاه و ظلمانی بر کرد و کوید مرا ضایع کردی خدای تعالی
ترا ضایع کرداند و هر کس استخفاف نماز کند و وضو و ارکان آن را ضایع کند از
حوض کوثر بی نصیب و از شفاعت اهل بیت علیهم السلام محروم باشند و حضرت رسول صلعم
روزی در مسجد بود مردی آمد و نماز بشتاب کذارد و رکوع و سجود را تمام نکرد و حضرت
فرمود این مرد مانند کلاغ دانه میچیند اگر با این نماز بمیرد بر دین من نباشد و هر کس نماز را
با تأنی و بشتاب کذارد و ضد ارکان را کوید ملایکه بهشتی این بنده مرا الحال وارد حاجت
درست دیکر است هرکس از دستان بشتاب عبادت من می کند و بلیه این دو حاجتش را
[illegible]

کرمشوانه برادر و هر کس ترک نماز کند کافر باشد و دین اسلام از او بیزار شود و افضل همه کارها
نماز جمعه است و بر هر مسلمی واجب است مکر بر پنج کس رابعی و مملوک و مسافر و زنان و طفل
نابالغ و در بعضی روایت زیاده بر این چهار کس دیکر ذکر است اعمی و پیر عاجز و مجنون و کسی
که از منزلش تا مسجد زیاده از دو فرسخ دور باشد و حضرت پیغمبر صلعم فرموده خدای تعالی نماز جمعه بر شما فرض
کردانیده پس هر کس آن را از روی انکار یا استخفاف ترک کند و امام عادل داشته
باشد و در ایام حیوة یا بعد از حیات من خدای تعالی جمعیتش را پریشان کند و در احوالش را
نظام ندهد ولی را بایشان باشد که وانه و ... ندارد و ... و حج و هیچ کار خیری
از او مقبول نباشد تا آنکه توبه کند و هر کس سه جمعه پی در پی بی علتی ترک کند منافق است
و کسی را که نام منافق مهر کند و در روز جمعه ملایکه سرنامهای [illegible] ... فقیهای
و لوحهای نور ... و بر در مسجد ... نشینند و نام جماعتی که بنماز جمعه حاضر شوند نویسند
بهتر پس هر کس پیشتر آید پیشتر نویسند و هر کس دیرتر آید عقب تر نویسند و در جمعه بهشت را
آیین بندند و زینت کنند برای جمعی که بنماز جمعه آیند و هر کس زودتر رود زودتر داخل بهشت شود
و هر کس بنماز جمعه رود از کناهان پاک شود و هر قدمی که بنماز جمعه حرکت کند خدای تعالی جسد او را
بر آتش حرام کند و کسی در خدمت حضرت پیغمبر صلعم شکایت کرد و کفت حج اراده نموده ام حج
کزاردن نتوانستم فرمود بنماز جمعه برو که حج مساکین است و امام از آنحضرت صلعم روایت
و هر کس بنماز جمعه حاضر شود و رود بنماز جمعه و در نزدیک امام بنشیند و خطبه را کوش باشد و نظر
نکند و نکوید به امامی که بردارد در نماز دو جمعه در یک سال یا بر همه روز با او
باشد و هم ثواب عبادت کند و ... نماز جمعه کذارد در سبب عبرت و محبت ... ثواب جمعه نماز
جمعه بقیم با وعظ و ... و کسی را ... نیکو است ... با امام بنشیند و کوش بخطبه دارد

و خاموش باشد از آن روز تا جمعه دیگر و زیاده سه روز گناهان او آمرزیده شود و هر که
دو گوش او بجانب وعظ و نصیحت او [illegible] خاموش باشد و گوش کند یک کفل ثواب
داشته و اگر نزدیک نشیند و حرف بزند و گوش نکند دو کفل وزر داشته باشد و اگر دور
گوشه خاموش باشد و حرف زند [illegible] و هر کس حرف زند نماز جمعه اش مقبول نباشد و اما
آنکه مشهور شده که ظهور امام علیه السلام شرط است در اقامت جمعه و بیرون آن که امام
معصوم گشته از ظهور [illegible] عظمی تمسک آن از تقیه شیعیان در زمان خلفای جور
و طغیان ارباب نفاق و عدوان ناشی شده و در حدیث و قرآن هیچ وجه اصلا از آن
بلکه در قرآن و حدیث همه جا امر فرموده اند و احکام آن بغیر آن کس که مذکور شد با آنکه محل
تقیه باشد رخصت ترک نداده اند و اخبار و احادیث اهل البیت علیهم السلام وارد شده که [illegible]
تر وارد گشته و سنت مؤکد است [illegible] از جماعت که از [illegible] یک رکعت با جماعت بهتر است از
[illegible] چهار رکعت بی جماعت که هر رکعت [illegible] عبادت و هر کس [illegible]
آنکه نماز با جماعت کند [illegible] که [illegible] برای او [illegible]
[illegible] و اگر در این حالت بمیرد [illegible]
[illegible] عبادت کننده [illegible] و جزای [illegible] استغفار کننده
[illegible] و هر کس نماز صبح و خفتن را با جماعت گزارد در امان خدا باشد
[illegible] و هر کس [illegible] کرده باشد و هر کس نماز
صبح با جماعت گزارد [illegible] تا طلوع آفتاب [illegible] در جنت [illegible]

[illegible] هر دو [illegible] باشد که [illegible] سال [illegible] و اگر نماز
با جماعت گزارد در جنات عدن [illegible] درجه باشد و [illegible] هر دو درجه [illegible]
باشد [illegible] و اگر نماز خفتن با جماعت گزارد اجر آن داشته باشد [illegible]
از اولاد [illegible] آزاد کرده باشد [illegible] صاحب [illegible] باشد و اگر نماز شام با جماعت گزارد
ثواب حج و عمره مقبول داشته باشد و اگر نماز خفتن بجماعت گزارد [illegible] شب قدر
عبادت کرده باشد و هر کس نماز مغرب و عشا و صبح را در مسجد با جماعت گزارد [illegible]
[illegible] داشته باشد و بهترین صفوف صف اول است و بهترین [illegible] آنکه با امام نزدیکتر
بوده و [illegible] صف اول [illegible] است [illegible] محافظت صف اول [illegible]
[illegible] ثواب [illegible] داشته باشد در دنیا و آخرت [illegible]
[illegible] جانب راست هر صف [illegible] جانب چپ [illegible] فضل جماعت [illegible]
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام منقول است [illegible] عبادت [illegible]
از [illegible] حضرت [illegible] رکعت نماز [illegible]
[illegible] کرده است [illegible] باشد [illegible]
تمام [illegible] باشد [illegible]
[illegible] گناهان [illegible] و موجب وسعت رزق است [illegible]
در دنیا و آخرت و هر کس [illegible] نماز [illegible] باشد [illegible]
رضای [illegible] عبادت کند برای رضای
خدا [illegible] برای [illegible] حسنات [illegible] این بنده [illegible] بعد [illegible]

و گناهی و هر چه از زمین روییده است هر کس شش رکعت عبادت نماید خدای تعالی دعای او را اجابت
نماید و روز قیامت نامه اعمالش به دست راستش دهند و اگر هشت رکعت عبادت نماید خدای
تعالی اجر شهیدی که در راه خدا در حضور رسول شهید شده باشد و به روایت صادق و غیر او چهار ماه
باشد عطا فرماید و او را شفیع اهل بیت خود گرداند و اگر نه رکعت عبادت کند روز قیامت
چون از قبر بیرون آید روی او مانند ماه شب چهارده باشد و همراه کسانی که ایمن باشند از اهوال
آن روز از صراط بگذرد و اگر ده رکعت عبادت کند از جمله آنها باشد که گناهان
گذشته همه آمرزیده شود و اگر پنج رکعت عبادت کند با ابراهیم خلیل علیه السلام در بهشت
همدوش کند و اگر بیست رکعت عبادت کند در اول صف نماز باشد و چون باز شد
از صراط بگذرد و بی حساب داخل بهشت شود و اگر سی رکعت عبادت کند هیچ وسوسه نماند مگر اینکه
الک بگذرد و از هر در بهشت که خواهد درون رود و اگر چهل رکعت عبادت کند
اعمال هزار ... از این طلب ... افضل از آن باشد که اعتقاد کنند
از ... اگر دو هزار رکعت عبادت کند بعد در ریگ بیابان عالج
حسنات باو دهند که کوچکترین الحسنات ده مرتبه بزرگتر از کوه احد باشد و اگر یک
هزار رکعت عبادت کند اکثر ثواب باو دهند که کمترین آن این باشد که از گناهان
پاک شود همچنان روزی که از مادر متولد شده و بعد در حرز خدای تعالی باشد و ... حسنات
برای او بنویسند و درجات بلند گردانند و گناه ... از دلش بیرون کنند و قبر او را نورانی
باشد و از عذاب قبر ایمن باشد و از آتش دوزخ خلاص یابد و در زمره آمنین مبعوث
گردد و خدای تعالی گوید ای ملائکه ببینید این بنده من این شب را برای رضای من احیا داشته
او را در جنت فردوس جای دهید در آن جنت هزار قصر باو دهند در هر قصری ... حور و ل

خواهد و چشم او روشن شود از آن خوشی آنچه بنا کرده اند ... که در آنجا مهیا باشد و مهمانی
کرامت نزد او مهیا است که برای او و خانه که در آن نماز شب کرد از برای ملائکه
آسمان روشن باشد چنانکه ستارگان برای اهل زمین و هر کس شب برخیزد و دو رکعت
نماز بگزارد و به روایت صادق و مسلم و به دل خاشع و چشم گریان نماز کند از ده صف
ملائکه ... که از آنها که یک طرف هر صفی در مشرق و طرف دیگر در مغرب باشد
و عدد ایشان را هیچ کس نداند بغیر از خدا و چون از نماز فارغ شود بعد از آن ملائکه درجات
برای او طلب کنند و ... نماز شب برخیزد و خواب بر او غلبه کند بحیثیتی که از راست
و چپ بیفتد ... خدای تعالی امر فرماید درهای آسمان بگشایند پس
گوید ای ملائکه این بنده مرا که به جهت عبادتی که من بر او فرض نکرده ام ... بنگرید
آنکه گناهانش را ... آمرزیدم ... گواه باشید ...
... و هر کس بعد از نماز ... نشیند و تعقیب بخواند و با کسی سخن نگوید تا آنکه
دو رکعت نماز نافله بگزارد و آن نافله را برای او در علیین ثبت نمایند و ...
بگذارد ... برای او بنویسند و ... فرصت ... قضای آن را بگردد ...
خوش آید و مباهات کند باو ... و گوید ای ملائکه ببینید بنده من عبادتی را که من بر او
فرض نکرده ام قضا می کند گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم و ... حضرت ...
کند و ... شب ... چون نوافل را قضا کند و اهتمام بقضای آن داشته
باشد خدای تعالی بعد از این او را ... و ... رکعت ... دو رکعت

نافلهٔ صبح و هشت رکعت از ظهر و هشت رکعت از عصر و اینهمه یک رکعت بیشتر از فریضه گذارده
شود و چهار رکعت نافلهٔ شام و ایستاده افضل باشد و اگر ایستاده گذارد نه همان دو رکعت
گذارد و این پنج رکعت بعد از فریضه گذارده شود و هشت رکعت نافلهٔ شب و سه رکعت وتر
و دو رکعت را شفع و دیگر رکعت را الف وتر گویند و سیزده رکعت نافلهٔ ظهر و عصر در سفر
ساقط شود اما سایر نوافل در سفر و حضر همه بحال خود باشد و نوافل را در اثنای راه پیاده و سواره
توان گذارد و اگرچه ضرورتی نباشد و رکوع و سجود را به ایما کند و ایما بجهت سجود از رکوع
باشد و نشسته نیز از روی اختیار توان گذارد و اگر خواهد فضیلت ایستاده را بیابد قرائت را
نشسته بکند چون بآخر سوره رسد برخیزد و سوره را ایستاده تمام کند پس رکوع کند همان
فضیلت ایستاده داشته باشد — در فضیلت مسجد و آداب آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
مرویست که یک نماز در مسجد جامع برابر است با صد نماز و در مسجد محله برابر است با بیست و پنج نماز و در مسجد بازار
با دوازده نماز و چون کسی بمسجد رود و بر هیچ موضع قدم نگذارد مگر آنکه آن موضع از زمین
هفتم برای او تسبیح کنند و کسی که در خانهٔ خود طهارت بکند و بمسجد رود از گناهان پاک گردد
و زیارت خدا کرده باشد و حقتعالی بر خود لازم کرده اکرام زایر نماید و هر کس که بمسجد تردد نماید خدای
تعالی یکی از هشت نعمت باو عطا فرماید یا برادر مؤمنی یا علم تازه که بجهت آن بنوده باشد
یا کلمه او را از مهلکه نجات دهد یا ترک گناهی کند از ترس خدا یا از روی شرم و حیا
و بهترین جاها مساجد است و بهترین اهل مساجد آنانند که پیشتر داخل شوند و پس تر بیرون آیند
و مرویست که هر کس اول از اذان در مسجد نشود و نماز نگذارد و بیرون رود منافق باشد
مگر آنکه اراده برگشتن داشته باشد و بهترین مساجد برای زنان خانه‌های ایشانست و صفهٔ خانه
افضلست

افضلست از صفهٔ خانه و صفهٔ خانه افضلست از ایوان و ایوان افضلست از صحن خانه
و صحن افضلست از بام و چون متوجه مسجد شود و از خانه بیرون آید بگوید بسم الله الذی خلقنی
فهو یهدین والذی هو یطعمنی و یسقین تا آخر دعا و چون این بگوید خدای تعالی او را بایمان
و حق هدایت کند و از اطعمه و اشربهٔ بهشت سیر گرداند و کفارهٔ گناهانش باشد و چون
هنگام مرگش شود اسباب موت سهل شود و چون ایشان حیوة ... و هر خطیه که کرده باشد بیامرزد
اگرچه بیشتر از کف دریا باشد و حکمت و علم باو عطا فرماید و بجهای گذشته ... گرداند
مخصوص فرماید و او را از جمله همسایگان حضرت ابراهیم ... در جنت نعیم باو کرامت فرماید
و گناهان بعدد هر قدمی را بیامرزد و چون خواهد داخل مسجد شود کفش را ملاحظه نماید
که نجاست در کفش نداشته باشد و پای راست پیش گذارد و بگوید بسم الله و بالله
تا آخر دعا اما برتر است با هیچ مقبول و اگر اراده نشستن داشته باشد بی طهارت داخل
و در مسجد نشود باید خواند که اگر کسی در مسجد نشیند هزار رکعت نشسته باشد و بگوید فضل الله
فالک یعنی خدای تعالی هفتاد الف شکند و این اند افضل و در مسجد خطیه است
و کفارهٔ آن آنست که دفنش کنند و اگر برای تعظیم مسجد آب دهن و دماغ را فرو برد
خدای تعالی برای او حسنه مینویسد و سیئه محو فرماید و قوت بدنش می‌افزاید و هیچ گونه
علتی نرسد مگر آنکه آنرا از بین گرداند و روز قیامت خوشحال و خندان مبعوث
شود و مجالس ابنای دنیا نسازند و حرف باطل و گفتگوی دنیا نکنند در مسجد جای
عبادت است و جستجوی گمشده نکنند مرویست اگر بگویند لا ردّه الله علیک یعنی
خدای تعالی گمشده ات را بتو نرساند و آواز بلند نکنند و طفل و دیوانگان را ...

از مسجد دور کنند و اگر کسی در مسجد تجارت کند با او بگویند لا اربح الله تجارتک یعنی خدای
تعالی تجارت ترا سود نه دهد و هر کس چراغی در مسجد روشن کند تا روشنی از آن باقی
باشد همه عرش و ملائکه برای او استغفار کنند و هر کسی مسجد را جاروب کند ثواب
آن دارد که بنده آزاد کند و اگر به قدر آنچه در چشم رود خاکی بیرون برد
خدای تعالی دو کفل از رحمت با و دهد و اگر روز پنجشنبه یا شب جمعه جاروب کند
و لیکن ریزه را در چشم کسی نکند که خاک بیرون برد گناهانش آمرزیده شود و چون
خواهد از مسجد بیرون آید بر در مسجد بایستد و بگوید اللهم دعوتنی فاجبت دعوتک
وصلّیت مکتوبتک وانتشرت فی ارضک کما امرتنی فاسئلک
من فضلک العمل بطاعتک واجتناب سخطک والکفاف
من الرزق برحمتک و در بیرون آمدن پای چپ را پیش گذارد و دوم چون بگوید
و صلوات بر پیغمبر و اهل بیتش فرستد و بگوید اللهم اغفر لی وافتح لی ابواب
فضلک در فضایل تعقیب و کیفیت آن از اهل بیت طاهرین علیهم السلام روایت که هر کس
بعد از نماز فریضه تا وقت نماز دیگر تعقیب کند او مهمان خدا باشد و حق است بر خدا که
مهمان خود را اکرام فرماید و تعقیب خواندن بعد از نماز و بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب
برای وسعت رزق بهتر است از سفر و تجارت کردن و بسیاری ... و دیگر آمده است
رزق و تجارت و غیر آن و تعقیب خواندن بعد از فریضه افضل است از
نافله گزاردن و ظاهر امر او آن نافله غیر ... باشد و هر کس بعد از نماز صبح
سبحان ... بخشید و تا طلوع آفتاب تعقیب بخواند خدای تعالی او را از آتش دوزخ ...

گناهانش آمرزیده شود و چنان باشد که زیارت حضرت رسول صلعم کرده باشد و اگر ...
نشیند که جانب ... شود و هر دو رکعت یا چهار رکعت نماز بگزارد و گناهان گذشته اش آمرزیده
شود و ثواب حج داشته باشد و اگر بعد از نماز شام نگوید و حرف نزند تا آنکه دو رکعت نافله
بگزارد آن نافله او در علیین ثبت شود و اگر چهار رکعت بگزارد ثواب حج مبرور برای او ثبت
کنند فضل تعقیب بعد از فریضه بر تعقیب بعد از نافله مثل فضل فریضه است بر نافله و در وقت تعقیب
روی به قبله باشد و حرف نزند که هر چه نماز فرو گذارد به تعقیب جبر کند مگر آنکه امر ...
باشد و حرکت ... و هر چه با وضو باشد در تعقیب این بود بیان فضایل تعقیب بر سبیل
اجمال و اما آداب آن اما تعقیب و کیفیت آن چنان است که مروی است از اهل بیت
طاهرین علیهم السلام هر کس بعد از سلام نماز دست بردارد و سه مرتبه الله اکبر بگوید
بعد از آن بگوید لا اله الا الله وحده وحده انجز وعده ونصر
عبده واعز جنده وهزم الاحزاب وحده فله الملک وله
الحمد یحیی ویمیت وهو علی کل شیء قدیر ... بسیار ثواب دارد
تسبیح حضرت ... سلام ... باشد و هر کس بعد از نماز فریضه تسبیح
حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بگوید بعد از آن بگوید لا اله الا الله گناهانش
آمرزیده شود و در روایت دیگر آمده است که ...
تسبیح بگوید و بعد از هر نماز ... گفتن این تسبیح بهتر است از آنکه هزار رکعت
نماز گزارد و هر کس این تسبیح را بر خود لازم کند ... روایت که ...

بهتر از این می بود و شغل هم داشت آن را بحضرت فاطمه زهرا علیها السلام عطا می فرمود و کثرت ذکر تسبیح
از خاک تربت امام حسین علیه السلام باشد که از نسبت شیعیان است و اگر با ذکر گرداند بعدد
هر دانه چهل حسنه نوشته باشد و اگر عبث و بیکار بگرداند بعدد هر دانه بیست حسنه دارد
و اگر در اثنای ذکر از فراموش کند و همان تسبیح بگرداند باشد تو زبان ذکر از آنست
باشد و در روایت دیگر آمده که اگر با تسبیح از آن تربت مبارک استغفار کند هر استغفاری
هفتاد مرتبه مضاعف شود و اگر در دست گیرد و تسبیح نکند هر دانه هفت مرتبه وارد است دیگر
آمده که هر کس این تربت مقدس را تسبیح کند چهارصد حسنه برایش نویسند و چهارصد سیئه محو
کنند و چهارصد درجه بلند گردانند و چهارصد حاجتش برآرند و نیز در روایت که هر کس
با این تربت مطهره مستحبات را بگوید به هر دانه شش هزار حسنه ثبت کنند و شش هزار
سیئه محو کنند و شش هزار درجه بلند گردانند و شش هزار شفاعت عطا فرمایند و در روایت
از شیعیان ما از چهار چیز مستغنی نباشند حصیری که جای نماز باشد و انگشتری و مسواک و تسبیحی
از خاک قبر حسین علیه السلام سی و سه دانه باشد و در روایت دیگر آمده سی و چهار دانه و در حدیث آمده
دارد که با دانه بودن مراد باشد و هر کس بعد از انگیختن از موضعی که نشسته برخیزد و اندر آخر
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو الجلال والاکرام
واتوب الیه حق تعالی گناهانش را بیامرزد اگرچه بقدر کف دریا باشد و اگر کسی
از آنکه از جای خود برخیزد ده مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا
الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ
صاحبة ولا ولدا چهار هزار هزار حسنه برای او ثبت شود و چهار هزار هزار

سیئه

سیئه از او محو گردد و چنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن نموده باشد و اگر بعد از هر نماز بگوید اعوذ
بوجهک الکریم وعزتک التی لا ترام وقدرتک التی لا یمتنع منها شیء من شر الدنیا
والاخرة ومن شر الاوجاع کلها ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم خدای تعالی خیر دنیا
والاخرت بر وی جمع نماید و اگر الحمد و شهد الله و آیة الکرسی و قل اللهم تا بغیر حساب
بخواند خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خود هر روز بچشم پنهان خود هفتاد مرتبه
بر او نظر کنم و هر مرتبه هفتاد حاجت او را برآورم و او را از هر فقر گناه کفاره دارد و قرض
ادا نمایم و در روایت دیگر آمده هر روز هفتاد حاجتش را برآورم که کمترین آنها مغفرت
گناهانش باشد و در حظیرة القدس جای دهم و هر دشمنان نصرتش دهم
و از شیطان السلامتش دارم و هیچ چیز مانع بهشت رفتنش نباشد مگر موت و در بعضی
اگر موت مقدر می بود بخواند باشد بهشتش ببرم و در روایت دیگر آمده که هر کس بعد از
هر فریضه آیة الکرسی بخواند از شر جرایات هر دار امین باشد و هیچ چیز مانع بهشت
رفتن او نباشد مگر موت و هیچ کس مواظبت بر آن نکند مگر صدیقی یا عابدی و هر کس
ایمان بخدا و روز قیامت دارد و هر که خواند آن قدر که آیه حمد بعد از هر فریضه بخواند
خدای تعالی خیر دنیا و آخرت برای او جمع نماید و کذا این او و والدین و برادران
و خواهرانش را بیامرزم و هر کس بعد از هر فریضه دوازده مرتبه قل هو الله احد و بعد از آن
دست بر سر گذارد بگوید اللهم انی اسئلک باسمک المکنون تا آخر دعا چون از نماز
بیرون آورد از آن خالص باشد مانند طفلی که از شکم مادر ... ظلمه باشد
از حضرت صلوات الله علیهم روایت است از جمله حقوق ما بر شیعیان آنست که بعد از فریضه
دست بر ریش گذارد و سه مرتبه بگوید یا رب محمد وآل محمد عجل فرج آل محمد یا رب

حدیث خیبة محمد یا رب محمد اعظم لأنه محمد مؤلف این مجموعه گوید اینجا که از قرآن سبب و احادیث
اهل بیت طاهرین علیهم السلام معلوم است و هیچ شکی در آن نیست در این دو جا و هر دعای
که باین مضمون باشد یعنی مشتمل باشد بر دوستی اهل بیت علیهم و دعای ایشان و شیعیان
و بر اعدا و لعنت بر اعدا و غاصبان حق ایشان فضیلت از همه ادعیه و اذکار
و جملت اجمیع فعال و اعمال زیرا که ایمان باین تمام است و اگر نبود با آنکه در آن فقوری
باشد هیچ عبادتی قبول نخواهد شد و مروی است در بستان نوشته است که هر زمان که
دو هزار هزار زهن دارد و در هر دهانی هزار هزار زبان و با هر زبانی هزار هزار
لغت خدای را تسبیح کند وقتی از جناب الهی سوال نمود رضا یا کرانی که این تو باشد که
من عبادت می‌کنم عبادت کنند از آنجناب جواب رسید که در زمین را است و بیست
تسبیح است و لیس عظیم آن فرشته رحمت دید آن سیده باینه و روز
با و بود این عبادت بنده بعد از هر فریضه این تسبیح بگفت سُبْحَانَ اللهِ كَمَا
يَنْبَغِي لِلّٰهِ شَيْءٍ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ
وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَمَا حَمِدَ شَيْءٍ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُحْمَدَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا
يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَمَا هَلَّلَ اللهُ شَيْءٍ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ يُهَلَّلَ
وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ وَاللهُ أَكْبَرُ كَمَا كَبَّرَ اللهُ شَيْءٍ وَكَمَا يُحِبُّ اللهُ أَنْ
يُكَبَّرَ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَكَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ
أَكْبَرُ عَلَى كُلِّ نِعْمَةٍ أَنْعَمَ بِهَا عَلَيَّ وَعَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ مِمَّنْ كَانَ أَوْ يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا أَرْجُو وَخَيْرَ مَا لَا أَرْجُو وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

ما احذر و من شر ما لا احذر و هر که بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ
إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ از کوفتن و غرق شدن و خرابه ماندن و خوردن جانوران
درنده و مردن بوجهی بد و ناخوش و بلیه که در آن روز نازل شود ایمن باشد و مروی است که
این تسبیحات الهیه هر روزی که قصر مکینه سی مرتبه بگوید از شر آن تمام شود و هر کس بعد از
نماز صبح و شام پیش از آنکه حرف بزند و پا را از وضعی که نشسته تغییر دهد بگوید بسم
الرحمن الرحیم لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ صد نوع بلا از و دفع شود
که سهلترین آن برص و جذام و شیطان و سلطان باشد و اگر هفت مرتبه بگوید هفتاد نوع
بلا دفع شود که سهلترین آنها جنون و جذام و برص باشد و اگر شقی باشد از دیوان شقا محو کرده
و در زمره سعدا نوشته شود و اگر بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید بسم الله اعظم نزدیکتر باشد از سیاهی
چشم بسفیدی آن و اسم اعظم در آن داخل شده و اگر بعد از صبح و شام پیش از آنکه حرف بزند
و پا را بگرداند بگوید إِنَّ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ حق تعالی حاجت او را
بر آورد و هفتاد در دنیا و سی در آخرت و اگر بعد از نماز صبح و شام بگوید اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي دِينِي وَالْيَقِينَ فِي
قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي
از درد چشم ایمن گردد و خیر دنیا و آخرت برای او جمع شود و اگر بعد از نماز صبح و ظهر بگوید
اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ گناه
بر او نوشته نشود و اگر بعد از این دو نماز بگوید اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

از و بیا برود تا بگذرد حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه برسد و اگر بعد از نماز صبح پیش
از آنکه با کسی حرف زند بگوید رب صل علی محمد و آل محمد البته خدای تعالی روی او را
از آتش نگاه دارد و اگر بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم
از کوری و دیوانگی و جذام و برص و فالج و ضعف و پیری ایمن گردد و اگر بعد از نماز صبح این دعا
بخواند هر حاجتی که خواهد برآورده شود خدای تعالی گناهان گذشته اش را بیامرزد بسم الله و صلی الله
علی محمد و آله و افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد فوقیه الله سیئات ما مکروا لا اله
الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین
حسبنا الله ونعم الوکیل فانقلبوا بنعمة من الله وفضل لم یمسسهم سوء ما شاء الله لا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم ما شاء الله لا ما شاء الناس ما شاء الله وان کره الناس حسبی الرب
من المربوبین حسبی الخالق من المخلوقین حسبی الرازق من المرزوقین حسبی الذی لم
یزل حسبی منذ کنت حسبی حسبی الله الذی لا اله الا هو علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم و اگر بعد از نماز عصر بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
الرحمن الرحیم ذو الجلال والاکرام واسئله ان یتوب علی توبة عبد ذلیل خاضع فقیر بائس
مسکین مستجیر لا یملک لنفسه نفعا ولا ضرا ولا موتا ولا حیاة ولا نشورا خدای تعالی
ملکی بفرماید تا نامه گناهان او را هر چه باشد در آتش بسوزاند و هر کس بعد از نماز عصر هفتاد
مرتبه استغفار کند مقصود گناهانی که در آن روز از او مانده بخشد و اگر ... گناه باشد
از گناه پدر و مادر و اگر او را باشد از مادر و اگر او را نبود از برادر و اگر او را نبود از خواهر

از خویشان بخشد الا ... و هر کس بعد از نماز عصر ده مرتبه انا انزلناه بخواند بعدد همه
ملائکه ... برای او حسنه ثبت نمایند و در روایت دیگر آمده که بمثل اعمال همه
خلایق برای او ثبت نمایند و در روایت است که اگر دو آیه سوره بقره آمن الرسول تا آخر سوره را
خدای تعالی از گنجهای بهشت فرستاده و در هزار سال پیش از آنکه خلایق را
بیافریند به دست خود نوشته هر کس بعد از نماز خفتن بخواند بجز آنکه باشد او را از قیام لیل
و چون از تعقیبات فارغ شوند سنت مؤکد است سجده شکر کردن که تمام شدن نماز
و توجه جای خدا باشد و ملائکه را از آن خوش آید خدای تعالی حجاب از میان
او و ملائکه بردارد و گوید به بنده من نگاه کنید که ادای عبادت من کرد و اکنون سجده
شکر من بجا می آورد که توفیق آن را دادم پس جزای آن چه باشد ملائکه گویند رحمت
تو و باز گوید دیگر چه باشد گویند بهشت گوید دیگر چه گویند کفایت مهمات او و همچنین
خدای تعالی سؤال کند و ملائکه جواب گویند تا آنکه هیچ چیز نماند مگر آنکه گفته شود باز سؤال فرماید
گویند خدایا ... از علم ما ... پس خدای تعالی فرماید شکر او کنم ... او
شکر من کند و ... بروی او کنم و جمال خود با او نمایم ... ثبت ... تعالی
... و گفت ... که ... و قدم ... کرد و
گفت خدایا ... به ... خود ... و
و نیست از ... که چون نماز گذاری ... و سجده شکر کنی
و سجده شکر چنان کن که هر دو ساعد و سینه و شکم ملاصق زمین باشد و در سجده اول صد مرتبه
بگوید الحمد لله شکرا و هر ده مرتبه یکبار بگوید شکرا للمجیب و چون صد مرتبه
تمام شود بگوید یا ذا المن الذی لا ینقطع ابدا ولا یحصیه غیره و یا ذا المعروف الذی لا ینفد ابدا

یا کریم یا کریم پس حاجت خود را خواه بطلبد پس روی چپ بر زمین گذارد و همین گوید پس دیگر
سجده کند و صد مرتبه گوید شکراً شکراً طریقه دیگر آنکه در سجده اول بگوید یا مالک بحق حبیبک
محمد صلوات الله علیه و آله الا بدلت سیآتی حسنات و حاسبتنی حساباً یسیراً و چون روی راست
بر زمین گذارد بگوید یا مالک بحق حبیبک محمد صلوات الله علیه و آله الا کفیتنی مؤنة الدنیا و کل هول
دون الجنة و چون روی چپ بر زمین گذارد بگوید یا مالک بحق حبیبک محمد صلوات الله علیه و آله
الا غفرت لی الکثیر من الذنوب و القلیل و قبلت منی عملی الیسیر و چون مرتبه دیگر به سجده رود بگوید
یا مالک بحق حبیبک محمد صلوات الله علیه و آله الا ادخلتنی الجنة و جعلتنی من سکانها و لا تعذبنی برحمتک
و اقل سجده شکر آنست که سه مرتبه بگوید شکراً لله و چون سر از سجده بردارد سه مرتبه گوید
بسم الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب و الشهادة الرحمن الرحیم اللهم اذهب
عنی الهم و الحزن و هر مرتبه دست راست بر موضع سجده بمالد و بر جانب چپ روی بمالد
و بروی بکشد تا جانب راست الا هم و حزن از دل برود و چون از جای نماز برخیزد بگوید سبحان
ربک رب العزة عما یصفون و سلام علی المرسلین و الحمد لله رب العالمین الا هر که
آخر کلامش این آیه بود در ادای دعای بر بیشتر از ... ثواب بعد در هر مسلمی برای او ثبت شود
در فضیلت اذکار ساعات شبانروزی و اوراد صبح و شام و ذکر فضایل شبانروز محرم و لواحقه
مختصری بیان ... ایام از اهل بیت طاهرین علیهم اجمعین بروایت صحیح روز
بر بنده آدم وارد شود و گوید آنکه گوید ای فرزند آدم من روزی تازه ام و شاهد اعمال تو ام پس آن
با تو ام هر چه گوئی خیر گوی و هر چه کنی خیر کن تا روز قیامت شاهد تو باشم و چون از تو جدا شوم
دیگر ... شما باشد ... از ایشان علیهم ... روایت که شیطان ... از طلوع
صبح تا طلوع آفتاب ... تا غروب آفتاب ... خود را در زمین منتشر ... سازند

برای

برای رفع ... پس در این دو وقت ذکر خدای تعالی بسیار کنید و خود را از گمان خود
پناه دهید و استعاذه نمائید از کید شیطان و محافظت نمائید این دو ساعت غفلت را
از ایشان علیهم السلام روایت که خدای تعالی فرماید یک ساعت بعد از صبح و یک ساعت بعد از عصر
ذکر من کنید تا من کفایت مهمات شما نمایم و نیز وارد شده است چون آفتاب زرد شود ذکر خدا
کنید و اگر با جمعی باشید که شما را مشغول سازند از میان ایشان برخیزید و مشغول ذکر و دعا شوید
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایتست که پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب آفتاب
ده مرتبه خواندن این تهلیل لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک
و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر و هو علی کل شیء قدیر
و بعد از آن ده مرتبه این استعاذه بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین و اعوذ بک
ان یحضرون ان الله هو السمیع العلیم و اگر فراموش کند وقت قضا کند ... قضا میکنند
و در روایت دیگر آمده که هر کس این تهلیل را ده مرتبه پیش از طلوع و غروب آفتاب
بخواند کفاره گناهان آن روز و شب باشد و هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب صد
مرتبه الله اکبر بگوید ثوابش آنست که صد بنده آزاد کند و هر کس هر صبح و شام سه مرتبه بگوید
سبحان الله حین تمسون و حین تصبحون و له الحمد فی السموات و الارض و عشیا
و حین تظهرون در آن شبانروز هیچ چیز از او فوت نشود و هیچ شری با او نرسد و هر که
هر صبح و شام چهار مرتبه بگوید الحمد لله رب العالمین شکر آن شبانروز را ادا کرده باشد
و روایت که کسی با بوذر گفت آتش در خانه ات افتاده است و گفت خانه من نسوخته دیگری
آمد و همین خبر آورد و دیگری نیز آمد و همین خبر آورد هر سه را همین جواب گفت چون
رسیدند فانها ... خانهای اطراف همه سوخته بود و خانه او در میان سالم مانده پرسیدند چون دانستی

نوشته گفت و حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که هر کس صبح و شام بگوید اللهم انت ربی لا اله الا
انت علیک توکلت و انت رب العرش العظیم لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم
ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن اعلم ان الله علی کل شیء قدیر و ان الله قد احاط
بکل شیء علما اللهم انی اعوذ بک من شر نفسی و من شر کل دابة انت آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم در آن شبانه روز هیچ آفت باو نرسد و بعضی این را [illegible]
و روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام در افتتاح نوافل بسیار است و ادعیه آن در کتب [illegible]
باید جست و اول ظهر اول نوافل شب و یک رکعت وتر و در نوافل بعد از ظهر سوره ها خوانند
بخواند و افضل آنست که در رکعت اول نوافل ظهر قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون
بخواند و در اول نوافل عصر اذا جاء نصر الله یا الهیکم التکاثر یا سوره های کوتاه
و در اول نوافل مغرب قل هو الله احد و در دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده در اول
سه قل هو الله احد و در دوم یک انا انزلناه و در رکعت سیم اول سوره حدید تا انه علیم بذات
الصدور و در چهارم آخر سوره حشر لو انزلنا هذا القرآن تا آخر و در رکعت اول وتیره
سوره الملک یا سوره واقعه و در دوم قل هو الله احد و در اول نوافل شب قل هو الله احد و در
دوم قل یا ایها الکافرون و در روایت دیگر آمده که هر کس در رکعت اول نوافل شب
و در هر رکعتی سی مرتبه قل هو الله احد بخواند میان او و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود
و در رکعتهای دیگر مستحب است خواندن سوره های طولانی مثل کهف و یس و مانند آن و اگر وقت
تنگ باشد در همه قل هو الله احد کافی باشد و در رکعتین شفع معوذتین
و در رکعت وتر قل هو الله احد هر کس و این سه رکعت این سه سوره بخواند [illegible]

رکن

[illegible] که [illegible] مقبول گشت و در روایت دیگر آمده که هر رکعت قل هو الله احد بخواند
تا در سیزده رکعت ختم قرآن شده باشد که قل هو الله احد ثلث قرآن است و در روایت دیگر آمده
از حضرت امام رضا علیه السلام در هر یک از این سه رکعت سه مرتبه قل هو الله احد و در رکعت
بعد از قل هو الله یک مرتبه معوذتین بخواند و در رکعت اول نافله صبح قل یا ایها الکافرون و
در دوم قل هو الله احد و مروی است که هر کس سوره اذا زلزلت در نوافل بخواند هرگز
هرگز بزلزله [illegible] و بزلزله و صاعقه و هیچ آفتی از آفات نمیرد تا آنکه [illegible]
و چون وقت [illegible] کریمی از پیش خدای تعالی آید و بر بالین او نشیند
و گوید ای ملک الموت [illegible] تمامی [illegible] اذا
زلزلت بسیار بخواند [illegible] ملک الموت گوید از جانب الهی
مامورم که اطاعت او نمایم [illegible] پس حجاب از پیش [illegible]
تا [illegible] در بهشت [illegible] پس [illegible]
تا [illegible] و هر کس سوره [illegible] قیامت [illegible]
باشد [illegible] و هر کس سوره انا اعطیناک در فرایض و نوافل بسیار
بخواند خدای تعالی از کوثر آبش دهد و [illegible] در سایه طوبی در پیش حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد
و فضایل دیگر از فضایل سور قرآن در فرایض و نوافل [illegible]
نوافل کتفا باالحمد تنها مجزی بود بخصوص اگر وقت تنگ باشد یا شغلی ضروری بود و هر کس نماز
نافله صبح صد مرتبه صلوات [illegible] خدای تعالی روی او را از حرارت دوزخ نگاه
دارد و اگر صد مرتبه سبحان ربی العظیم و بحمده استغفر الله و اتوب الیه [illegible] بنا کنند
و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بخواند [illegible] و اگر چهل مرتبه بخواند [illegible]

و چون از مجموع یازده رکعت نماز شب فارغ شود این دعا را که محفوظ است بخواند اللهم یا ذا الملک
المتابد بالخلود والسلطان تا آخر دعا و در ذکر بعضی از افعال که در اثنای نماز توان کرد روایت
از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در اثنای نماز رخصت است که به هر چه دعا و مناجات با خدا
و ذکر خدا و ذکر حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله توان کرد و از نماز خارج نباشد و هر کس در اثنای هر فعل
از افعال نماز مثل رکوع و سجود و غیر آن بگوید صلی الله علی محمد و آل محمد آن حضرت بمنزله ثواب
نوشته شود و اگر در نماز ذکر آن حضرت کند درود و صلوات فرستد ثواب بسیار دارد هر کدام را
رغبت به ثواب کنند و هر حاجت که خواهد برای دنیا و آخرت در اثنای نماز توان
خواست حتی در سجده و در رکوع و در سجده و تکبیرات کند و تعالی از جمیع احوال و گریه
کردن در نماز از ترس خدا و برای شوق جنت و خوف نار و تذکر جهنم از افضل عبادات
است و برای دفع آزار نماز را قطع کند و اگر در اثنای نماز عطسه کند یا عطسه دیگری بشنود
حمد و صلوات فرستد و اگر کسی بر او سلام کند جواب بگوید به همان لفظ او را که گفته سلام
علیکم یا السلام علیک و آواز بلند نکند بلکه اگر آواز نه آهسته بگوید به جانب او
بگوید ... کند اما روایت است که چون کسی در نماز باشد بر او سلام نکنید
و در آداب جماعت و آن دو قسم است یکی آداب متعلق به امام دوم آداب متعلق به ماموم و چون
امام و آداب خود اعم است از آنکه در این مجموعه محتاج به ذکر باشد گفتن آنها را و آداب ماموم
بوده گویم روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که اگر کسی نماز را تنها گزارده باشد و بعد از آن
جماعت روی دهد فضل آن است که اعاده کند که ... و ... بر ... و آن دیگر را نافله

حساب کند

حساب کند و اگر در رکعت نماز گزارده بود و نیت نافله کند و سلام دهد پس به جماعت گزارد و اگر کسی
نماز در رکعت نیت نافله کند و در رکعت ... حرم کند و سلام دهد و اگر ماموم یکی باشد در پهلوی
راست امام بایستد و اگر زن باشد در پشت سر بایستد به جانب راست و اگر یک مرد و زن خواهد یک
و خواهی بیشتر مرد در پهلوی راست و زنان در عقب بایستد و اگر زیاده از یکی باشد همه در عقب
بایستند و اگر ماموم در پهلوی امام ایستاده باشد و در اثنای نماز دیگری برسد با امام ... آورد
ماموم پیش تر آید و اگر یا مرد آخر بعد از رکوع در رکعت آخر برسد امام پیش رود و نه ماموم
پس آید بلکه این مرد در پشت امام بنشیند و چون امام سلام دهد برخیزد نماز خود را تمام کند
و میان امام و صف اول همچنین میان هر دو صف فاصله زیاده از آنکه به ده توان کرد نباشد
روایت که اگر فاصله بیشتر از این امام ... ایشان امام نباشد و اهل صف دوم و سوم
بایستند پیش پیش و پس پس باشد و در میان فرجه خالی نگذارند که شیطان در میان ایشان در آید
و اگر در صف پیشتر موضع خالی ببیند برود تا آن موضع را پر کند و اگر چه در اثنای نماز باشد و اگر
در ... گامی پیش رود و دست ... گامی به نیت ... بر داری تا صف خالی از او پر کند اند و در اثنای
از صف عقب توان رفت مگر آنکه جا تنگ کند که در این وقت پیش و پس ... و ...
کمان کند توانند حرکت کرد و یکی از ایشان ایستاده و ماموم میان در صف بلند تر از امام نکوید
بایستد جایز بود اما عکس آن جایز نبود مگر آنکه یک ... سر از زیر باشد که بعضی نوشته که بقدر
یک انگشت یا بیشتر پست تر باشد که در این وقت جایز است که امام در موضع بلند بایستد
و میان امام و ماموم اگر پرده و یا دیوار فاصله باشد نماز ماموم جایز نباشد مگر کسی که در
برابر در باشد ... و در ... محرف ... واقع شود ... دو چون امام قرائت کند
ماموم ... جایز نباشد قرائت ... روایت است اگر کسی با امامی ... باشد در ... بکنید

و قرائت کند چون امام در غیر قرائت سلام مخفی نشود بلکه اگر نماز اخفاتی باشد مأموم برای خود
آنرا بخواند و اگر جهری باشد و صدای امام نشنود و اگر چه همین همهمه بشنود و کلمات را تمیز نکند
گوش کند و اگر جهری باشد و صدای امام حتی همهمه اش هم بگوشش نرسد افضل آنست که مأموم
خود آهسته قرائت کند و اگر اکتفا بقرائت امام نیز کند مجزی بود و باید اذکار و افعال را
خود بجا آورد و باید در همه افعال قیام و قعود و رکوع و سجود تابع امام باشد پیش نکند و پیشتر سر بر ندارد
مگر آنکه اگر امام تشهد را طول دهد و مأموم ضرورتی داشته باشد تواند که پیش از امام سلام دهد
و مأموم باید ادعیه و اذکار را آهسته گوید و صدای خود را بامام نرساند و چون امام از قرائت
حمد فارغ شود و همچنین چون بعد از رکوع سمع الله لمن حمده گوید مأموم بگوید الحمد لله رب العالمین
و مأموم سمع الله لمن حمده نگوید و اگر مأموم در اثنای نماز بامام رسد تکبیر احرام بگوید و داخل نماز شود
در هر جای نماز که باشد پس اگر رکوع را با امام دریابد آن رکعت را حساب کند و اگر بعد از رکوع
امام در سجود دریابد تشهد و اقتدا کند آن قدر را با امام بجا آورد و اگر سجده آخر یا تشهد آخر نماز باشد
و فضل جماعت را دریابد اما آنرا از رکعت حساب نکند و آنرا زیادتی نماز نشمرد
و چون امام تمام دهد او سلام ندهد و برخیزد و هر چه از نمازش مانده تمام کند اگر چه بعد از سلام
[illegible] باشد چون سلام از وی سهو شده [illegible] و بعد از نماز سجده سهو
کند و اگر تکبیر رکوع گفته امام نشنیده باشد احتیاط آنست که در آن رکوع داخل نشود بلکه
چون امام سر بردارد داخل شود و هرگاه امام تشهد خواند و نیز گزارد اگر چه در موضع تشهد خود نا
باشد که تشهد برگشت اما در این صورت بر سر پا نشیند و درست برای آن بنشیند و چون
در موضع تشهد خودش رسد نشسته تشهد گزارد و برخیزد تا با امام ملحق شود و اگر در رکعت دوم
امام برسد با امام قرائت نگزارد و همین قرائت از قرائت خودش مجزی بود و اگر رکعت سیم

و چهارم امام اول و دوم او باشد پس اگر امام تسبیح گوید او خود الحمد و سوره بخواند و اگر امام کوع
کند و فرصت سوره خواندن نشود همان الحمد مجزی بود اما اگر امام قرائت کند و نماز اخفاتی باشد
او قرائت نکند و اگر جهری باشد چون قرائت امام را نشنود خود قرائت کند و اگر از او
رسد و بیند که امام در رکوع است باید رکوع ببرد و تا بصف رسیدن امام سر بر دارد
در همانجا ایستاده رکوع کند و اگر خواهد بجود و نیز بکند بعد از آن برخاسته بصف ملحق شود پس
اگر ایستاده باشد بایستد و اگر نشسته باشد بنشیند و اگر خواهد همچنان در رکوع برود تا ملحق
شود و اگر پیش از آنکه امام سر از رکوع یا از سجده بردارد مأموم سر بردارد باز سر بگذارد تا با امام
برخیزد و اگر کسی با امام رکوع کند و بسبب کثرت از دحام بجود نتواند کرد تا آنکه امام از رکعت
رکعت دیگر شود در این رکعت با امام رکوع نکند و بنیت رکعت سابق بجود با امام کند
آن رکوع با آن سجده مجموع رکعت شود و اگر سجده بنیت همین رکعت کرده باشد این
سجده هیچ رکعت حساب نشود بلکه سجده دیگر بنیت رکعت سابق کند تا آن تمام گردد
و اگر بسبب از دحام رکوع نیز از او فوت شود و بعد از رکوع و سجود کند بعد از آن با امام
ملحق شود و اگر در نماز جمعه یک رکعت با امام دریابد چون امام سلام دهد یک رکعت دیگر بجا آورد
و اگر بعد از رکوع آخر با امام برسد جماعت یک رکعت ظهر گزارد و نماز جناب امیر المؤمنین علیه السلام
هر کس این نماز را بگزارد از گناهان پاک شود چنانکه از مادر متولد شده و حوائجش برآورده
شود و آن چهار رکعت است در هر رکعت بعد از الحمد قل هو الله پنجاه مرتبه و مستحب است تعقیب آن
با این تسبیح در روایت از آنحضرت سبحان من لا تنفد خزائنه
سبحان من لا اضمحلال لفخره سبحان من لا تبید معالمه سبحان من لا یشرک احدا فی
امره سبحان من لا اله غیره و این نماز را هر وقت خواهند توان گزارد و در فضل روز جمعه

شانزدهم رجب و ماه مبارک رمضان است که حسنات مضاعف باشد نماز حضرت فاطمه زهرا
علیها السلام هر کس این نماز را بگذارد میان او و خدای تعالی هیچ گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شود
آن دو رکعت است بعد از الحمد صد مرتبه انا انزلناه و در دوم صد مرتبه قل هو الله و بعد از نماز
تسبیح آنحضرت ع نماز تسبیح و این نماز است که حضرت رسول ص بجعفر ابن ابی طالب تعلیم
عطا فرمود اگر این نماز را هر روز یا هر شب یا هر هفته یا هر ماه یا هر سال یا هر وقت
که خواهی بگذاری هر گناهی که در این میانه کرده باشی همه آمرزیده شود و گناهانش همه آمرزیده
شود اگر چه مثل ریگ بیابان عالج یا مثل کف دریا باشد و دوازده هزار حسنه بوی
رسد که کمترین آن مثل کوه احد باشد و آن چهار رکعت است بدو سلام در رکعت
اول بعد از حمد اذا زلزلت و در دوم اذا جاء و در سیم انا انزلناه و در چهارم قل هو الله
بخواند و در روایت دیگر در دوم و العادیات و در سیم اذا جاء وارد شده و در هر
بعد از قرائت پانزده مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر و در رکوع و بعد از رکوع ایستاده و در سجده و بعد از سجده نشسته ده مرتبه بگوید
در هر رکعت هفتاد و پنج مرتبه و در تمام نماز سیصد مرتبه باشد و اگر خواهی این نماز را بگذارد
و در اثنا سهو در حساب کند و اگر دو رکعت بگذارد و باشد و بحاجتی یا حرکتی مانع شود و برخیزد
و چون فارغ شود دو رکعت دیگر را بگذارد و اگر شتاب داشته باشد نماز را بی تسبیحات بگذارد
و تسبیحات بعد از آن بگوید و مستحب است در سجده آخر این نماز بعد از تسبیحات بگوید سبحان
من لبس العز و الوقار تا آخر دعا نماز حضرت امام ص باعرابی عطا فرمود و فرمود
هر روز جمعه این نماز بگذارد من برای او ضامن بهشت شوم و هنوز از جای

محمد

از جای خود برنخاسته باشد که گناهان او و والدین همه آمرزیده شود و آن ده رکعت است چون روز
جمعه شود اول دو رکعت بیک سلام بگذارد و در اول بعد الحمد قل اعوذ برب الفلق هفت مرتبه
و در دوم قل اعوذ برب الناس هفت و بعد از سلام هفت مرتبه آیة الکرسی بخواند بعد از آن
هشت رکعت بدو سلام بجای آن نماز ظهر و عصر در هر رکعت بعد الحمد اذا جاء نصر الله یک مرتبه و قل
هو الله پنج مرتبه بخواند و چون از نماز فارغ شود هفتاد مرتبه بگوید سبحان الله رب
العرش الکریم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم نماز غفیله و آن
دو رکعت است در ساعت غفلت یعنی نماز شام و خفتن و روایت که در این ساعت دو رکعت
نماز را ترک نکنید که میراث دار کرامت است در رکعت اول بعد از الحمد این آیه و ذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی
کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین و در رکعت دوم
این آیه و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و یعلم ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقة الا
یعلمها و لا حبة فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین و بعد
قرائت بگوید اللهم انی اسئلک بمفاتح الغیب التی لا یعلمها الا انت ان تصلی علی
محمد و آل محمد و ان تجمع لی خیر الدنیا و الآخرة و اگر خواهد بجای این فقره بعد از صلوات هر
و ایشان هر حاجت خواهد بطلبد بعد از آن بگوید اللهم انت ولی نعمتی و القادر
علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلک بحق محمد و اهل بیت محمد صلوات الله علیهم
لما قضیتها لی و هر چه خواهد که سوال کند که مستجاب است نماز وحشت اول شب
که حضرت پیغمبر ص فرمود وحشت بکشید دو رکعت نماز در رکعت بجا آرید میان شام و خفتن در رکعت
اول بعد الحمد اذا زلزلت سیزده مرتبه و در دوم قل هو الله پانزده مرتبه هر که

و سالی یکمرتبه بگزارد از جملهٔ متقین و اگر در هفته یکمرتبه از جملهٔ مخلصین و اگر هر شب بگزارد در بهشت با ...
در جنت کند و ثواب اتقیا ... خدای تعالی هر کس این نماز را و ختمات
در شب پنجشنبه دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت بعد الحمد آیة الکرسی و قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
و معوذتین هر یک را پنج مرتبه بخواند و بعد از نماز پانزده مرتبه استغفار کند و ثواب آن را بوالدین
خود هدیه کند حق ایشان را بجا آورده باشد مرویست که هر کس وقت خوابیدن ذکر
کند چنانست که تا وقت شب بیدار و در عبادت باشد پس اگر در اثنای شب خیزد و
ذکر خدا کند خطاهایش بریزد و اگر آخر شب برخیزد و دو رکعت نماز کند پس حمد و ثنای
خدا کند و صلوات بر پیغمبر فرستد هیچ چیز از خدا سؤال نکند مگر آنکه عطا فرماید یا همان
بعینه یا بهتر از آن و در بهشت عوض دهد هر کس دو رکعت نماز گزارد در هر وقت باشد و در رکعت اول
... سوره ... بخواند ... خدای تعالی هیچ گناه ... مگر آنکه ... و در رکعت دوم
دیگر ... یکمرتبه وارد شده و بعضی دیگر نمازهای مخصوص هر یک را جای خود ذکر نموده‌ایم
مذکور شود در فضایل قرآن و آداب تلاوت آن مرویست از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که چون روز قیامت خلایق در صف صف ایستاده باشند قرآن با بهترین صورتی ...
آید چون بر صف مسلمین گذرد ... گویند این از ماست ... می‌شناسیم
... از جملهٔ مسلمانانست اما حلاوت و ... بیشتر بود ... این نور و جمال او را
عطا شده ... پس بر صف ... گذرد ... گویند این را می‌شناسیم از جملهٔ شهداست
اما ... این نور و بها و جمال که است ... و همچنین بر صف انبیا و رسل گذرد و
ایشان این گفتگو کنند پس به حضور ... حضرت پیغمبر ... گویند این کیست

نمی‌دانیم

نمی‌دانیم آنحضرت فرماید که این حجت خداست بر بندگان ... پس از آنجا گذشته بر صف ملائکه
مقربین گذرد و ملائکه نیز چنان گفتگو نمایند پس از آنجا گذشته تا پیش عرش رسیده بایستد
در آنوقت پس خدای تعالی گوید ای حجت من و ای کلام صادق ناطق من سر بردار و هر چه خواهی
سؤال نمای و هر که را خواهی شفاعت کن که هر چه طلب کنی اجابت نموده‌ام پس سر بردارد و
گوید خدایا بندگان تو بعضی مرا حفظ کردند و رعایت حق من کردند و بعضی ... و حق
مرا ضایع کردند پس خدای تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که هر کس ترا از روی ...
رضای تو با او ... و هر کس ترا ... انتقام ترا از او بکشم پس بصورت
جوانی ... پیش شیعیان آید و گوید ... مشغول ... بسیار
بجای خواب بیداری کشیده و در روزها ... و از دشمنان ...
... و گوید خدایا این بندگان تواند ... ایشان ...
که محافظت و رعایت من ... پس ... ایشان را بهشت برد و حله‌های
در ایشان پوشند و تاجهای ... بر سر ایشان ... پس قرآن ... از ...
که ... ذکر ... گوید خدایا ... ایشان ... حق تعالی ... ایشان
تعالی فرماید بعزت و جلال خودم که احسان با ایشان بسیار کنم و ترا از خود راضی کردانم پس
از ایشان ... و ... ایمان و رضوان ... جمع ...
کردانند ... و الحمد لله ... که ... خود کرده ... ایشان ...
و هم از ایشان علیهم السلام مرویست که هر کس در نماز نشسته قرآن بخواند بعدد هر حرف
برایش پنجاه حسنه نوشته شود و پنجاه سیئه محو گردد و پنجاه درجه بلند گردد و اگر ایستاده بخواند
بعدد هر حرف صد حسنه نویسند و صد سیئه محو کنند و صد درجه بلند کردانند و اگر در غیر نماز

بخواند بهر حرفی حسنه نویسند و یک سیئه محو کنند و درجه بلند گردانند و اگر خود بتواند دست
ملکند و گوش بشنود دست بگیری دارد و بهر حرفی نخیته ده عطا نماید و یک سیئه محو نماید و یک درجه بلند
گرداند و چون قرآن را ختم کند او را دعای مستجاب شود اگر ختم در اول روز واقع شود تا شب و اگر
شب واقع شود تا روز ملائکه بر او صلوات فرستند از حضرت امام علیه السلام پرسیدند که از فضایل
ختم کردن قرآن ... فرمود که خدای تعالی ... هر کس که ... ختم کند ... [illegible]
که ختم قرآن کرده باشد و این فضایل و عطا نماید و هر کس که ... [illegible]
باید ختم کند و ختم در روز جمعه واقع شود ... جمعه اول ... برای او ... حسنات
نویسند و همچنین اگر در روز دیگر واقع شود از پیغمبران و ائمه علیهم السلام
روایت است هر کس در هر روز ده آیه بخواند او را از جمله غافلین ننویسند و اگر پنجاه آیه بخواند
از جمله ذاکرین نوشته شود و اگر صد آیه بخواند از جمله قانتین و اگر دویست آیه بخواند از
خاشعین و قرآن در روز قیامت با او خصومت نکند و اگر سیصد آیه بخواند از فائزین
و اگر پانصد آیه بخواند از عابدین و اگر هزار آیه بخواند از قنطار ... ثواب ... قنطار
پانزده هزار مثقال است و یک مثقال ... قیراط ... [illegible]
و بزرگترین از زمین تا آسمان و گرد قرآن ... [illegible] ... مضاعف شود ... خانه
در آن خوانند و ذکر خدا کنند ملائکه حاضر شوند و شیاطین دور شوند و برکت ... زیاده شود
و آن خانه برای اهل آسمان نورانی باشد مثل ستاره برای اهل زمین و خانه که قرآن در آن
نخوانند ملائکه بیرون روند و شیاطین حاضر شوند و برکت کم شود و ... از اهل خود

بیزار

بخواند شفاعت کنند سوری که در آن ... و علامی ... قرائت ... در خانه که تلاوت
نکنند ... [illegible] ... فضایل جمیع قرآن و هر یک از سوره‌ها و آیات ... فضایل
روایت شده که ... این رساله اگر چه وسعت حکایت همه آن ندارد و اما چون ... [illegible]
... بعضی ... بسم الله الرحمن الرحیم ... [illegible]
حسنه عطا نماید که هر حسنه بهتر باشد از تمام دنیا و نعمتهای آن و خدای تعالی کار ... [illegible]
... اگر کسی ... که ... الحمد هر کس
... بخواند خدای تعالی نعمتهای آخرت را برای او ... نعمتهای دنیا
و بلاهای آخرت را ... بلاهای دنیا دفع کند و رحمت ... [illegible]
در روز قیامت حساب او را آسان کند و حسنات او را قبول فرماید و سیئات او را عفو نماید و ثواب ...
نماید که همه خلایق بر آن حسرت برند ... کار ... [illegible]
قرآن خوانده و ... باشد بقره و آل عمران هر کس بخواند ...
قیامت بقره و ... از حرارت آفتاب ... سایه کنند یس هر کس بخواند ...
... [illegible] ... بخواند تا شب محفوظ
در روز باشد و اگر ... هزار ملک ... [illegible]
محافظت کنند و اگر ... [illegible]
و ... [illegible] ... و عبادت ... [illegible]
... [illegible] ... روز قیامت نوری
... جمعه
از ... [illegible] ... آیه ... [illegible]

و هر آیه از میزان و صراط بگذرد و پس شش مرا ای تعالی درستی باز دارند که از مکان دیگر او بگویند باشد
که هاتف سوره و هم اینها از سلطین و امام طاهرین علیهم السلام و با ایشان باشد و از هر خوف و حزن
ایمن باشد پس خدای تعالی گوید ای بنده من هر چه خواهی سوال کن تا عطا نمایم و هر که اخوای ... بعت
نهای تا اجابت فرمایم و از ... فقط ایمن باشد از هیچ خطیه علامت منبینه تا آنکه هر کس
کرشنه ... که این بنده هرگز هیچ خطایی ننوشته پس از حجه رضای حضرت محمد صلعم باشد و در روایت
دیگر آمده که هر کس سوره ... یک مرتبه این ... بود که اگر معبود هر ملتی در دنیا و آخرت بر ایشان
هزار هزار حسنه نویسند و دو هزار ... از سیه محو کنند و از حزن و غم و آفات ... ایمن
گردد و سکرات موت بروی آسان شود و خدای تعالی خود مرتبه قبض روحش کند و دوست ... او
و روز قیامت خوشحال باشد و انقدر ثواب یابد و ... پس جمیع ... آسمان
و زمین گویند برای این بنده ... استغفار کنید که ... **ص** هر کس بخواند
خدای تعالی بوزن هر چیزی که ... حضرت داود ... بود حسنات عطا فرماید و هر کس شب جمعه بخواند
الله خیر دنیا و آخرت یابد و هر که ... باشد ... سلطان و ملک ... و هر کاخواه
از اهل بهشت ... اگر چه از ... باشد بهشت برود **واقعه**
سوره حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است هر کس هر شب بخواند ... روز قیامت ...
تمام باشد **صف** هر کس بخواند حضرت عیسی علیه السلام او را دعا کنند و بر ایشان استغفار کنند تا در
باشد و روز قیامت رفیق آنحضرت باشد و هر کس این سوره در فرایض و نوافل ...
و صف که ... انبیا ... **هل اتی** هر کس بخواند جزاش بهشت ...
... و در روز ... صبح پنجشنبه بخواند از ... صبح پنجشنبه بخواند ... حضرت
... باشد ... **جمعه** هر کس بخواند ...

بخار ج

جمعه ... و هر کس ... اسلام ... حسنه با و عطا کنند **منافقین** هر کس بخواند ...
که بر حضرت ابراهیم و موسی و محمد صلعم نازل گشته ده حسنه عطا فرمایند و هر کس در نافله و فریضه بخواند
روز قیامت ... از ... اهل بهشت شود و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده
بر شیعه واجب و لازم است که شب جمعه نماز سوره جمعه و سبح اسم و ظهر جمعه جمعه و منافقین
... و هر کس چنین کند چنان است که عمل رسول ... کرده باشد و جزایش بهشت
بود **الحاقه** برای ... امیر المؤمنین علیه السلام و معاویه ... نازل گشته هر کس در فرایض
و نوافل بسیار بخواند ایمان از و سلب نشود **تبارك** هر کس بخواند از عذاب قبر
ایمن شود و اگر در وقت خفتن بخواند در امان خدای تعالی باشد تا صبح و روز قیامت تا آنکه
از اهل بهشت شود **والفجر** سوره حضرت امام حسین علیه السلام است هر کس در نوافل بخواند
با آنحضرت در یک درجه از بهشت باشد و هر کس ده شب ... بخواند گناهانش آمرزیده شود
انا انزلناه سوره اهل بیت طاهرین علیهم السلام است هر کس بخواند چنان است که ماه مبارک
رمضان را روزه گرفته و لیلة القدر را احیا داشته باشد و هر کس یک مرتبه آهسته بخواند چنان است
که در راه خدا در خون خود غلطیده باشد و اگر یک مرتبه بلند بخواند چنان است که در راه خدا شمشیر
زده ... کشیده باشد و اگر ده مرتبه بخواند هزار گناهش آمرزیده شود و اگر در نماز فریضه بخواند
ندا ... که اعمال ... کرده ... آمرزیده گشت و فضایل این سوره زیاده
از آنست که در حوصله این رساله گنجد و بعضی از آنها نیز در مباحث سابقه گذشته و بعضی نیز در جای
خود ... **والتین** هر کس بخواند خدای تعالی در دنیا عافیت و یقین و در آخرت
... هر کس این سوره را خواند ثواب ... روزه با و عطا فرماید و هر کس در فرایض و نوافل
بخواند هر جا در بهشت که خواهد با و عطا کنند **والعادیات** سوره حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است
هر کس بخواند آن ... از ... آنحضرت ... باشد **الهیکم** هر کس

بخواند چنان است که ده بار آیه از قرآن خوانده باشد و خدای تعالی بر نعمتهای قدر دنیا باو داده (داد)
حاسبه ننماید و اگر در فریضه بخواند جبرئیل همیشه موکل باو و قهرا کشند و اجر صد شهید و تشنه باشد و اگر
در نافله بخواند اجر هفتاد شهید **حمد** هرکس بخواند چنان است که ربع قرآن خوانده
باشد و شیاطین از او دور باشند و از ترک برکت دوازده فرسخ امیر المؤمنین گوید هرکس سوره
حمد و توحید در فرایض باشد گناهان او و والدین و اولاد ایشان همه
آمرزیده شود و اگر شقی باشد از دیوان اشقیا محو کرده و در دیوان سعدا ثبت کرده و دردهای
ایشان محو شود **توحید** هرکس یکمرتبه بخواند چنان است که ثلث قرآن خوانده
باشد و بعد هر کلمه ده حسنه عطا فرماید و چون سه مرتبه بخواند ختم قرآن کرده باشد و هرکه
یکمرتبه بخواند خدای تعالی بر او برکت و رحمت نازل کند و اگر دو مرتبه بخواند بر او و بر اهل
بیتش و اگر سه مرتبه بخواند بر ایشان و بر همسایگان و اگر دوازده مرتبه بخواند دوازده قصر
در بهشت عطا فرماید و چون حضرت پیغمبر بر سعد ابن معاذ نماز گزارد دید که هفتاد هزار ملک
و جبرئیل از آنجا بودند و نماز گزاردند از جبرئیل پرسید که سعد بچه چیز مستحق این است گفت
بآنکه در جمیع احوال نشستن و برخاستن و رفتن و سواره و پیاده این سوره قل هو الله احد
را میخواند **اذا جاء** هرکس بخواند چنان است که با حضرت پیغمبر در فتح مکه حاضر
باشد و اگر در فریضه یا نافله بخواند بر همه دشمنان نصرت یابد و نور [illegible] از قبر چون آید و از
جهنم و اهوال آن ایمن گردد و [illegible] ابواب [illegible] مفتوح شود که هر کدام [illegible]
بگذرد [illegible] باشد و چون [illegible] از [illegible]
خیر [illegible] **معوذتین** هرکس بخواند چنان است که جمیع کتب [illegible]
نازل کرده خوانده باشد **آیة الکرسی** هرکس یکمرتبه بخواند خدای تعالی هزار [illegible] در دنیا که سهلتر آن

ان دو

آن دو هزار مکروه در آخرت که سهلترین آن عذاب قبر باشد از او دفع نماید این بود مجملی از
فضایل بعضی سوره و آیات قرآن عظیم و بسیاری نیز در مباحث سابقه گذشته و بعضی
نیز در مباحث مناسب خواهد آمد [illegible] آنکه تلاوت قرآن و بعضی دیگر از احکام متعلق
بآن آنکه چون کسی آیه یا سوره از قرآن بیاموزد و یاد گیرد باید مواظبت بآن کند تا از یاد او
نرود که اگر فراموش شود آن سوره یا آیه در روز قیامت بصورت جمیلی در درجه رفیع باو نماید
و بر او سلام کند پس او گوید چه خوب معنی تو چه کسی و از کیستی کاش از آن من بودی گوید من
فلان سوره یا آیه ام اگر فراموش نکردی باین درجه میرسانیدم و مخفی نماند که ظاهر این حدیث
اعم است از یاد گرفتن لفظش یا معنیش [illegible] هر یک معنی حق و صحیح است [illegible]
و عظمت مختلفه هر کدام درجه [illegible] رفیعتر حضرت [illegible] علیهم السلام
مرویست که [illegible] هر روز [illegible] بعد از فراغ از تعقیب و ورد از قرآن [illegible]
کند [illegible] آیه و افضل اعمال آنست که کسی [illegible] قرآن را ختم کند و باز از سر گیرد و در حکمت
در هر ختم قرآن کمتر از یکماه نباشد [illegible] بخواند اما در ماه مبارک رمضان هر
روز [illegible] هرچه بتواند [illegible] شد و فضایل تلاوت بحزن و حسن آن و آداب
او [illegible] گذشت و قرآن را شتاب [illegible] نباید خواند و مقصود نباید آخر سوره و جزو باشد
بلکه بتدبر و تأنی و تفکر و تأمل باید تلاوت کند و در روایت که آیات قرآن خزاین جواهر
معرفت و حکمت هر خزینه را که بگشایی از جواهر آن غافل مگذر [illegible] و نیز از آداب [illegible]
قرآن خواندن و قرآن را از روی [illegible] کند بلکه باید دل آگاه [illegible] و از روی خضوع و خشوع تلاوت
باید کرد و چون بآیه رحمت و مغفرت و ذکر نعیم جنت رسی [illegible] رحمت [illegible] و از روی شوق [illegible] مسئلت
کنی و چون بآیه عذاب و ذکر عقوبت و حساب رسی [illegible] و از آن استعاذه [illegible]
و [illegible] استغفار کنی و چون بمواعظ و نصایح رسی گوش ده [illegible] عبرت گیری و چون [illegible]

و قصص یکدیگر از آن عبرت گیری و هر این قبیل بهرایه که این مناسب آن حالت عاشقانی و اگر مقصود
باشد الفاظ قرآن افصح و ابلغ است و اگر نه روایت که قرآن را چنان بخوانید که عرب بخواند
و اگر مقصود ثواب باشد آنچه لوازم ترک گشته مرویست که عجمان قرآن را عجمی خوانند و ملائکه آن را
عربی بالا برند و از ترک جیبها و آب اسکیه با طهارت و مکان خلوت و اطمینان خاطر و
روی بقبله هر روز از نوشته تلاوت کند و در شبهای قدر و دیت با کسی گفتگو نکند و افضل آنست
که از روی مصحف تلاوت کند که غیر از ثواب [illegible] با اگر چه کافر باشند و نظر بخط
قرآن عبادت است و اگر در جای تلاوت کنند باید ساکت بود و گوش داشت و چون
خواهد که شروع در تلاوت کند از وساوس شیطان و غفلت قلب و [illegible] آن پناه
بخدا برده بگوید اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم و چون به آیه سجده رسد یا از دیگری
بشنود سجده بکند و در سجده بگوید لا اله الا الله حقاً حقاً لا اله الا الله ایماناً و تصدیقاً لا اله الا الله
عبودیة و رقاً لک یا رب تعبداً و رقاً و ذکر بر سه قسم است ذکر بدل که بعضی [illegible]
باید در سخن دل بذکر او مشغول است و بزبان مثل تهلیل و تسبیح و تلاوت قرآن و نظایر آن و باید
دین و ایمان و امر بمعروف و نهی منکر و غیر آن هر چه فرماید بجا آورد و با اعضا و ارکان مثل
عبادات و طاعات و ترک مناهی و سیئات و افضل همه ذکر بدل است که [illegible] است
از آن و ذکر بدل بمنزله روح است و ذکر بزبان و ارکان بمنزله بدن و چون قول و فعل بی حقیقت
ضرر دارد و بی ثمر باشد [illegible] و از این جهت اعمال [illegible] و [illegible]
عبادت من الناس غافلین [illegible] و [illegible] باشد و حق تعالی فرموده [illegible] کلام
[illegible] قبول نکنم بلکه نظر بر دل [illegible] و [illegible] و [illegible]
که [illegible] حضرت پیغمبر فرموده [illegible] عاشق [illegible]
اگر [illegible] باشد [illegible] روایت [illegible]
[illegible]

گذشت گفت کاش این همه گندم بودی تا بردم و او همین این خبر بحضرت پیغمبر رسید فرمودند
ثواب بآن بود و جوه دیگر نیز برای بهترین [illegible] روایت شده که [illegible] ذکر [illegible] است و نیز
در باب [illegible] گذشت که هر [illegible] از [illegible] که با [illegible] باشد با لابر [illegible] باشد بر [illegible]
و هر [illegible] و نیز در تسبیح و [illegible] گذشت که ذکر [illegible] سبحان الله و بحمده [illegible]
بلکه [illegible] افعال و اعمال [illegible] باشد و [illegible]
[illegible] و امثال این چنان روایت [illegible] بسیار است و بعضی از آن گذشته و بعضی نیز در
[illegible] باید و افضل همه [illegible] آنست که ذکر دل و زبان و ارکان همه با هم جمع
[illegible] از [illegible] باشد و [illegible] و در این جمله که گفته شد بجهت [illegible]
واضح است [illegible] که در این مقام باشد [illegible] بازده و بسیاری کنند [illegible] باشد که [illegible]
[illegible] و دیگران نیز [illegible] آن شود و نهایت [illegible] است چنانکه از این
[illegible] و سایر احادیث که در تسبیح [illegible] و غیر آن مذکور شده در غایت وضوح است الحاصل که
در فضایل بعضی اذکار مخصوصه روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که جماعت [illegible]
حضرت پیغمبر [illegible] که [illegible] و [illegible] کار [illegible]
[illegible] و از این جمله [illegible] فرمود که صد مرتبه الله اکبر گویند افضل است از آنکه صد بنده آزاد
کنند و اگر صد مرتبه الحمد لله بگویند افضل است از آنکه صد شتر [illegible] کنند و اگر صد مرتبه
الحمد لله بگویند افضل است از آنکه صد اسب [illegible] و [illegible]
[illegible] و اگر صد مرتبه لا اله الا الله بگویند [illegible] افضل از جمیع [illegible]
[illegible] و [illegible] آنحضرت فرموده هر کس [illegible] بگوید [illegible] در بهشت
در بهشت [illegible] و [illegible] یا رسول الله درخت بسیار در بهشت داریم فرمود [illegible]
اما [illegible] آتش [illegible] و هر کس [illegible] سبحان الله بگوید [illegible]

مغفرت کند تا روز قیامت و از استغفار کنندگان و ثواب آن همه از آن باشد و همچنین اگر لا اله الا
الله والله اکبر گوید و هر کس لا اله الا الله بجای خود بگوید ثواب او و روز حساب [illegible]
[illegible] که او را باز دارد و از [illegible] سبحان الله [illegible] و الحمد لله [illegible] میزان را و لا اله
الا الله ما بین زمین و آسمان را و هر کس لا اله الا الله بگوید درختی از برای وی در بهشت بنشانند در
زمینی [illegible] از یاقوت سرخ [illegible] و خوشبوتر از مشک [illegible] و هر یک
از آن [illegible] از طعامهای بهشت و هر کس بگوید الحمد لله کما هو اهله کاتبان [illegible] از
نوشتن باز دارند [illegible] ثواب این را [illegible]
[illegible] و هر کس بگوید سبحان الله و بحمده سبحان
الله العظیم و بحمده [illegible]
[illegible] و هر کس
روز [illegible] مرتبه بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
الها واحدا احدا صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] بگوید لا اله
الا الله حقا حقا لا اله الا الله عبودیة و رقا لا اله الا الله
ایمانا و تصدیقا [illegible]
[illegible] و هر کس بگوید لا حول و لا قوة الا بالله [illegible]
[illegible]

[illegible] و هر که سه مرتبه بگوید بسم الله
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم [illegible]
بگوید اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله [illegible] روایت
از ایشان [illegible] مجلسی نیست که جمع شوند و ذکر خدای تعالی و ... صلوات بر پیغمبر
[illegible] آن مجلس روز قیامت [illegible] حسرت باشد [illegible]
[illegible] شیطان که دشمن [illegible]
[illegible]
[illegible] ملائکه [illegible]
و حضرت امام [illegible] علیه السلام فرمود هر کس [illegible] که فضائل [illegible]
[illegible] و حضرت [illegible] فرمود هر کس
ذکر فضیلتی از فضائل علی بن ابی طالب علیه السلام کند [illegible]
[illegible] و هر کس فضیلتی از فضائل [illegible]
[illegible] علی بن ابی طالب علیه السلام [illegible]
[illegible] و حضرت امام حسن علیه السلام
فرمود هر کس [illegible] محبت [illegible]
[illegible] و حضرت امام جعفر صادق
علیه السلام فرمود هر کس [illegible]
[illegible] صلوات بر حضرت پیغمبر [illegible]
[illegible] صلوات [illegible]

و نسخه بیرون کسی را نعمت بهشت بگشاید و بهره ور باشد و فردا رسول الله و اهل بیتش علیهم السلام
از او بیزار باشند هیچ در میزان قیامت سنگین تر از صلوات بر آن حضرت نباشد و چون اعمال را به ترازو کشند
و میزان کم آید از حسنات سبک و سیئات سنگین باشد آن حضرت صلعم صلوات که بر او
فرستاده باشند بر سر حسنات گذارند تا بر سیئات زیادتی کند پس بهشتش برد و صلوات
بر آن حضرت صلعم گناهان را چنان محو کند که آب آتش را و نیز مرویست که هر کس قادر
به کفاره گناهان نباشد صلوات بر آن حضرت و آلش بسیار فرستد که صلوات بر ایشان گناهان را
میریزد و صلوات بر ایشان برابر است با تهلیل و تسبیح و تکبیر و هر کس آن حضرت در پیش او
مذکور شود و صلوات نفرستد او را بهشت برا خطا شود و هر کس دعا کند دعایش محجوب باشد و
بالا نرود تا صلوات فرستد بر آن حضرت صلعم و در وقت دعا بر اول و آخر صلوات فرستد
که چون همه مستجاب است ... از همه گذراند و در عقب یا در میان دعا هرگاه نشسته شود مراد دل که
مراد را اول و پایان و آخر یاد کند و نیز وارد شده که هر کس بر من صلوات بیشتر فرستد روز قیامت
بمن نزدیکتر باشد و هر کس از خدای تعالی حاجتی طلبد ای مومنان آن صلوات فرستد تا حاجتش
اجابت شود و ثواب صلوات نیز داشته باشد که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام گفت
چون از خانه کعبه بیرون آمدم دعای خود را ختم غیر صلوات بر پیغمبر صلعم نبود کسی که بر آن
بیرون نیامد و هر کس در صلوات با آن حضرت و آلش را با و شرکت گرداند فرشتهای آسمان
گواه شوند و گناهانش بریزد چنانکه برگ از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات بر وی فرستند و خدای تعالی
فرماید اگر تا هفتاد صلوات بر این بنده من فرستاده ید من هفتصد صلوات بر وی فرستم و اگر بر آن
صلوات نفرستد بوی بهشت نشنود و حال آنکه بوی بهشت را از پانصد ساله راه توان شنید و این
او و دیگران هفتاد حجاب ... بلند شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه دعای این بنده را بالا ببرید تا ...

صلوات

بر ایشان صلوات نفرستد و مرویست که هر کس بگوید صلی الله علی محمد و علی اهل بیته
هزار حسنه نوشته شود و فضایل دیگر برای صلوات و بعضی صلوات مخصوصه در باب تعقیبات و اعمال
جمعه و غیر آن گذشت ... از فضایل دعا و بعضی امور متعلق به آن روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام
که دعا افضل عبادات است و نزد حق تعالی هیچ چیز دوست تر از دعا نیست و ... ترک سکت ...
در قرآن مجید فرموده که اگر نه این بود که دعا میکنید خدا هیچ اعتنا به شما نمیکرد و دعا سلاح مؤمن و عمود
دین و نور آسمانها و زمین است و دفع میکند بلا را هر چند ... و تاثیر دعا در دفع ... حاجات
از تاثیر نشان ... روایت از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند که دو کس با هم شروع در نماز
کردند و با هم فارغ شدند یکی دعا بیشتر کرد و دیگری قرائت بیشتر و آنکه دعا بیشتر کرد افضل است
و هر بلیه که بر کسی نازل شود خدای تعالی در دلش الهام کند که دعا کند آن بلیه زود زایل شود و اگر
در دعا تاخیر شود بلیه به طول کشد چون بنده دوست میدارد دعا را ... الهام کرده ...
خدای بزرگوار ... دعا کنند که پنهانی کنند هفتاد برابر است که علانیه کنند و روایت که جمعی
بخدمت یکی از ائمه طاهرین علیهم السلام رفته و گفتند یا ابن رسول الله خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت
کنم و ما دعا میکنیم مستجاب نمیشود فرمود دعاهای شما به سبب دو چیز مرده است دعوی خدا شناسی میکنید
و اطاعت نمیکنید و دعوی محبت رسول الله میکنید و با اولادش عداوت میکنید و قرآن
میخوانید و عمل به آن نمیکنید و دعوی عداوت شیطان میکنید و با او دوستی میکنید
و دعوی محبت بهشت میکنید و برای آن سعی نمیکنید و دعوی خوف دوزخ میکنید و خود را
در آن می افکنید و مشغول عیوب دیگران میشوید و از عیوب خود چشم می پوشید و نعمت خدا
میخورید و شکر آن نمیکنید و اقرار به مرگ میکنید و تهیه آن سفر نمیکنید
و اموات خود را دفن میکنید و از آن عبرت نمیگیرید از این جهت که دعای شما مستجاب نمیشود

و دو ... دیگر آنکه کسب حلال کند تا دعای مستجاب شود که چون کسی یک لقمه حرام خورد چهل روز
دعایش مستجاب نشود و خدای تعالی فرموده دعای هیچکس از من محجوب نشود مگر کسی که لقمه حرام خورد اجابت
دعا نکنم و دعای کسی که مظلمه‌ای از بندگان من در پیش او باشد و تا رد آن مظلمه نکند و اهل [illegible]
من نبوده [illegible] کرده نماز باشد او را لعنت کنم و کسی از بنی اسرائیل سالها دعا می‌کرد و مستجاب
نشد آخر مناجات کرده گفت خدایا من از تو دورم [illegible] آواز بمیرید تا نزدیک او اجابت [illegible]
خدای تعالی کسی را فرستاده با او گفت با در زبان خویش و دل آلوده [illegible] و نیت [illegible] دعا [illegible]
نکنم و نیز روایت [illegible] با تقوی [illegible] دعا [illegible] که [illegible] از اوقات مخصوص
دعا و روز آن جمعیت باید داشت و فرصت باید شمرد و از آنجمله وقت زوال [illegible] و از خصوصیات
در روز جمعه تا وقتی که امام از منبر فرود آید و ساعت آخر از جمعه تا [illegible] و از نصف شب
تا ثلث آخر شب این ساعت [illegible] دعا [illegible] که البته مستجاب شود و وقت [illegible] تا طلوع
آفتاب و این ساعت [illegible] کرده [illegible] و رزق مردم قسمت کرده حاجتهای عظیم مستجاب شود
و میان اذان و اقامت و بعد از هر فریضه خصوصاً بعد از نماز صبح و ظهر و مغرب و [illegible] قنوت نماز وتر
و بعد از [illegible] قرآن و وقت [illegible] دو [illegible] و [illegible] از اوقات [illegible]
گذشته و بعضی نیز [illegible] که باید [illegible] که [illegible] اشتغال به دعا و بعد از [illegible]
رعایت باید نمود [illegible] یا [illegible] و [illegible] پوشیدن و بوی خوش [illegible]
و [illegible] هر [illegible] که [illegible] اسمان
[illegible] که [illegible] کریم است [illegible] حاجت [illegible] نام [illegible]
که [illegible] اگر [illegible] حاجت [illegible] و در دعا احتیاج [illegible] که [illegible] در دعا [illegible]
[illegible] البته مستجاب شود اگر [illegible] که [illegible] دعا کند [illegible]

لهذا

که هرگز [illegible] در دعا احتیاج نکنند مگر که با اجابت [illegible] که این کو [illegible] داد
[illegible] باشد و از جمله اسباب [illegible] ابتدا به مدح و ثنای خدا کند که [illegible] حضرت امام جعفر
معروض داشت که خدای تعالی فرموده دعا کنید که من اجابت کنم ما دعا می‌کنیم مستجاب نمی‌شود گفت
نمی‌دانم فرمود کسی که اطاعت امر خدا کند و از راهی که می‌باید دعا کند البته مستجاب شود
گفت [illegible] فرمود اول حمد و ذکر نعمتهای او کند [illegible] شکر کند [illegible]
پیغمبر و آل او فرستد و گناهان خود را [illegible] یاد کند و اقرار بر آن [illegible] استغفار از آن کند
بعد از آن حاجت خود را [illegible] کتاب [illegible] و [illegible] اسباب [illegible] است که حضرت [illegible] صلوات
روایت [illegible] حاجت [illegible] بعد از آن حاجت [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] پس [illegible] تعالی [illegible] فرمود [illegible] از [illegible] او [illegible]
[illegible] که اگر [illegible] سوال [illegible] بسیار [illegible] که [illegible] جواب
[illegible] که هر کس [illegible] سوال کند اجابت [illegible] این مضمون [illegible]
بسیار [illegible] است که هر دعا از [illegible] مجرب [illegible] صلوات [illegible]
و نیز روایت [illegible] صلوات [illegible] اول و آخر [illegible] صلوات [illegible]
که اول و آخر را قبول فرماید [illegible] و از جمله اسباب آنست که دعا [illegible]
[illegible] با [illegible] بلکه [illegible] است [illegible]
[illegible] و بعضی از [illegible] علما در این [illegible] که [illegible]
[illegible] که [illegible] چون [illegible] حبس [illegible] کنند [illegible]
[illegible] دعا [illegible] البته مستجاب [illegible] چون کسی خود را

با دیگری در دعا جمع کند تا این که حال کتاب چون که چیزی که پنهان کار باشد و نبوده خود آن را نخبد
و از جمله آداب آنکه در وقت سؤال چیز در رقت و محزون باشد که دعای دلهای شکسته و محزون
مستجاب شود خدای تعالی دل محزون را دوست دارد و چشم گریان باشد و اگر گریه نیاید تباکی
کند و خود را به گریه دارد و چون رقتی آید دعا را غنیمت باید داشت اگر چه به قدر سر مگسی باشد
که خدای تعالی چشم گریان را و آن را که تباکی کند رحم فرماید و از جمله آنکه اول از اوصاف و الطاف خدا
سؤال کند به مرتبه انبیا و ائمه علیهم السلام سؤال کند و چیزی که از حد او زیاد باشد و بر او نشاید
طمع نکند که سبب حرمان شود و از جمله آنکه اطمینان و حسن ظن به اجابت داشته باشد چنان
که در روایت است چون دعا کردی حاجت را بر در خانه دان و از جمله آنکه پیش از وقت
در حال عافیت و رفاهیت همیشه دعا کرده باشد تا چون در بلیه و شدت دعا کند مستجاب
شود و از آن محجوب نماند و گر نه ملائکه ابرار اجابت دعوات تو کلمند گویند این چه
آواز است نمی‌شناسیم و این کسی است پیش از این کم بود که به درگاه الهی رجوع می‌کند و از جمله آنکه
در آخر دعا بگوید ماشاء الله لا حول ولا قوة الا بالله خدای تعالی گوید ای
ملائکه این بنده من دریافت که اعانت کنید و حاجتش را آنکه کار را خود را به من واگذاشت و
تسلیم کرد و از جمله افسونی که الحاکس عزیزی حاجتش بخوانند و چون از دعا فارغ شود دو دست
بر سر و روی خود در روایت است که بر سر و سینه بمالد دست به عبارت خویش را از رحمت خالی باز نگرداند
و از جمله آنکه در دعا الحاح کند که خدا الحاح را دوست دارد و البته اجابت فرماید و نیز در روایت
در آیات است که بنده دعا کند خدای تعالی از او اعراض فرماید دعا کند و اعراض فرماید
پس در مرتبه چهارم و به روایت دیگر در مرتبه سیم فرماید ای ملائکه بنده من تکرار دعا کرد و اعراض
کردم همان دعا را کرد شنیدید که گناهش عزیزی نکرد به درگاه باشید او را آمرزیدم و اگر در

در اجابت

و در اجابت تأخیر شود مأیوس و ناامید نباید شد که خدای تعالی فرموده از رحمت من ناامید نباشد
مگر کافران و گمراهان و بسیار باشد که بنده دعا و مناجات او را دوست دارد و در اجابت تأخیر فرماید
تا بیشتر دعا و تضرع نماید و دعای مؤمن البته اجابت کرده و اگر در هر آنچه خواسته مصلحت باشد
همان را حفظ کنند و اگر بلیه مقدر باشد که رفع آن ضرورتر بود و خود از آن خبر ندارد آن را
رفع فرماید و اگر هیچ کدام نباشد در بهشت مضاعف مضاعف عوض دهد و در روایت دیگر است که
اگر در آنچه خواسته مصلحت نباشد گناه او کمتر شود و اگر دعا زود مستجاب شود مشعوف و مغرور
نباید گشت که شاید استدراج شود چنانکه در باب اول گذشت و بسیار باشد که بنده دعا کند خدای
تعالی برای آنکه آواز او را دوست دارد دیر اجابت فرماید تا الحاح او را بشنود بلکه اگر زود شود شاکر
و همه و اگر دیر شود صبر و توکل باید کرد و در هر حال تضرع و انابت و تملق و اطاعت باید کرد و از دعاهایی
که دعای ایشان مستجاب شود و جمعی که مستجاب نشود مروی است از اهل بیت علیهم السلام که چند
کسند که دعای ایشان مستجاب شود و از خدای تعالی محجوب نشود درهای آسمان بر ایشان گشوده
شود تا به عرش رسد امام حج و عمره و جهاد و پس بر همه احوال عیال ایشان باشند و در حوائج
ایشان نشستند و مریض پس او را مریض باشند و امام عادل و ولد صالح برای والدین و والد صالح
برای ولد و صایم تا وقتی که افطار کند و مؤمن را برای برادر غائبانه دعا کند و در روایت که هیچ دعا
به سرعت اجابت این دعا نیست و دعای مظلوم بر ظالم خدای تعالی فرماید دعای شیر را به اجابت
تا اجابت فرمایم و اگر چه بعد از زمانی باشد و دعای والدین برای ولد که مؤمنه
مرات از رحمت و چند کسند که دعای ایشان مستجاب نشود کسی که در خانه از کسب و سعی کشیده
و در خانه نشسته و دعا کند که خدای تعالی روزی بدهد به او گویند که ما تو را امر کردیم به سعی و کسب
تا حاجت او را دهم و کسی که خدای تعالی مالی داده و در باطل صرف کرده چون دعا کند فرماید آیا او را روزی

دارم فلانی گوی و کیه آن [illegible] را
طلاق گوی و بنده را الیوم خوش و از حوائج [illegible]
فرمایه بالتماس و خبر بگیری تا مات البلاد و گیرا از زمره [illegible]
احتیاط بکنند فرمایه کشته بودم که خود را در حلقه نیکان تا ملوک گوی [illegible]
طاهرین علیهم السلام که چون کسی نماز را غایبانه از خیر دعا کند ملائکه گویند چه خوب برادری
تو که برادر خود را غایبانه دعا یکی خدای تعالی هر برابر آن ترا عطا فرماید و دو مثل آن ترا و فایده
و اگر دعای به در آن کس کند گویند چه بد برادری تو بر خود رحم کن و ترک این گفتگو کن و نیز روایت
دعای کسی برای خود زیاده است چون برای کسی غایبانه دعا کند از آسمان اول ندا
ندا کنند که صد هزار مثل آن ترا باشد و از آسمان دوم ندا کنند که دو صد هزار مثل آن
بود و همچنین تا آسمان هفتم صد هزار [illegible] بدان خدای تعالی گوید منم غنی [illegible] ترا
صد هزار هزار مثل آن عطا فرمایم و هر کس برای مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات احیا
و الاموات ایشان دعا کند خدای تعالی بعدد هر مؤمنی و مؤمنه از زمان آدم تا آخر دنیا حسنه از برای
ثبت کند و بعد [illegible] دعا کرده باو عطا فرماید و از روز قیامت او را از دوزخ اگر
گشته [illegible] باشند [illegible] گویند [illegible] این کس
[illegible] او را قبول کرده
او را [illegible] و هر کس هر روز بیست و پنج مرتبه بگوید اللهم اغفر للمؤمنین والمؤمنات
والمسلمین والمسلمات به عدد [illegible] گذشته و آینده تا روز قیامت برای ایشان حسنه
ثبت کنند و سیئه محو نمایند و درجه بلند کنند و در روایت دیگر [illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام

[illegible]

شکایت نمود که [illegible] اجابت نموده انکه شنیده ام
که [illegible] الایام [illegible] وارث طلب [illegible] و در روایت از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام که چون کسی را حاجتی روی دهد باید که [illegible] غسل کند و دو رکعت
نماز گذارد [illegible] فاتحه [illegible] تشهد بخواند و بعد از سلام [illegible] حضرت
هدیه نموده بگوید اللهم انت السلام ومنك السلام واليك يرجع السلام اللهم صل على محمد
وآل محمد وبلغ روح محمد وآله مني السلام وارواح الائمة الصادقين سلامي
واردد علي منهم السلام والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته اللهم ان
هاتين الركعتين هدية مني الى رسول الله صلى الله عليه وآله فاثبني
عليهما ما املت ورجوت فيك وفي رسولك يا ولي المؤمنين بعد از آن
به سجده رود و چهل مرتبه بگوید یا حی یا قیوم لا یموت یا حی یا لا اله الا انت یا
ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین بعد از آن روی راست [illegible] و چهل مرتبه بگوید [illegible]
روی چپ [illegible] و چهل مرتبه بگوید بعد از آن دست [illegible]
[illegible] کنند [illegible] و چهل مرتبه بگوید بعد از آن [illegible]
[illegible] و اگر [illegible] یا محمد یا رسول الله و [illegible]
[illegible] بعد از آن [illegible]
[illegible] صل على محمد وآل محمد واقض حاجتي [illegible]
[illegible]
[illegible]

وبعد از آن ایشان را بوها دهید پس اگر مرض یا حاجتی باشد تا حاجت روا شود باید بهر نماز برده طهارت
بسازید و چیزی از صدقه بکسی دهد هر چه باشد در بسته پس بگذارد دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن
حمد و ثنای خدا بگوید و صلوات بر پیغمبر و آل پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بفرستد و حاجت خود را طلب
کند انشاء الله تعالی مستجاب شود و این مجرب است هر چند که بخواهد حاجت او بر آید اجابت آن و هم از
آنحضرت علیه السلام روایت که هر کس را غمی و اندوهی و حاجتی باشد غسل کند و دو رکعت نماز گزارد
پس دست راست بر پیشانی راست گرفته بخواند و بگوید یامعز کل ذلیل و یامذل
کل عزیز وحقک لقد شق علی کذا و حاجات خود را ساز و مستجاب شود
هر کس در هر شب زیر رتبه بگوید ما شاء الله لا قوة الا بالله و مرویست که ابو العباس پردی
بود با طالع اگر بکاری لمنیرفت و از آن چیز منع کردند بحضرت رسول علیه السلام شکایت کرد فرمود
نماز صبح ده مرتبه بگوی سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله واسئله من فضله
گویند که ماندگی از جای بیچاره بر آمد و فقر ثالم اغنیا گو بسبب یکی از اصحاب
حضرت پیغمبر علیه السلام پیش آنحضرت آمد و شکایت کرد آنحضرت فرمود که هر روز این کلمات بگوی لا حول و لا قوة
الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت و الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گفت برای ادای دین بگوی اللهم
اغننی بحلالک عن حرامک و بفضلک عمن سواک که اگر بقدر کوه دین
داشته باشد ادا شود و هم مرویست در این باب از آنحضرت علیه السلام
که هر روز دو رکعت نماز بگذارد و بعد از آن آیة الکرسی بخواند و بعد از آن بگوی یا حی یا قیوم

والاخرة ورحیمهما تعطی منهما ما تشاء و تمنع منهما ما تشاء اقض عنی دینی که اگر زر روی زمین طلا
وین داشته باشد ادا شود گویند که بحضرت امام جعفر علیه السلام شکایت کرد که دین بسیار دارم
و حال آنکه ... فرمود بگوی اللهم لحظة من لحظاتک تیسر علی غرمائی بها قضاءا
وتیسر لی بها الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر و هم از آنحضرت مرویست
که هر کس ده روز هر روز چهار صد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا
هو الرحمن الرحیم الحی القیوم بدیع السموات والارض ذو الجلال و
الاکرام لجمیع ظلمی و جرمی و اسرافی علی نفسی و اتوب الیه [illegible]
مال بسیار یا علم بسیار عطا فرماید و هم از آنحضرت علیه السلام روایت که هر کس که چیزی با وی حاجت خود
و دعا مستجاب عطا نمیشود و شغل بود و دعا مستجاب با عطا فرموده که برای استغنا بگوید روان
رحمت یا دائما لم یزل یا الهی و اله آبائی یا حی یا قیوم صل علی محمد و آل محمد و اغننی بحلالک عن حرامک
برای حوائج و قضای دین و آن اینست یا من یکفی من کل شیء و لا یکفی منه شیء
یا الله یا رب صل علی محمد و آله و اقض عنی الدین و افعل بی کذا و ... از آنحضرت
روایت که چون حوائجی برای طلب و حاجتی بکسی نامه بر قبا نویسد اول بنویسد باید در سر نامه
بنویسد که بسم الله الرحمن الرحیم ان الله وعد الصابرین المخرج مما یکرهون والرزق من حیث
لا یحتسبون جعلنا الله و ایاکم من الذین لا خوف علیهم و لا هم یحزنون راوی گوید بعد از
آنکه این حدیث شنیدم هرگز برای مطلبی نامه ننوشتم مگر آنکه اجابت مقرون گشت
در تعوید و حرز عافیه و نگاهداشت از جانوران بسیار بود و به از اهل بیت اطهار صلوات الله
در این باب حرز حرزها و اسمها بسیار است اما در این گنج تحفه از سلاطین کسی که حضرت
حضرت امام علیه السلام ... سلطان که سلطان از ظلم ... اندیشه داشت فرمود چون از

از خانه بیرون می‌رود ... ارش رو و جانب راست و دست راست و جانب چپ ... الذی
و نیز با بجوان را در آن روز حصاری است برای او از سلطان و شیطان و روایت است که چون
با سلاطین ملاقات کنید دست بر پیشانی گذاشته بگوید خیرک بین عینیک و شرک تحت
قدمیک و بالله نستعین علیک اللهم اکفنیه بما شئت فانه لا قوة
الا بک و چون از غضب ایشان ترسد بگوید اطفأت غضبک بلا اله الا
هو حسبی لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
و چون نظر بر ایشان افتد سه مرتبه ... بگوید و با دست چپ انگشت بسیار زند و می
دارد تا بیرون آید مکرر بگوید باشد و نیز روایت است که سلطان بوجب طلب حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام فرستاد پس امام حسین ... ایستاده فرمود و در سینه امان
از هر خوف و نیز آنحضرت از خانه سلطان می‌گذشت دید که ... عقوبت کرده بیرون
آمد فرمود اگر عتیق با خود ... از آن حادثه ایمن می‌بود از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام روایت است که چون عقیق ... ملاقات کند در روز اول کسی که بوان و خطاب
با ولد ... بگوید عرضت ... عبد الله ورضیت محمد صلی الله
علیه و آله و علی بنبیه سلیمان ابن داود و رضیت امیر المؤمنین
علی ابن ابی طالب والائمة من بعده ... ابراز ... برود
راوی گوید چون بیرون امام ... با کریه داد ... برادر خواندم بعد از آن گفتم
الا تنجیت من طریقنا ... سر بزیر افکنده ... گفت ... کرده
دفع ... از حضرت امام محمد تقی فرمود هر کس وقت سلام کردن اعوذ بکلمات الله
التامات

التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر من شر ما ذرأ و من شر ما برأ و من شر کل دابة هو
آخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ... عقرب و گزنده او را نگزد تا صبح
و نیز روایت است که دو چوب انار ... و گزندگان را دفع کند کیکوج و قرائت
... الا ... باب ... حضرت ... آیه الکرسی ...
... الصبح ... در وقت خواب ... بر قفلها و حلقها
بگذارند قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا آخر سوره ... و اذکار دیگر نیز برای این
مطلب ... خواب ... روایت که هر کس بسم الله الرحمن الرحیم بر در
بیرون خانه نویسد ... ایمن باشد ... کافر باشد و روایت است که فرعون
بر در خانه خود نوشته بود و چون حضرت موسی ... اسم ...
تو بگویش نظر ... بر در خانه نوشته از حضرت امام رضا علیه السلام که هر کس در ایام
طفولیت هر شب سه مرتبه قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه قل اعوذ برب الفلق ...
... اگر نتواند بخواند ... مرتبه یا دیگری برای او بخواند از جمیع امراض ...
... چون عارض شود ... دیر ... از
... چون محفوظ گردد ... از دنیا بیرون
برود از حضرت امام جعفر روایت است ... چون ... حضرت ...
... این کلمات ... هر گز ...
... امام ... قائم ... یا در حمام
خود ... باشد تا از حوادث ... محفوظ باشد بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من
لا هو الا هو یا من لیس ... الله هو یا حی یا قیوم یا حی لا یموت یا حی یا الله انه الذی ...

صل علی محمد و آل محمد و اکفنی [illegible] در [illegible] حصنا حصینا منیعا یا رب العالمین و صلی الله
علی محمد خاتم النبیین و آله الطاهرین روایت از حضرت پیغمبر صلعم هر کس این دعا را بخواند
الله تعالی هفت [illegible] آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت از برای آن کس بنویسند ثواب و
گناهان کسی [illegible] آید [illegible] از ایمان بیرون شود و خدای تعالی فرماید ای ملائکه گواه باشید
که او را و والدین و برادران و خواهران و اهل بیت و اولاد و همه مؤمنان همه را از
آتش آزاد کردم و او را شفیع هر کس که خواهم گردانیدم و بهشت بر او واجب باشد و دوزخ [illegible] از قوت
این دعا و فضل عظیم روایت شده دیگر همه آن در این مختصر نگنجد یا من اظهر الجمیل و ستر القبیح
یا من لم یؤاخذ بالجریرة و لم یهتک الستر یا عظیم العفو یا حسن التجاوز یا واسع المغفرة یا
باسط الیدین بالرحمة یا صاحب کل نجوی یا منتهی کل شکوی یا کریم الصفح یا عظیم المن یا مبتدئا
بالنعم قبل استحقاقها یا ربنا یا سیدنا و یا مولانا و یا غایة رغبتنا اسئلک یا الله ان لا تشوه
خلقی بالنار از آن حضرت روایت است فرمود شبی که به معراج رفتم بر حجاب [illegible] این دعا
نوشته دیدم هر کس بخواند در ایام [illegible] بر آتش حرام گردد و گناهان او و والدین [illegible]
امر [illegible] و [illegible] از روی [illegible] کنند و [illegible] بر آتش جمع [illegible]
و اگر [illegible] عنوان [illegible] و [illegible] باید و اگر [illegible] طفل [illegible] محفوظ
باشد و اگر [illegible] باید [illegible] و جمع [illegible] شود و اگر [illegible] جن و انس و ملائکه
و هر [illegible] جمع شوند از اول دنیا تا روز قیامت [illegible] ثواب آن بنویسند نتوانند اللهم
انی اسئلک یا من [illegible] العبودیة [illegible] [illegible]

علیهم السلام که خدای تعالی جمیل است و دوست دارد جمال را چون بنده را نعمتی عطا فرماید دوست دارد
که آثار آن نعمت از او ظاهر شود پس اگر او [illegible] را آثار نعمت کند شکر آن کرده بود و
کفران کرده باشد و بهترین لباسها جامه است که لباس حضرت پیغمبر صلعم و اهل بیت او است
صلوات الله علیهم و هر لباسی که موجب کبر و عجب بود و در روایت است که حضرت امام [illegible]
روزی جامه‌های فاخر پوشیده و از خانه بیرون رفت ملحد [illegible] [illegible] از جهت [illegible]
از تن بیرون کرد و جامه دیگر پوشید فرمود که این در این جامه علی ابن الحسین بودم و جامه
حضرت امام فرموده چون تن جامه [illegible] پوشید هر کس بخود و از حضرت رسول صلعم روایت است
که جامه [illegible] کشیده [illegible] [illegible] پوشیده و هر کس جامه برای
تکبر و شهرت پوشد روز قیامت خدای تعالی جامه از آتش او را پوشاند و در جهنم قرین قارون
باشد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدند [illegible] در لباس کرام است فرمود [illegible] خود
جامه نو پوشی [illegible] و لباس [illegible] و حریر برای مردان حرام است و هر کس [illegible]
حریر پوشد او را [illegible] محروم باشد و حضرت پیغمبر صلعم به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که حریر
مپوش که روز قیامت بدنت را با آتش [illegible] و بهترین رنگها در لباس سفید است و سیاه
لباس بنی العباس است [illegible] لباس [illegible] و در روایت دیگر [illegible] و
[illegible] لباس [illegible] [illegible] لباس شیطان و [illegible] اهل بیت علیهم السلام و
[illegible] لباس [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کهنه [illegible]
وقت [illegible] [illegible] کهنه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
[illegible] لباس [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] شهرت

و در هر لباس اهل نار است شاید که مردان بپوشند یا با آن نماز کنند و در روایت است که پاک نباشد
دست کسی که انگشتر آهن باشد حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که عقیق سرخ و زرد و سفید سه کوه اند
در بهشت عقیق سرخ مشرف است بر خانه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سفید بر خانه امیرالمؤمنین و زرد بر خانه
فاطمه زهرا علیها السلام و هر روز تسبیح و تقدیس و تمجید الهی میکنند و برای دوستان اهل بیت علیهم السلام استغفار میکنند
هر کس از شیعیان ما که از آن انگشتر کند غیر خیر و خوبی و وسعت روزی و سلامت از جمیع
انواع بلاها نبیند و امان است از سلطان و از جمیع بلاها و مخاوف و دفع میکند ... نفاق را
از دل کند و هیچ دستی به دعا برداشته نشود دوستتر پیش خدا از دستی که در او انگشتر عقیق بوده باشد و حاجات
با جابت مقرون باشد خدای تعالی نظر بر زمین افکند و از دوزخ حال ... عقیق ...
پس سوگند خوردم بعزت خودم که عذاب نکنم دستی را که با ولایت علی انگشتر عقیق داشته
باشد و در روایت دیگر آمده که چون خدای تعالی کوهها را آفرید ولایت اهل بیت را
بر ایشان عرض فرمود اول عقیق به ولایت قبول کرد پس ایشان را افضل و شرف
عطا فرمود و در روایت دیگر آمده که عقیق سرخ اول کوهی است که اقرار به وحدانیت خدا
و نبوت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و وصیت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرین علیهم السلام و بهشت برای
شیعیان و جهنم برای اعدای ایشان نموده و دو رکعت نماز با عقیق برابر است با هزار
رکعت و کسی که ... عقیق ... انگشتر ... دنیا برود
مگر ... و حضرت پیغمبر ...
... انگشتر عقیق با خود دارد ... از جمیع بلاها ...
و دیگر یکی از غلامان امام علی النقی علیه السلام گفت که رفتم به خدمت آنحضرت ... زیارت حضرت
امام رضا علیه السلام مرخص شوم فرمود انگشتر عقیق زرد با خود بردار ... نگین ... نقش
بود ...

نافرموده اند ... و برای ... نقش ... امان است از ...
و جهت حفظ دین بهتر و برای سلامت تمامتر است و انگشتر فیروزه بردار و بر یک روی نگین
الله الملک و بر روی دیگر الملک لله الواحد القهار نقش شود که امانست
از سباع و حرز است در جنگها و چون از منزل برکنار شوی بیرون ... غول را
منع کند از شنیدن ... خاتم ... انگشتر ...
بهر دو انگشتر را چنانکه فرموده بود برداشتم و حکایت چنانکه فرموده بود ...
از زیارت مراجعت کرده به خدمت آنحضرت رفتم حکایت واقعه عرض کردم فرمود
دیگر ... که ... باشد فرمود ... حضرت ...
احتیاج ... زیارت ... انگشتر ...
و ... انگشتر ... در دست ...
... چون ... عجب ... و ...
پاره یاقوت ... با خود داری ... برای ...
... بهمان قیمت ...
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت است فرمود دوست دارم که شیعیان پنج انگشتر داشته
باشند یاقوت برای زینت و دفع فقر و عقیق که ... و فیروزه
که ... و ... باشد و چشم و دل ... قوه
دهد و ... و دست ...
نمیکنند ملکها خود ... دور کند ... از

و روایت کرده‌اند که شر شیاطین را دفع کند و در کشف الغمه است که هر کس آن را انگشتر کند
هر نظر بر آن کند محو باشد که بر آن نقش ... انبیا صلی ... بود و از برای رحمت
خدا بر شیاطین می‌بود که ... و فرا ... نمود ... رحمت آن را چنان می‌کرد
که هیچ از آن ... روایت است که چون جامه نو ... سلیمان ... تسبیح و استغفار کند
و ثواب برای ... جامه باشد و دو رکعت نماز ... برابر است ... او پوشیدن جامه
روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام که در جامه پوشیدن و کندن و هر کاری بسم الله بگوید
تا شیطان شریک نشود و هر کس جامه نو بپوشد و غسل کند و دو رکعت نماز بگزارد و در هر رکعت
الحمد و آیة الکرسی و قل هو الله و انا انزلناه بخواند و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما
اواری به عورتی و اتجمل به فی الناس و حلقه بسیار بگوید و از آن جامه
معصیت نکند و بعد هر رشته از آن رشته برای او دعا و استغفار و از خدا طلب رحمت نماید
و اگر بگوید الحمد لله الذی کسانی من اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم
اجعله ثوب برکة اسعی فیه لمرضاتک واعمر به مساجدک کناه
امرزیده شود و در آن جامه مکروهی نبیند و اگر کوزه آبی ... و در روایت دیگر
سوره انا انزلناه بر آن بخواند و بر آن جامه باشد تا رشته از آن باقی بود در وسعت رزق
باشد و چون جامه بپوشد و فارغ شود بگوید اللهم بک استترت و الیک توجهت و بک اعتصمت
و علیک توکلت انت ثقتی و انت رجائی اللهم اکفنی ما اهمنی و ما لا اهتم
به و ما انت اعلم به منی عز جارک و جل ثناؤک و لا اله غیرک اللهم زودنی التقوی و اغفر لی
ذنبی و وجهنی للخیر حیثما توجهت و چون عمامه بر سر نهد یا انگشتر در دست کند بگوید اللهم لا تنزع منی
جاکم

چنانکه در فصل آداب حمام گذشت و عمامه ایستاده ببندد و در روایتست که هر کس عمامه بندد و تحت الحنک
نبندد و اگر المی به او رسد که دوا نداشته باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود عجب دارم از کسی که تحت الحنک بسته به حاجتی رود و چون حاجتش بر نیاید و در این زمانه
در باب تقیه از ... دنیا تحت الحنک متروک گشته مثل اکثر سنن سنیه بعد ... التحت
و چون کفش بپوشد ابتدا به پای راست کند و بگوید بسم الله اللهم صل علی محمد و آل محمد
وطئ قدمی فی الدنیا والاخرة و ثبتهما علی الصراط یوم تزل فیه الاقدام و چون بکند به پای
چپ کند و بگوید بسم الله الحمد لله الذی رزقنی ما اوقی به قدمی من الاذی اللهم ثبتهما علی
صراطک ولا تزلهما عن صراطک السوی و ... راه برود که اگر جنبانیدن پای ... از
اجنه و شیاطین عارض شود ... رفت ... و چون چیزی از کفش بیرون کند تا ...
کند تا از کثافت و کهنه محفوظ باشد و شیطان ... و چون عمامه از سر برگیرد طاق
بالای ... [illegible] ... که از ... شیطان بر سر ... و در ... بعضی ...
و روایت است از اهل بیت طاهرین علیهم السلام و شیعه‌ها از ... خلق کرده ...
هم ملاقات ... دوست داریم و نیز روایت ... [illegible]
دوست دارد و در روایت ... شکر ... و هیچ ... و منت و عمل دوا ...
و هیچ چیز ... استعمال آن در ... یک انگشت و ...
... [illegible] ... آنکه هر ... در هر وقت و در هر حال ...
شفا ... باشد و بوی ... و غیر آن نافع ... و در روایت ...
... دوست داریم و شیعیان ما از طینت ما خلق شده‌اند ... دوست ...
و ... از طینت ... دوست دارند و نیز روایت که ... عمر خود

عجوه که از بقیه طینت آدم مخلوق گشته هر کس صبح او را هفت دانه عجوه که نوعیست از خرما
ناشتا بخورد در آن روز از زهر و از شیطان ایمن باشد و اگر وقت خوابیدن بخورد
کرمهای شکم بکشد و مرویست که اکرام کنید نان را که خدای تعالی برکات آسمان را برای
او انزال فرموده و برکات زمین را بیرون آورده و از حرمت نان آنست که
بخورده و از جمله اکرامش آنست که بلکه بر و نبرند و زیر پا نگذارند و چون بشکنند بر خردهای
دیگر ننشیند و زیر ظرف نگذارند و مرویست که در زمان سابق پیغمبری بانی نانی را دور افکند
نشانها را بدو نمود و گفت ای رب الحکیم این درویشها در زیر پا افتاده است
دنبال او دست بر داشته و گفت خدایا دیدی بابان چه کردند چه گفتند نان را اکرام
پس خدای تعالی فرمود که باران از آسمان نیاید و گیاه از زمین نرست و قحط شایع گشت تا حدی
که دو زنی با دیگری گفت بیا امروز فرزند مرا باهم بخوریم و فردا فرزند ترا آن روز
آن طفل را باهم خوردند و روز دیگر طفل دیگر خوردند فرزند خود را پنهان کرد ... که
بزرگست در دنیا آن دو گفت کار ما بانجا رسیده پس دعا کرد خدایا کرد کان و ...
نگاه گشتهان برا ... بکن و بر ایشان رحم فرمای پس باران آمد و قحط از ایشان گشت
و از ائمه علیهم السلام مرویست که فضل نان جو بر سایر نانها مثل فضل ماست بر سایر ناس
و دو روی ... علیه ... و ... هیچ نانی نفع تر از نان برنج نیست و در روایت بسیار آمده
که ... گوشت بسیار کم و بسیار دوست داریم و حضرت داریم ... گوشت دوست
دارد و سید طعام گوشت است در دنیا و آخرت و هر کس چهل روز گوشت نخورد بد خلق شود
و گفته است هر که ... گوشت خوردن دیگر و دو مرتبه ... و بهترین گوشتها گوشت ... است
و مرویست که ... بهتر از ... بودی خدای تعالی ... از حضرت ... و ساوی گوشت ...

نشاط و نفع کند و بهترین اغذیه حیوان اعلا ماهیان است و نیکوترین اغذیه که گوشت نفع دارد
هر دو کبیر است و سید طعام گوشت و برنج و بلو ایرا قطع کند و در ایفی اناء نفع بود و
هریسه مائده است که بر حضرت پیغمبر نازل شد و چهل روز قوت عبادت افزاید
و علس ... را رقیق کند و منیر گرداند که هر یک ... را ... را بسم نفع باشد و از
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست فرمود چه خوب ... است سرکه و ... از
حلم و خوشبوی کند و طعام هضم و اشتها آورد و هر کس اول ... بخورد و ... است
در آن ماه ... شیر ... و خربزه ... رحمت و ... است و ... از آن
اعتقاد حسنه ... شود و ... سیئه محو شود و ناشتا باید خورد ... فالج است
و انگور ... از میوه‌های بهشت و انگور سیاه غم را زایل کند و هر کس هر ... ناشتا
هفت دانه مویز سرخ بخورد از جمیع امراض ایمن گردد مگر مرض الموت و در روایت
از خدای تعالی ... نوع ... و سیب ... و انار ... است و ... انگور ... و اگر ...
خور ... طعام بخورد ... هضم کند و در هر انار دانه از بهشت است و از این جهت
انار ... بخورد تا دانه بهشت فوت نشود و هر کس یک انار ... بخورد ... خدای
چهل روز شیطان ... کند و اگر دو انار بخورد صد روز و اگر سه انار بخورد یک سال
و هر کس ... شیطان ... و ... نکند و هر کس ... بهشت ... و در روایت
دیگر آمده ... هر کس یک دانه از انار بخورد دل را نورانی کند و چهل روز شیطان دل او را
بیمار کند و هیچ دانه انار در شکم ... دوای ... باشد و ...

١٣٦

بخورند هر صباحی جوارش بلغم و ... صاف و ... را دفع کند و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

فرموده ما اهل‌بیت بیماران را سیب ... و ما اول کسیم که بیماران خود را سیب میدهیم

و هیچ چیز نافع‌تر از آن نیست اول کسی که ما اهل‌بیت ... بیمار بودند ایشان را سیب

دادیم همه صحت یافتند و خوردن سیب شتاب معده را قوت دهد و ... هر جا بوده آن

هیچ چیز نافع‌تر از زهر سیب نیست که ... شود و ... سیب ... نیز روایت

شده و به دل را قوت دهد و رنگ رو صاف کند و ... دل را دلیر کند و فرزند را

جمیل کند حضرت ... شتاب بخورید ... دهان ... عرق ... پاک

کند و دل ... و عقل ... و محبت در دل ... کند و هر کس یک ...

به خورد ... روز ... الحکمت جاری ... شتاب ...

صفا ... و دل ... و عقل ... ابلیس و ...

دل را قوت دهد و ... دفع کند و درد ...

نافع ... است ...

کند و بوی دهان ... و استخوان محکم ... نافع باشد و ...

باشد ... حضرت ...

طعم ... فرمودی ... بسیار ...

آن عرق جذام را قطع کند و ... هیچ چیز نفع از آن ...

باشد ... حرارت ... ایشان بود و ...

احتراز ... و ... از قولنج و ...

لبلبو

١٣٧

... باشد و ... دو خون صاف کند و ... جوارش ... و عقل ... و ...

محکم کند و جماعت را ... کند و گوشت ... محکم کرد ... روایت ... خون ...

... آن بخورید که تغیر آب و هوای نافع است و ... سبزهاست

... آب ... را ... بو ... قطع کند و ... خوشبو کند و باد

... جذام ... است ... و چون ... بخورد ...

نافع باشد ... سبزهاست ... آن ... پیش ...

... حضرت ... والله ... ذکر ... کند و روایت

و فضل آن بر سایر سبزها ... است بر سایر ... دوای هر ... و هر کس

وقت خوردن ... آن بخورد ... قولنج ایمن باشد و ... پیش

از ... اهل‌بیت ... که ... آن ...

آن ... لطیف ... و ... باد ... روح ...

... حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام ... اهل‌بیت ... آن ... و امان

از جذام ... و حضرت امام ... فرموده ... پیش از طعام ... آن

بخورم ... و ... پس از طعام بخورم ...

... طعام ... طعام کند و دفع ... و بوی دهان خوش کند و هر که

... طعام ... کند و ... دفع نماید و ... بلغم دفع کند و ...

... از جذام ... ایمن باشد ...

... گوشت ... و استخوان ... کند و ... بلغم ...

و اشتها و رنج معده دفع کند و اگر لیمو را نمک زده بخورند شیرین را هضم کند و در روایتی آمده که اترج

قاووت باه بسیار کند و گوشت بدن را زیاده کند و اگر هفت مرتبه بشویند بعد از آن بخورند دیگر

هرگز بد نیست برود و تقویت ساق و قدم کند و گرمی را برطرف کند و بسیار بیماری‌ها را برطرف کند حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام فرموده که قاووت جو بیاشامید و مرتبه بیشتر نیاشامید که شفا یافت

و قاووت عدس تشنگی می‌نشاند و معده را قوت دهد و جوانان را حرارت ساکن گرداند و

حرارت را دور کند و در دفع ... علت بود در روایت وارد شده که خلیفه زاده

بود تا آنکه شرف صحبت یافته بود حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرموده قاووت عدس

بخورید تا صحت یافت و دیگری از گرمی دست نیاید و ... بسیار شود و مالیدن آن بر روی

... گرم کند و اگر گوشت ماهی خورد و بر سر آن چند دانه خرما یا عسل خورد هیچ ضرر

بر دو چیز بگوید گوشت ماهی بلغم را زیاد کند و ... گرمی را بیرون کند و روغن وارد است

و چون به پنجاه سال رسد باید روغن خورده باشد که موافق مزاج ایشان

نیست در فضیلت آب در روایت از اهل بیت طاهرین علیهم السلام وارد شده که بهشت

است و هر کس از آن نهر که در میان ... از نهر بهشت ... با شکر شدن

از آب است که قرار این نعمت و تشنگی اهل ... عطای آن ... حضرت

امام موسی ... از آب خوردن منع کرد که فرمود چرا منع کنی آب طعام را هضم کند

و صفرا را بشکند و ... حرارت کند و غضب بنشاند و عقل بیفزاید ... آب باید

خورد که در تابستان گرم ... علت‌های بسیار ... از آن مستولی شود و ... آب کم

خورده ... آب سرد ... شفای ... درد است و ... برای ... باشد

...